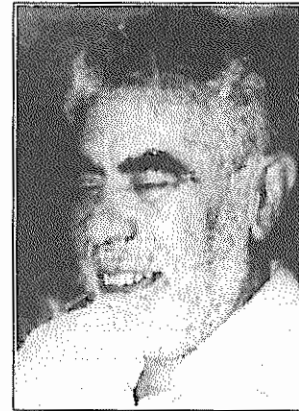


حکومت اسلامی مسئول مرگ سعیدی سیرجانی است



● عفو بین الملل خواهان تحقیق کامل پیرامون مرگ سیرجانی شد

● نویسندگان، هنرمندان و گروه های سیاسی حکومت اسلامی را مسئول می دانند

آدمیزاده ام، آزاده ام و دلش همین نامه که در حکم فرمان آتش است و نوشیدن جام شوکران، بگذارد بداند که در سرزمین بلاخیز ایران هم بودند مردمی که دلبرانه از جان خود گذشته و مردانه به استقبال مرگ رفتند.

این جمله با پانی نامه علی اکبر سعیدی سیرجانی به خامنه ای است، در زمانی که هنوز او را به بند نکشیده بودند. امروز "فرمان آتش" صادر شده و "جام شوکران" نوشیده شده است.

خبر درگذشت سعیدی سیرجانی که ۹ ماه در زندان های جمهوری اسلامی گرفتار بوده، با انعکاس و واکنش گسترده ای در

داخل و خارج از کشور مواجه شد. هر کس این خبر را شنید آن را یک مرگ مشکوک دانست. برخی ها گفتند سیرجانی را کشته اند و برخی ها گفتند که او طاعت آنهمه فشار و شکنجه روحی و جسمی را نیاورد. اما همه در این متفق بودند که: مسئول مرگ سعیدی سیرجانی حکومت جمهوری اسلامی است. بنا به گزارشات رسمی جمهوری اسلامی سیرجانی روز شنبه ۱۵ آذر ۱۳۷۳ در زندان ۲

دادستان دادگاه جنایی پاریس در کیفرخواست خود اعلام کرد: سازمان های اطلاعاتی ایران مسئول مستقیم قتل دکتر بختیار هستند

● دادستان برای وکیل راد حبس ابد و برای هندی و سرحدی از ۱۳ تا ۱۵ سال تقاضا کرده است

● در کیفرخواست دادستان اعلام شده حکومت جمهوری اسلامی، صداوسیما و وزارت پست و تلگراف و تلفن تدارک و رهبری قتل را به عهده داشتند



ردیف بالا از راست به چپ: مسعود هندی، زین العابدین سرحدی، علی وکیل راد
ردیف پایین از راست به چپ: مترجم سرحدی، وکلای مدافع وکیل راد

محاکمه متهمان به قتل دکتر شاپور بختیار رودستار و سرروش کنبه در دادگاه جنایی پاریس مراحل آخر خود را طی میکند. اواخر هفته گذشته دادستان کیفرخواست دادگاه علیه متهمان را قرائت کرد. دادستان در کیفرخواست خود سرویس های اطلاعاتی جمهوری اسلامی را مسئول مستقیم قتل اعلام کرد. وی برای علی وکیل راد بعنوان یکی از قاتلین تقاضای حبس ابد با دوره قطعی ۱۸ سال دارد و برای هندی و سرحدی نیز به جرم مشارکت در تدارک عملیات ترور از آغاز تا انجام آن، تقاضای ۱۳ تا ۱۵ سال زندان با دوره قطعی برابر دو سوم این مدت کرده است. در کیفرخواست دادستان به دفعات و صریحا از حکومت جمهوری اسلامی، صداوسیما و وزارت پست و تلگراف و تلفن نام برده شده که تدارک و رهبری عملیات را به عهده داشته اند.

مهمترین روز دادگاه

کیفرخواست دادستان در جلسه ۲ ادامه در صفحه ۳

اراکی درگذشت روحانیت در جستجوی مرجع تازه

آیت الله محمد علی اراکی روحانی سالمندی که پس از مرگ خمینی از سوی دستگاه تبلیغاتی رژیم بعنوان مرجع تقلید معرفی می شد، روز سه شنبه در بیمارستان رجایی تهران درگذشت.

تا زمانی که آیت الله گلپایگانی در قید حیات بود، رژیم در پیروبال دادن بیش از حد به اراکی تا حدودی جانب احتیاط را رعایت می کرد و تبلیغاتش به گونه ای نبود که مرجعیت گلپایگانی را زیر سؤال برد و هواداران و مقلدان وی را علیه خود برانگیزد. اما با مرگ گلپایگانی راه برای تبلیغات همه سویه رژیم درباره آیت الله اراکی گشوده شد و وی به رغم اختلال حواس و بیماری نسبان، تنها به صرف ارادتش به رژیم بعنوان اصلی ترین مرجع تقلید معرفی گردید.

در هفته های گذشته یعنی از زمانی که اراکی در بیمارستان ادامه در صفحه ۳

برائرسیل و طغیان رودخانه ها

ده ها شهر و صدها روستا را آب فرا گرفت

دیدارند. استان خوزستان در جریان سیل اخیر بیشترین خسارت را دیده و سیل ۷۰ درصد این استان را فرا گرفت. برائرسیل آب کارون، دز و کرخه بسیاری از راه های ارتباطی را آب گرفته و روستاهای زیادی زیر آب رفته و یا در محاصره ی آب قرار گرفته اند و کمک رسانی از طریق هوا و یا قایق صورت می گیرد. به گزارش خبرنگاران در برخی نقاط ارتفاع آب به ۱/۵ متر می رسد. بخش های وسیعی از دشت آزادگان به زیر آب رفته و خسارات زیادی به مزارع کشاورزی و تاسیسات آبیاری منطقه وارد شده است. سیلاب به ارتفاع ۳ ادامه در صفحه ۳

بارندگی شدید باران در اکثر نقاط کشور موجب جاری شدن سیل و بالا آمدن آب رودخانه ها شد که خسارات زیادی به نقاط مسکونی، راه های ارتباطی، مزارع کشاورزی و شبکه های آب رسانی وارد کرد. بر اساس گزارشات منتشر شده ی روزهای اخیر در ۱۵ استان کشور باران باریده که در ۱۵ استان خوزستان، ایلام، لرستان، همدان و کرمانشاه باعث جاری شدن سیل و طغیان رودخانه ها شده است. بر اساس این گزارشات برائرسیل ۱۹ شهر و ۷۰۶ روستا آسیب دیده و ده ها نفر جان خود را از دست داده و هزاران واحد مسکونی خسارت

زخم دوباره دهان گشود

آیت الله اراکی درگذشت. چنانکه پیش بینی می شد، با مرگ وی بحران بورس مرجعیت "بالا گرفت". منشاء این بحران البته نه فوت اراکی، که نظام دین سالار رکنونی کشور است. نظامی که دین و دولت در آن به هم آمیخته است. در زمان خمینی این در آمیزی شامل مرجعیت نیز می شد و خمینی هم رهبر سیاسی نظام بود و هم رهبر دینی و مرجع تقلید.

اما چنین امکان و شرایطی تنها در زمان خمینی و با وجود او امکان پذیر بود. پس از مرگ خمینی، در حالی که از آیت الله منتظری نیز خلع مقام شده بود، نظام اسلامی فاقد آخوند معتبری بود که قیام رهبریت و مرجعیت را هم چون خمینی یک جا بر تن کند. این را خمینی پیش از دیگران فهمید و قبیل از آن که در دستر مرگ افتد، دست به تغییر قانون اساسی و جدا کردن رهبری از مرجعیت زدند. و بلافاصله بعد از مرگ خمینی، خامنه ای را رهبر "کردند و اراکی را که کالبد متحرکی بیش نبود، مرجع.

اما از همان روز هم پیدای بود که بالای های حکومت با این نقشه توطئه گرانه خود مساله را حل نکرده اند، بلکه استخوان لای زخم گذاشته و آن را به زور، دهان دوخته اند.

آخوند های حکومتی به تغییری که در زمان خمینی در قانون اساسی دادند، وفادار نماندند و در این چند سال کوشیده اند پس از قیامی رهبریت، عیای مرجعیت را تن خامنه ای کنند. با مرگ اراکی این مساله اهمیت روزیافته و کوشش ها ده چندان شده است. و همین جاست که زخم دوباره دهان گشوده و حکومت و روحانیت را به بحران تازه دچار ساخته است. آخوند های نزدیک خامنه ای چون یزدی و جنتی و ناطق نوری تاکنون نتوانسته اند خامنه ای را به عنوان مرجع مورد قبول جا بزنند. مجامعی نظیر روحانیت مبارز و مدرسین قم نیز، هر چند خامنه ای را به عنوان یکی از مراجع معرفی کرده اند، اما به این فشار که خامنه ای "مرجع علم و ولی امر مسلمین جهان" باشد، تن نداده اند. طرفداران خامنه ای شمار قابل ملاحظه ای از آیت الله های به نام، که خود زمانی از استوانه های نظام اسلامی به شمار می آمدند، را نیز در مقابل خود یافته اند. بنا به خبر های موقت کسانی چون مهدوی کنی، محمدی گیلانی، محقق داماد، موسوی اردبیلی، زنجانی، مومن، توسلی... با انتشار اعلامیه ای از آیت الله منتظری به عنوان فرد صالح برای مرجعیت حمایت کرده اند. حمایت از مرجعیت آیت الله منتظری هیچ معنا و مفهومی جز زور رویی با خامنه ای، آن هم نه فقط در مقام مدعی مرجعیت بلکه در مقام رهبری، ندارد. و این قبل از هر چیز نشانه ی دهان گشودن زخمی بسیار عمیق در حساس ترین لایه نظام جمهوری اسلامی است.

شکافی که میان حامیان دولت رفسنجانی و باند خامنه ای پس از ادامه در صفحه ۳

مصاحبه راد یوین المللی فرانسه با مهندس سحابی

سحابی: بیانیه دفاع از مرجعیت منتظری صحت دارد

سحابی: خوب آقای خامنه ای معرفی شده اند ولی ایشان سابقه تدریس در حوزه کمتر داشته اند. ایشان در حوزه مشهد سابقا درس تفسیر می دادند ولیکن درس فقه و اصول نداشتند. راد یو فرانسه سپس با توجه به سخنان مهندس سحابی در مورد اینکه بسیاری از روحانیون طرفدار شورایی بودن مرجعیت هستند، می پرسد: راد یو فرانسه: یعنی معرفی آیت الله خامنه ای به عنوان مرجع تقلید شیعیان جهان در حال حاضر متنفی است؟

است. آقای بهجت، آقای بشیری زنجانی، آقای سیستانی، هر کدام از این ها سابقه دارند، درس داده اند، سواد دارند، الا اینکه بعضی سابقه شان بیشتر است. آقای سیستانی از لحاظ فقاقت و اصول همه قبول دارند سوادشان بیشتر است. ولی در ایران نیستند، در نجف هستند. بقیه تقریبا همه در یک سطح هستند. به هر صورت شاید شایسته تر از اینها هم کسانی هستند ولی معرفی نشدند. شاید هم به دلیل دخالت های دولت باشد. راد یو فرانسه: در این لیست اسم آقای خامنه ای هم دیده می شود؟

بخش فارسی راد یوین المللی فرانسه روز شنبه ۱۲ آذر (۳ دسامبر) متن مصاحبه با مهندس عزت الله سحابی مدیر مجله ایران فردا در مورد تعیین مرجع تقلید را بخش کرد. بخشهایی از این مصاحبه راد یوین خوانید: راد یو فرانسه: در اعلامیه مدرسین حوزه علمیه صحبت از ۷ نفر به عنوان مرجع شده است. این افراد کی هستند؟ سحابی: چند تایی خاطر م هست: فاضل لنگرانی، مکارم شیرازی، وحید خراسانی، اینها هر کدام سابقه دارند. آقای وحید خراسانی سابقه شان از همه بیشتر

نامه ای دیگر از عباس امیر انتظام من یک قربانی این دستگاه قضایی مخوفم

اخیراً در چارچوب تماس هایی که طبق توافق وزارت خارجه آلمان با جمهوری اسلامی صورت می گیرد، یک هیات آلمانی برای مذاکره پیرامون مسائل مربوط به حقوق بشر به تهران رفت. در این سفر، هیچگونه توافقی به دست نیامد و به گفته یکی از اعضای هیات آلمانی، روشن شد که تا وقتی رژیم جمهوری اسلامی برقرار است، انتظار هرگونه بهبود اساسی وضعیت حقوق بشر در ایران بهبوده است.

پروفسور اودوشتاین باخ رئیس مؤسسه شرق شناسی دانشگاه هامبورگ از اعضای هیات آلمانی بود که حدود دو هفته پیش از ایران بازگشت. در جریان این سفر، نامه ای از طرف عباس امیر انتظام قدیمی ترین زندانی سیاسی جمهوری اسلامی که نزدیک به ۱۵ سال است در اسارت به سر می برد، در اختیار شتابان باخ قرار گرفت. تاریخ این نامه ماه مارس است، امیر انتظام در این نامه گفته است: قصد من از نوشتن این نامه، دادن یک تصویر مشخص از چگونگی بی اعتنائی دیکتاتوری روحانیون به حقوق اولیه و شخصیت انسانی شهروندان خود به شماست.

ادامه از صفحه ۹

ادامه در صفحه ۲

اتحاد، مبارزه، پیروزی

شعاری که باز به فریاد مبدل می گردد

۱۶ آذر روز دانشجو، یاد آور قهرمانی پیش کسوتان جنبش دانشجویی کشورمان در روزهای سیاه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است. در آن روزها در فاصله ۴ ماه پس از کودتا و در آستانه ای سفر نیکسون معاون وقت رئیس جمهور آمریکا، کشوری که طراح کودتا علیه حکومت ملی دکتور مصدق بود، دانشجویان دانشگاه تهران بعنوان اعتراض به اعتصابی سیاسی دست زدند.

اعتصابی که بدستور شاه و با دخالت تیپ آزرهی ارتش شاهنشاهی به خون کشیده شد. در آن روزها مصطفی پزیرگ نیا، مهدی شریعت رضوی و احمد قندچی به شهادت رسیدند و از آن پس جنبشی آغاز شد که در تمام سال های اختناق و به رغم تمام تلاش های سرکوبگرانه ای رژیم شاه، لحظه ای از حرکت باز نایستاد و نسلی از آزاداندیشان و آزادخواهان عدالت پژوه را در بطن خود پرورده، به میهن تقدیم کرد.

جنبش دانشجویی که در به ثمر رسیدن انقلاب بهمن نقشی اساسی داشت، خود، متمم اثرات این انقلاب مردمی، تعمیق یافت و در آستانه ای انقلاب و در اولین سال های پس از آن نهاد و تشکل های گوناگون مستقل دانشجویی شکل گرفتند. از این روستگ نظران حاکم، آنانی که زمانی بدستی میوه چنان انقلاب لقب گرفتند، در هراس از او جگرگیری و تعمیق جنبش دانشجویی که بی شک تا ثیرات خود را بر دیگر بخش های جنبش مردمی برجای می گذاشت، پیگیری تر و وحشیانه تر از حکومت سلف خویش قلب این جنبش را هدف گرفته، با علم کردن "انقلاب فرهنگی"، با سرکوب مقاومت قهرمانانای دانشجویان و کشتار تعدادی از آنان و با بستن دانشگاه ها به مدت طولانی، به زعم خود حرکت مستقل دانشجویی را متوقف کردند.

دانشگاه ها مدت ها بعد، در جور اعاب و اختناق بی سابقه و تحت سیطره ای بلامنازع انجمن های اسلامی مملو از عوامل ریز و درشت حکومتی، باز گشایی شد.

گرچه در ابتدا دانشجویان در طرح کوچکترین خواست صنفی خود با مشکلات عدیده مواجه بودند، اما جنبش دانشجویی بتدریج دوران نقاهت خود را طی کرده، امروز می رود که باردیگر به یکی از ارکان اصلی مبارزه ای همه جانبه ای مردم میهنان بر ضد حکومت دیکتاتور منشی و آزادی کش جمهوری اسلامی بدل گردد.

اگر در چند سال پیش معدود حرکت های دانشجویی ناشی از تضادهای جناح های حکومتی و زور آزمایی آنان در میدان دانشگاه ها بود و غالب دانشجویان تنها نظارگر منازعه ای قدرت طلبانه ای آنان بودند و نه تظاهرات خودانگیخته ای شکل می گرفت و نه نیروهای اپوزیسیون پیوندی با جنبش دانشجویی داشتند، اینک بر اثر وخامت شدید اوضاع اقتصادی و معیشتی مردم از جمله دانشجویان و به خاطر بی توجهی به اساسی ترین خواست های دانشجویان اوضاع به گونه ای است که هر چرخه ای در محیط دانشگاه می تواند به شعله ای بدل گردد.

رویدادهای دانشجویی یک ساله ای اخیر که آخرین آن در ماه گذشته به وقوع پیوست، نشان دادند که حتی اگر سازمان دهندگان اعتراضات انجمن های اسلامی طرفدار حکومت باشند، با او جگرگیری حرکت اعتراضی در حد معینی، رشته ای کار از دست برپا کنندگان بد می رود، چنان که در تظاهرات آبان امسال شاهد طرح شعار "اتحاد، مبارزه، پیروزی"، از جانب دانشجویان بودیم.

او جگرگیری جنبش دانشجویی در حد پیش گفته، رژیم جمهوری اسلامی را به تلاش دو جانبه وادار کرده است. رژیم از یکسو آگاهانه و موزیانه می کوشد در برابر اعتراضات دانشجویان بموقع عقب نشینی کند و گفته های پیشین خود را با پیس گیرد و در بر نامه های اتی خود ملا حظات لازم را در نظر گیرد؛ از سوی دیگر حکومت جمهوری اسلامی وحشیانه فعالان جنبش مستقل دانشجویی را بی می گیرد و آنان را در خفا سر به نیست کرده، سناریوی یک قتل عادی را برای آنان تدارک دیده، از طریق رسانه های گروهی خود انتشار می دهد. تکرار وقوع این گونه قتل ها در اینکه سر رشته ای تمام این قتل ها مستقیماً در دست رژیم است، حتماً برای ساده لوح ترین اذهان، جای هیچگونه تردید و ابهامی باقی نمی گذارد.

در سال جاری زهره ایزدی، دانشجوی دانشکده ای علوم پزشکی دانشگاه ملی تهران و نظیر بهار لرو و مجید کریمی دانشجویان دانشگاه علوم کاشان قربانی انتقام جویی سبانه ای رژیم شده اند.

با این همه شواهد نشان می دهد که نجوی "اتحاد، مبارزه، پیروزی" دانشجویان در حال تبدیل به فریادی بلند و فراگیر است و نسلی اکنون این نجوار از مزه می کند که قبلاً آثر بگوش خود نشنیده است.

حکومت اسلامی مسئول...

ادامه از صفحه ۱

(۲۲ نوامبر)

در گذشته است و مسئولین رژیم اعلام درگذشت وی را تا چندین روز اعلام نکرده اند.

تبلیغات رسمی رژیم می کوشد مرگ سیرجانی را یک حادثه طبیعی اعلام کند. اما این تلاش را کسی باور نکرده است. دسعیدی سیرجانی را اسفند ماه سال گذشته به بهانه اعتیاد به مواد مخدر و مسائل اخلاقی دستگیر کردند. در زندان سعیدی سیرجانی را زیر فشارهای شدید برای نفی اعتقاداتش قرار دادند و او را مجبور کردند که علیه اعتقادات خود و کتاب هایی که نوشته، مقاله بنویسد و از حکام خونریز اسلامی تعریف و تمجید کند. این فشارها و آنچه که حکومت از سیرجانی طلب می کرد نشان داغد که "اعتیاد به مواد مخدر" و "انحرافات اخلاقی" تنها بهانه ای بوده برای اینکه این نویسنده آزاد را به بند بکشند. سعیدی سیرجانی تا زمان مرگ تحت شرایط دشواری قرار داشت. ولایتی و رجایی خراسانی در پاسخ به اعتراضات بین المللی گفته بودند که وی در خانه ای در شمال تهران در آسایش زندگی می کند. اما سیرجانی در طی ۹ ماه اسارت خود با هیچ کس ملاقات نداشته است. حتی به دختر وی که برای ملاقات او به ایران رفته بود، اجازه ملاقات با او را ندادند.

برخی گزارشات حاکی از آن است که علت درگذشت سیرجانی مصرف فراوان قرص تیتر و گلیسرین که توسط پزشک سازمان امنیت رژیم به او تجویز شده بود و سپس قطع ناگهانی این قرص ها بوده است. به همسیرجانی گفته بودند که او بیمار است، ولی وی در مراجعه به بیمارستان اثری از شوهرش ندیده بود. به گفته خانواده سیرجانی او هیچگونه سابقه بیماری قلبی نداشته است.

خاکسپاری سیرجانی در محاصره

مأموران اطلاعات

مقامات رژیم روز سه شنبه ۱۶ آذر ماه (۲۹ نوامبر) سعیدی سیرجانی را در بهشت زهرا به خاک سپردند. تنها همسر، دود خترو نیز ۷ تن از بستگان سیرجانی اجازه حضور در مراسم خاکسپاری او را یافتند. این مراسم در محاصره نیروهای امنیتی رژیم برگزار شد. در مراسمی که در خانه وی و تحت محاصره مأموران وزارت اطلاعات برگزار شد، در هر لحظه بیش از ده نفر اجازه حضور نداشتند. روز هشتم آذر ماه (۲۹ نوامبر) اطلاعاتی با امضای "یاران و

دوستان اران سعیدی سیرجانی بطور مخفیانه بخش شد که در آن از مردم خواسته شده بود برای بزرگداشت نویسنده، شاعر، استاد و پژوهشگر مبارز و آزاد یخواه ایران روز جمعه ۱۱ آذر ماه در شهرهای مختلف گرد آیند. محل گرد همائی در تهران، اطراف پارک شهر اعلام شد. بنا به گزارشها حزب ملت ایران، روز جمعه گروه هایی از مردم در محل های نامبرده در فراخوان گرد آمدند. در تهران حزب الله از نماز جمعه راهی پارک شهر شد و چون همیشه بسیاری را زدند و گروهی را بردند. در پارک زاینده رود اصفهان نیز جمع کثیری از مردم در یک گرد هم آئی آرام یاد سیرجانی را گرامی داشتند.

انعکاس گسترده

مرگ سیرجانی

سازمان عفوبین المللی با انتشار بیانیه ای نگرانی خود را در مورد مرگ سعیدی سیرجانی اعلام کرد و خواهان تحقیق کامل در مورد شرایط این مرگ شد. در این بیانیه آمده است: مقامات حکومتی در مطبوعات او را متهم به استفاده از مواد مخدر، تولید مشروبات الکلی، اعمال همجنسبازانه، ارتباط با شبکه های جاسوسی و دریافت پول از محافل ضد انقلابی در غرب کردند. اما به نظر می رسد علت واقعی بازداشت وی، نامه های سرگشاده ای بود که به دولت نوشت و در آن با سانسور صداهای ناراضی در ایران مخالفت کرد.

تعدادی از نویسندگان ایرانی در مصاحبه با رادیوهای فارسی زبان، درگذشت سیرجانی را کار جمهوری اسلامی دانستند. حدود ۱۰۰ روشنفکر ایرانی مقیم خارج با انتشار بیانیه ای خواهان تحقیق سازمان ملل درباره درگذشت سعیدی سیرجانی شدند. امضا کنندگان بیانیه خواستار آن شدند که سازمان ملل و یک گروه بین المللی از نویسندگان، در مورد درگذشت سیرجانی تحقیق کرده و ظرف سه ماه به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل گزارش دهند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، حزب دموکراتیک مردم ایران، جمهوری خواهان ملی و نهضت مقاومت ملی نیز در اطلاعیه مشترکی مسئولیت مرگ نویسنده ایرانی را متوجه جمهوری اسلامی دانستند.

سوءاستفاده ادامه دارد

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی درصدد است که از محصول ۹ ماهه فشار نا جوانمردانه به سعیدی سیرجانی که موجب مرگ او شد، همچنان استفاده کند. در حالیکه کتاب هایی که سیرجانی در زمان آزادی نوشت همه جزو کتاب های ممنوعه قرار گرفته اند، مسئولیت چاپ "خطرات سعیدی سیرجانی" را به روزنامه اطلاعات سپرده اند. این "خطرات" در کمیسیونی در وزارت اطلاعات رژیم تنظیم خواهد شد. هفته نامه کیهان هوائی نیز اعلام کرده است که "اعتقادات سعیدی سیرجانی را زیر نظر سردبیر خود عباس سلیمی نمین به چاپ خواهد رساند.

جمهوری اسلامی از چاپ این "خطرات" و "اعتقادات" می خواهد حقانیت خود را از زبان سیرجانی نتیجه بگیرد. موردی که همه کتاب های او زنده می گردند و دال بر محکومیت این حکومت پلید است.

بیانیه مشترک

حزب دموکراتیک مردم ایران
جمهوری خواهان ملی ایران
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
نهضت مقاومت ملی ایران

سعیدی سیرجانی نویسنده نامدار معاصر در سخت ترین شرایط، زیر فشار شکنجه های جسمی و روحی درگذشت. در آخرین روزهای زندگی اش گرفتار بخش اطلاعات بسیج بود که او را ازین سوبه آن سوی کشوری کشید و در جلساتی که با شرکت حزب الله تدارک می دید، پاسخگویی خون شهیدایش می خواند... و این پرسش که چرا درباره حماسه های گذشته می نویسد و نه حماسه های جنگ اخیر؟! او را در برابر تف و لعن و بد رفتاری و توهین حزب الله قرار دادند، طاقش را فرسودند و به دست مرگش سپردند.

سعیدی سیرجانی نویسنده شجاعی بود که از خطر نهراسید، برای آزادی قلم زد و به ولی فقیه نگاشت که "تقوی به کلفتی دستار و درشتی گفتار نیست."

اتهامات و اعترافات سعیدی سیرجانی و پایان غم انگیز زندگی اش، برگ سیاه دیگری در کارنامه جمهوری اسلامی است. مستبدین حاکم می پندارند با شکنستن روان انسان ها و واداشتنشان به اعترافات واهی پیش از آنکه جسمشان را نابود کنند، از ارج و قدر مخالفانشان میکاهند، حال آنکه تنها زبونی و ناتوانی خود را در برابر قلم و اندیشه آشکار می سازند.

نام سعیدی سیرجانی همچون نویسنده و محقق آزاد اندیش و قربانی استبداد مذهب، در تاریخ میهن ما زنده خواهد ماند.

ما درگذشت او را به هم میهنان آزاد یخواه خود تسلیت می گوئیم و می کوشیم توجه سازمان های بین المللی و افکار عمومی را به این واقعیت جلب کنیم که هم اکنون بسیاری از نویسندگان ایرانی که خواستار آزادی سعیدی سیرجانی شده و یا در دفاع از آزادی بیان متن مشترکی را امضا کرده بودند علناً به همین سرنوشت تهدید می شوند.

ما هموطنان خود را به مبارزه ای متحد برای دفاع از آزادی بیان در ایران فرامی خوانیم.

۱۶ آذر ۱۳۷۳ - ۳۰ نوامبر ۱۹۹۴

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره ی

درگذشت علی اکبر سعیدی سیرجانی نویسنده بزرگ ایرانی

علی اکبر سعیدی سیرجانی نویسنده ای نامدار ایرانی روز گذشته در حالیکه همچنان در بازداشتگاه رژیم جمهوری اسلامی بسر می برد، دیده از جهان فرو بست. خبر درگذشت سعیدی سیرجانی توسط خبرگزاری جمهوری اسلامی انتشار یافت و علت مرگ وی "سکته قلبی" اعلام شد.

سیرجانی ۸ ماه بود که به اتهامات واهی و ناروا و در حقیقت به خاطر بیان عقاید و نظراتش در بازداشت و زیر فشار وادیت و آزار مأموران رژیم اسلامی قرار داشت. بطور یقین همین فشارهای روحی و جسمی عامل مؤثر در مرگ این نویسنده ای بزرگ بوده و حکومت اسلامی مسئول آن شمره می شود. شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درگذشت سعیدی سیرجانی را به خانواده و بستگان وی و همه ی نویسندگان آزاده ی کشورمان تسلیت می گوید.

آنچه بر سعیدی سیرجانی گذشت نمونه ای حال و روز همه ی روشنفکران و اهل قلم در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی است. نویسندگان ایران بخاطر مطالبه ای حق بدی خود برای بیان عقاید و نشر آثارشان زیر انواع فشارها و اتهامات ناروای بنیادگرایان قشری حاکم بر ایران قرار دارند. ما از همه ی روشنفکران و نویسندگان جهان و محافل بین المللی می خواهیم برای قطع این فشارها از سوی مسئولان و مأموران حکومت اسلامی، به هر طریق ممکن به اعتراض برخیزند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۱۷ آذر ماه ۱۳۷۳
۲۸ نوامبر ۱۹۹۴

سنگینی دیده اند و بر اثر جاری شدن سیل بخشی از جاده های روستائی، پل ها، اراضی کشاورزی و منازل روستائیان در شهرستان های نهاوند، اسدآباد و تویسرکان آسیب دیده اند.

در استان کرمانشاه بر اثر بارندگی های مداوم و بالا آمدن سطح آب رودخانه ها بیش از ۲۲۰ روستا و ۱۰۰ هزار هکتار از کشتزارهای پائینتری این استان دچار آبگرفتگی شده و همچنین به مناطق مسکونی و تجاری در شهرستان های اسلام آباد غرب، کرمانشاه، سحنه و گیلانغرب خسارتی وارد شده است.

ده ها شهر و صدها...

ادامه از صفحه ۱

در استان لرستان در پی طغیان رودخانه ای الیگودرز، پل ارتباطی گل بهار در بخش مرکزی شهرستان الیگودرز شکسته و ارتباط این شهر با ۱۴۷ روستای این شهرستان قطع شده است. بر اثر طغیان رودخانه ای خرم آباد نیز قسمت هایی از شهر را آب گرفته است.
در استان همدان، ۴۱ روستای این استان بر اثر سیل خسارت نسبتاً

مسئله اصلی چیز دیگری است

ادامه از صفحه ۱

مقاله انتقادی که در نشریه کار ۹۲ درباره برخورد حزب توده ایران به تحولات کوبا به درج رسید و کنش نامه مردم را برانگیخت. این نشریه در پاسخ عتاب آلود در شماره ۴۳ خود کار را به دادن رهنمود به نیروهای سیاسی جهت تغییر مبنای اعتقادی خود در مسیر باد متهم کرد و مدعی کشف شباهت هایی میان نظرات ما و کیهان لندن در مورد بحران کوبا شد. ارگان حزب توده ایران برای روشن شدن ذهن ما به شرح تفاوت های کوبا در دوران معاصر با زمان حکومت بائیستا پرداخته و برتری اوضاع اجتماعی-اقتصادی این کشور نسبت به کشورهای همچوار را بر شمرده است.

تا آنجا که به مواضع ما در قبال کوبا بر می گردد، ما هیچگاه شک و تردیدی در حمایت از مردم کوبا و محکومیت تحریم های اقتصادی آمریکا علیه کوبا به خود راه نداده ایم. تمامی مطالبی که در ظرف سالهای اخیر راجع به کوبا در کار درج شده اند در چارچوب این نظر بوده اند. برای ما روشن بوده است که هرگونه اقدامی از سوی رهبری کوبا در جهت اصلاح ساختارهای سیاسی و اجتماعی این کشور، مادام که تحریم های اقتصادی رفع نشده باشند ناپیگیری کم ثمر خواهند بود. ما تا کید کرده ایم که دولت آمریکا حق ندارد از روی سلطه طلبی مردم یک کشور را برای تغییر نظام سیاسی حاکم در تنگنای اقتصادی قرار دهد و لغو محاصره اقتصادی ظالمانه خود علیه آن کشور بویژه آنکه به بهانه جنگ سرد هم از بین رفته است راجه اجرای این یا آن شرط منوط کند. این مواضع را که ما بارها تکرار کرده ایم و باز هم بر آنها پای خواهیم فشردا نام مردم بعید است که نداند، اما این نشریه علیرغم آن، می نویسد ما خواهان تسلیم کوبا در برابر آمریکا شده ایم. چنین تحریفی گریزگاهی برای نپرداختن به مسائل اصلی نیست؟

تفاوت نظر ما با نام مردم در باره کوبا چون نیک بنگریم تابعی است از اختلاف نظر های کلی تر در مورد بسیاری از مسائل و به ویژه نحوه نگرش نسبت به دموکراسی و مسائل سیاسی و اقتصادی و اجتماعی. ما بر خلاف نام مردم همه مشکلات و دشواری های کنونی جامعه کوبا را ناشی از تحریم های اقتصادی و فشارهای امپریالیستی نمی دانیم. ما

زخم دوباره...

ادامه از صفحه ۱

تشکیل مجلس چهارم دهان گشود، در روندی نسبتا سریع به برتری رهبری بر ریاست جمهوری انجامید. یک دلیل روشن این بود که رفسنجانی نه بر آیت الله های تراز اول، که بر کسانی متکی بود که کمتر استوانه رژیم محسوب می شدند. اما اکنون در میان خود این استوانه ها شکاف افتاده است. شکافی که مضمون آن نه فقط دعوا بر سر صلاحیت علمی و فقهی بلکه یک صف آرای سیاسی است. اسامی کسانی که از آیت الله منتظری حمایت کرده اند، حاکی از آن است که آنان هر یک به نحوی یا کنار گذاشته شده اند، یا کناره گرفته اند و یا به این یا آن دلیل از وضع موجود ناراضی اند. این یک جبهه آرای سیاسی آشکار است.

اکنون دیگر فقط سخن از این نیست که بین خامنه ای و رفسنجانی مساله وجود دارد. اکنون فقط مساله این نیست که بخش عمده ای از نیروهای خط امام در عمل خود را از خط رهبری کنار کشیده و حلقه حاکم را در مقابل خود قرار داده اند، اکنون فقط مساله این نیست که در نیروهای مسلح رژیم ناراضی وجود دارد و بخشی از این نیرو، به ویژه در ارتش، دیگر حاضر نیست بی چون و چرا گوش به فرمان رهبر عمل کند. اکنون سخن از این است که بخش مهمی از کسانی که خود این جمهوری را بنا نهادند، در مقابل پانده حاکم قرار گرفته اند و مهمتر آن که در این رویارویی از آیت الله منتظری، که چنان خشن و تحقیر آمیز کنار گذاشته شد، حمایت می کنند. این حادثه ترین بحران در تاریخ جمهوری مبنی بر ولایت فقیه می است. بحرانی که با توجه به اوضاع اقتصادی فوق العاده وخیم کشور و ناراضی خشم آلود اکثریت وسیع اقشار جامعه، زمینه تحول یا چرخشی ناگزیر در اوضاع کشور را بیش از هر زمان دیگر پدید آورده است.

سازمان های اطلاعاتی ایران...

کوت خود در فاصله دور ایستاده بودند. در صندلی عقب ماشینی که وکیلی را در آنجا نشسته بوده لکه های خون دیده شده است. دادستان به این نکته هم اشاره کرد که اگر وکیل را به سفارت جمهوری اسلامی در برن سوئیس رفته بنا به ادعای خودش که عضو نهضت بوده، مسئولان سفارت می باید حتما او را تحویل پلیس می دادند و این که آنها این کار را نکرده اند برای این است که وکیل را در خود مأمور جمهوری اسلامی است.

سرحدی مأمور است

دادستان درباره سرحدی که خود را کارمند دوت پایه وزارت خارجه آنهم در شرکت تعاونی وزارتخانه معرفی کرده و جمهوری اسلامی برای این کارمند دوت پایه دو وکیل میرزومشهور از جمله خانم پونت رهبر گروه پارلمانی حزب R.P.R (ژاک شیراک چهره معروف این حزب است) با دستمزد کلان به خدمت گرفته است، می گوید: از نظر او سرحدی یک کارمند ساده بر عضو نهضت بودن وارد کرد و گفت او جزو نهضت مقاومت ملی نبوده و گر نه قتل را به پلیس خبر می داد و هیچ نشانه ای حاکی از اینکه او بزور با قاتلین بوده، وجود ندارد. هنگام خروج از خانه بختیار (پس از اجرای ترور)، بویر احمدی کت بر تن نداشته و با پلیس صحبت کرده و کارت ها را گرفته در حالیکه وکیل را در به همراه آزادی داد که همای بسته

دادستان در اینجا به سخنانی از عطا الله مهاجرانی در مجله "عدالت" اشاره میکند که گفته بود: قتل بختیار در حقیقت وقتی صورت گرفت که پذیرفت نخست وزیر شاه باشد و خود تیغ برگردن خود گذاشت. دادستان در صحبت های خود مروری بر اظهارات شهید و مطالب اساسی مطرح شده در دادگاه میکند و می گوید: در تمام مراحل ترور قاتلین با خونسردی و آرامش عجیبی کارهای خود را انجام داده اند و با وجود مشکلات فراوان در برنامه های پیش بینی شده، باز خونسرد بوده اند. او سرویس های اطلاعاتی رژیم جمهوری اسلامی را مورد حمله قرار داد و آنها را مسئول مستقیم قتل دانست، به علاوه به نظر دادستان دفاتر رادیو تلویزیون، خدمات اطلاعاتی داشتند و پوششی برای مأمورین ایران بوده اند و وزارت پست و تلگراف و تلفن نیز در این شبکه سهم بوده اند.

پس از شرح طولانی ماجرا همراه با برخی جزئیات مفید، دادستان به تک تک متهمین حاضر پرداخت. ادعاهای وکیل راد مبنی بر عضو نهضت بودن وارد کرد و گفت او جزو نهضت مقاومت ملی نبوده و گر نه قتل را به پلیس خبر می داد و هیچ نشانه ای حاکی از اینکه او بزور با قاتلین بوده، وجود ندارد. هنگام خروج از خانه بختیار (پس از اجرای ترور)، بویر احمدی کت بر تن نداشته و با پلیس صحبت کرده و کارت ها را گرفته در حالیکه وکیل را در به همراه آزادی داد که همای بسته

روحانیت در جستجوی...

ادامه از صفحه ۱

نیوز و سپس در روزنامه سلام به درج رسیده و با تکذیب روزنامه رسالت روبرو شد. پس از مرگ اراکی، جامعه روحانیت مبارز طی یک اطلاعیه رسمی خامنه ای، فاضل لنکرانی و جواد تبریزی را به عنوان واجدین صلاحیت برای مرجعیت اعلام نمود.

در همین حال با توجه به رقابت های شدید میان محافل مذهبی و فقهی در نقاط مختلفی همچون قم، نجف، لندن... برای معرفی برترین مرجع شیعه، آیت الله جواد تبریزی، بهجت و فاضل جمعه به توطئه هایی اشاره کرد که هدف آن به قول وی بیرون بردن مرجعیت دینی از ایران و سپردنش به

بیست و چهارمین سالگرد بنیادگذاری جنبش فدائیان راندن چینه با شکوه و شرف بر گسترار کشیم

جشن سالگرد: ۱۱ فوریه ۱۹۹۵

محل: بن-آلمان
BEUEL-BRUEKEN
FORUM
Friedrich-Breuer-Str. 17

می زند که مظلومیت سرحدی ظاهری است. اما هندی ظاهرا حمایت جمهوری اسلامی را با خود ندارد، دفاع خود را بر این پایه گذاشته که نا آگاهانه به این ماجرا کشیده شده و اگر آگاهانه بود چرا بازن و بیچاش به فرانسه برگشته است؟ به عقیده دادستان آمدن هندی به فرانسه غیر عادی و اقدامی پوششی بوده است. بهانه ملاقات با هیات ایرانی در پاریس نیز باور نکردنی است. مگر دو ایرانی برای صحبت با هم باید به خارج بروند؟

ادعای دیگر هندی نیز که دیگری را رادیو تلویزیون کار نمی کرده، دروغ است. او در سال ۹۱ نیز در دفتر راد مبنی کار می کرده و از آنجا بعنوان "دفتر من" یاد می کرد. و باز ادعای دیگر هندی مبنی بر عدم شناخت آزادی و وکیل راد و ندیدن عکس آن ها بی مورد است. به استناد نامه ای که زن هندی به دادگاه فرستاده او قبلا از آمدن به فرانسه می دانسته که وکیل راد دستگیر شده است.

در پایان دادستان درخواست حبس ابد با دوره قطعی ۱۸ سال برای وکیل راد بعنوان قاتل قاتل کرد. برای هندی و سرحدی نیز به جرم کمک به قاتلین تقاضای ۱۳ تا ۱۵ سال زندان با دوره قطعی برابر با دوسوم این مدت، کرده است. جلسه بعدی دادگاه روز دوشنبه ۵ دسامبر برگزار می شود که به دفاعیات وکلای مدافع متهمین اختصاص خواهد داشت. پس از آن دادگاه وارد شور می شود تا تاریخ نهایی دادگاه را صادر نماید.

محمد تقی بهجت، خامنه ای، حسین وحید خراسانی، جواد تبریزی، موسی شیرازی، ناصر مکارم شیرازی را دارای شرایط مرجعیت اعلام کرده است.

در این حال آیت الله منتظری و شایستگی وی برای احراز مقام مرجعیت هم در میان محافل غیر حکومتی و هم در بخشی از نیروهای نزدیک به جمهوری اسلامی کماکان مطرح و موضوع روز است. در علامیه ای که در ایران پخش گردیده، با اشاره به نظرات آیات عظامی همچون مهدوی کنی، محمد گیلانی، محقق داماد، موسوی اردبیلی، موسی زنجانی، مومن، توسلی، و... بر انتخاب آیت الله منتظری بعنوان مرجع تقلید شیعیان تاکید شده است. به گزارش خیرگزارها یکی از نزدیکان آیت الله منتظری، وجود این اطلاعیه را تایید کرده است. درواکنش به این اعلامیه روزنامه جمهوری اسلامی روز شنبه ۱۱ آذر اطلاعیه جمعی از طلاب را چاپ نمود که در آن حمایت علمای فوق از منتظری تکذیب شده و نظر منفی خمینی نسبت به وی یاد آور شده است. در بیانیه فوق ذکر نگردیده که این طلاب چه رابطه ای با علمای فوق دارند و چرا خود این علما در بی تکذیب حمایت خود از منتظری بر نیامده اند؟ چندی پیش از آن ناطق نوری نیز با توجهات مشابه آن چه در روزنامه جمهوری اسلامی نوشته، آیت الله منتظری را

مورد حمله قرار داد. در کنار منتظری افرادی همچون آیت الله طباطبایی قمی و آیت الله صادق روحانی نیز که مغضوب حکومت هستند و نیز آیت الله سیستانی در نجف در میان شیعیان داخل و خارج از کشور صاحب نفوذ معین و قابل اعتنایی می باشند. صادق روحانی از جمله مخالفین در آمیزش دین و دولت است که از ۱۴ سال پیش در خانه اش تحت نظر برسر می برد.

کسی است که طرفدار جدایی دین از سیاست است. جنتی از "خبرگان مردم" خواست که مراجع را بشناسند و به مردم معرفی کنند. وی سه هفته بعد از این سخنان و سه روز پس از مرگ اراکی مجددا در نماز جمعه بر مواضع قبلی تاکید نمود و در حمایتی ضمنی از خامنه ای شرایط مرجعیت را بر خلاف سابق نه آگاهی صرف به مسائل فقهی و کلامی بلکه اشرف و ووقف به مسائل سیاسی و اجتماعی ذکر نمود. آیت الله محمد یزدی رئیس قوه قضائیه که نظراتش مشابه آیت الله جنتی است پس از درگذشت اراکی با صدور بیانیه ای آشکارا به حمایت از مرجعیت خامنه ای برآمد و یاد آور می شود که نوری رئیس مجلس نیز چنین نظری دارد. در همین حال روزنامه جمهوری اسلامی نیز در شماره ۱۰ آذر (اول دسامبر) خود متن اظهار نظر دوتی از علمای حوزه علمیه قم به نامهای آیت الله کریمی و آیت الله بنی افضل را درج نمود که رسماً طلاب حوزه ها را به تقلید خامنه ای فراخوانده اند. این در حالی است که موضعگیری های روزنامه سلام اخبار و شایعاتی که پیرامون نظرات پاره ای از اعضای مجمع روحانیون مبارز به گوش می رسد همگی حاکی از مخالفت این جناح در تمرکز "ولایت" (رهبری حکومت) و "مرجعیت" در دست یک نفر (خامنه ای) می باشد.

در این میان آیت الله آذری قمی چهره پرنفوذ جناح رسالت در اظهار نظری که روزنامه رسالت آن را در شماره ۱۲ آذر (۴ نوامبر) خود به چاپ رساند از مردم دعوت کرد که پس از فوت اراکی در امور مسائل فقهی به آیت الله بهجت رجوع کنند. نام بهجت در لیست هفت نفری پیشنهادی از سوی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نیز دیده می شود. این جامعه در بیانیه ای که پس از نشست خود در روز ۱۱ آذر منتشر نمود محمد فاضل لنکرانی،

بررسی و تحقیق پیرامون علت سقوط هواپیمای فوکر ۲۸ شرکت آسمان که در روز ۲۰ مهرماه امسال با داشتن ۶۶ سرنشین در پرواز اصفهان به مقصد تهران دچار سانحه شد، کماکان ادامه دارد. در این ارتباط چند تن از کارشناسان هواپیمایی به همراه وزیر راه و ترابری و رئیس سازمان هواپیمایی کشوری اخیراً در یک میزگرد تلویزیونی شرکت کرده، مسافری توضیحاتی ارائه دادند. اکبر ترکان وزیر راه اعلام داشت که فرضیه‌هایی همچون خرابکاری، اصابت به کوه، از کار افتادن یکی از موتورهای هواپیمای آتش سوزی به عنوان علل احتمالی سقوط فوکر ۲۸ منتفی می‌باشد و علت سانحه به احتمال قوی یک پدیده‌ی ناشناخته‌ای بوده است که موجب شده هواپیمای به حالت سقوط به سمت کوه سرازیر شود. در این میزگرد رئیس سازمان هواپیمایی کشوری با

علت سقوط هواپیمای فوکر نامعلوم اعلام شد

اشاره به پرواز قبلی مسیر تهران اصفهان همین هواپیمای فوکر ۲۸ پس از دریافت اجازه پرواز از برج مراقبت فرودگاه تهران، خلبان چند ثانیه پس از تماس می‌گوید مشکل دارم می‌خواهم برگردم. برج به او اجازه می‌دهد و مسیری برگشت تعیین می‌کند اما خلبان بازمی‌گوید مشکل برطرف شد و پرواز را ادامه می‌دهد. در میزگرد افزوده شد: این هواپیمای که از تهران به اصفهان در پرواز بود سه مرتبه علائم هشداردهنده را در مسیر داشته، مسافری هم در طول پرواز متوجه این اشکال می‌شوند. حتی یکی از سرنشینان هواپیمای تک‌سین شرکت آسمان است و خودش این صدای بوق را می‌شنود و دیدیگر مسافری هم

شده و یا با زمین اصابت کرده و منفجر شده است. وی در اضافه می‌گوید ما هنوز مسائل ناشناخته‌ای داریم که قادر به تحلیل آن نیستیم و باید در یک فرصت کافی مطالعه‌ی بیشتری داشته باشیم. سازمان هواپیمایی کشوری نیز طی صدور اطلاعیه‌ای رسمی آخرین نتایج برآمده از تحقیقات مسئولین و دواپس مربوط به آن را اعلام داشت. در این اطلاعیه طبق گزارش مؤسسات تحقیقات فیزیکی و شیمیایی حاصله در داخل کشور آثار انفجار حادث از خرابکاری و مواد منفجره شناخته شده از قبیل تی‌ان‌تی و سی‌آبروی قطعات بدست آمده هواپیمای مشاهده نگردیده است. در عین حال در اطلاعیه آمده است که در طول پرواز تهران به اصفهان و اصفهان به تهران با رازیت‌های صوتی در داخل هواپیمای بگوش می‌رسیده است.

خبرهای کوتاه

سفر علی اکبر و لایتنی به کشورهای منطقه

علی اکبر و لایتنی وزیر خارجه‌ی جمهوری اسلامی اخیراً به چند کشور منطقه سفر کرد. وی در این سفر از زمین، قطر، عمان و بحرین بازدید کرد. ظاهراً یکی از اهداف مهم سفر لایتنی به کشورهای ذکر شده، جلب حمایت این کشورها از سیاست خارجی جمهوری اسلامی در قبال روند صلح در خاورمیانه و اعمال فشار بر دولت فلسطین و تلاش در جهت تقویت حماس می‌باشد. رسیدن به توافق‌هایی با آندسته از کشورهای خلیج فارس که مناسبات تقریباً عادی با جمهوری اسلامی و اختلافاتی با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج دارند، پیرامون مسائل سه جزیره‌ی ایرانی و تقویت موضع ایران در اوپک و نیز در محدوده‌ی خلیج فارس از دیگر اهداف مهم این سفر بوده است.

بازپرداخت طلب مردم

شرکت مخابرات اعلام کرد که اضافه دریا فنی‌های مربوط به نرخ تلفن در سال ۷۳ را طی سه قسط از قبض کارکرد هزینه‌ی مکالمات مشترکین در سال ۷۴ کسر خواهد کرد. این کسرت در سال ۷۳ هر پالس تلفن را ۱۲ ریال محاسبه می‌کرد ولی مجلس قیمت هر پالس تلفن را ۱۰ ریال تعیین و تصویب کرده بود. با مصوبه جدید مجلس شرکت مخابرات مکلف شد که دریا فنی‌های اضافی را به مردم بازگرداند. این مطالبات بر اساس محاسبات این شرکت در طول ۶ ماه اول سال در حدود ۵ میلیارد تومان می‌شود.

تاجر ایرانی در آلمان آزاد شد

یک تاجر ایرانی به نام مهدی جوادی که به اتهام کمک به "بورگن اشتاید" بازداشت شده بود به دلیل فقدان مدرک کافی آزاد شد. اشتاید صاحب یک شرکت بزرگ ساختمانی است که به همراه همسرش ناپدید شده است و ۲/۹ میلیارد دلار بدهی بیجا گذاشته است. به گزارش خبرگزاری آلمان مهدی جوادی مهم شده بود که به بورگن اشتاید کمک کرده تا ۲۴۵ میلیون مارک را به بانکی در ژنو منتقل کند. دادگاه اعلام کرده که مدارک ارائه شده ثابت نمی‌کند که جوادی به هنگام کمک به انتقال پول از شرکت اشتاید اطلاع داشته است.

تغییر پیش شماره‌های تلفن تهران

بعلت انجام تغییراتی در شبکه‌ی مخابراتی تهران از روز سه شنبه ۸ آذر تلفن‌هایی که قبلاً با پیش شماره‌های ۷۰ و ۷۹ کاری می‌کردند بعد از این تاریخ دارای پیش شماره‌های ۷۸۰ و ۷۸۹ شده‌اند.

استعفای اعضای هیئت منصفه مطبوعات

شش عضو هیئت منصفه مطبوعات که استعفای خود را در جلسه‌ی دادگاه مطبوعاتی که در روز یکشنبه ۶ آذر برای رسیدگی به اتهامات سید مرتضی نبوی مدیر مسئول روزنامه‌ی رسالت و غفور گرشاسبی مدیر مسئول ابرار تشکیل شده بود اعلام کردند. این جلسه بعلت نرسیدن تعداد اعضای هیئت منصفه به حد نصاب (۷ نفر) رسمیت نیافت. این شش نفر در نامه‌ی خود به وزارت ارشاد نوشته‌اند که این هیئت از مهر ۱۷۲ انتخاب و عهده دار این مسئولیت شده‌اند ولی اکثر محاکمات بعلت نرسیدن تعداد اعضای هیئت منصفه به حد نصاب رسمیت نیافته است. در این نامه اضافه شده که استعفای چندین عضو اصلی و علی‌البدل از جمله علل نرسیدن تعداد اعضای هیئت منصفه به حد نصاب است.

دعوت مجلس به شکایت از بنیاد مستضعفان

مجلس شورای اسلامی با صدور اطلاعیه‌ای از مردم خواست، شکایات و اطلاعات خود را پیرامون فعالیت‌های بنیاد مستضعفان و جانبازان در اختیار هیئت تحقیق و تفحص مجلس قرار دهند. بنیاد مستضعفان که بزرگترین موسسه اقتصادی در جمهوری اسلامی است، از جمله نهادهایی است که در آن اختلاس‌های کلان صورت گرفته و تحقیق پیرامون آن در مجلس تصویب شده است. همزمان با این، محسن رفیق دوست دو سال دیگر از طرف خامنه‌ای در سمت خود به عنوان رئیس بنیاد مستضعفان و جانبازان ابقا شد. رفیق دوست از سال ۶۸ سال به زیاست بنیاد منصوب شده است.

تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر

بگفته‌ی محمد علی‌زاده معاون سازمان انرژی اتمی ایران بکمک متخصصان روسی کار ساختمانی آخرین مرحله‌ی نیروگاه هسته‌ای بوشهر آغاز شده است. ساختمان این نیروگاه که از سال ۵۴ آغاز شده بود با وقوع انقلاب با تمام ماند. وی گفت که هزینه‌ی این مرحله ۲۰۰ میلیارد تومان (۸۵۰ میلیارد روبل) برآورد شده و قرار است بهره‌برداری از آن بین ۳ تا ۴ سال دیگر شروع شود. محمد علی‌زاده همچنین اعلام کرد که قرار است تا ده سال دیگر دو نیروگاه اتمی ۳۰۰ مگاواتی در ایران ساخته شود.

ستاد ویژه مبارزه با موش‌ها

کابوس همه گیری طاعون سرانجام مقامات شهرداری تهران راه فکر مبارزه با موش‌ها انداخت. شهرداری تهران با تشکیل ستاد ائتلاف موش‌ها از مردم تهران خواست که با این ستاد همکاری نموده، محل تجمع موش‌ها را به این ستاد اطلاع دهند. بر کسی پوشیده نیست که کانال‌ها و جوی‌های آب اکثر خیابان‌های شهر تهران چندین سال است که به جولا نگاه موش‌ها مبدل شده‌اند.

"عصر ما" و مناسبات ایران و عراق

امریکا و انگلیس منتفی خواهد شد که علی‌القاعده قویتر، اشتهای ناپذیر تر و بی‌نیاز تر به صلح با ایران خواهد بود. از دیگر سو، چنانچه ذکر شد، برخورد خصمانه و دفعی با رژیم گرفتار و نیازمند عراق، آن دولت را هر چه بیشتر به دامن دشمنان خواهد انداخت. "عصر ما" ضمن انتقادات قسماً واقعی به سیاست خارجی دولت رفسنجانی منجمله حمایت از گروه‌های "معارض عراق" در دوره "حضور نیروهای آمریکایی در کشورشان و بعضاً پشتیبانی نظامی آنها

از اینروست که جمهوری اسلامی میباید نزدیکترین روابط دویا چند جانبه را با این قبیل دولتها و جنبش‌ها برقرار و کلیه اختلافات موجود با آنها را با توجه به دشمن مشترک و منافع ملی، فرعی تلقی کند و بداند که اختلاف بین این قبیل دولتها و جنبش‌ها خصوصاً در منطقه خاورمیانه، تحقق اهداف شیطان‌ی آمریکا و از جمله تثبیت رژیم اشغالگر قدس، تسلط بر منابع نفتی منطقه و قلع و قمع جنبش‌های انقلابی و اسلامی و دولتهای مستقل را تسهیل و تسریع خواهد کرد. بهمین خاطر بهبود روابط دودولت ایران و عراق در جهت امنیت و منافع ملی هر دو طرف بوده و می‌بایست جنبه استراتژیک داشته باشد.

رویدادهای ورزشی

زنان و مردان شطرنج باز ایران در مسابقات جهانی مسکو

تیم‌های زنان و مردان شطرنج کشورمان در مسابقات قهرمانی جهان که در مسکو برگزار می‌شود، شرکت دارند. مسابقات قهرمانی شطرنج جهان از روز نهم آذرماه آغاز شد. کاظم مرتضوی دبیر فدراسیون شطرنج و مربی تیم ملی زنان در مصاحبه‌ای گفت: به رغم اینکه در گذشته جز در ایران، در سایر کشورهای منطقه هیچ استاد بین‌المللی وجود نداشت در حال حاضر از ورزش شطرنج بسیار عقب مانده‌ایم. تیم اعزامی زنان کشورمان به مسابقات شطرنج قهرمانی جهان شامل این افراد است: شیرین نوبی، لیلیا پیمانی، فرشته نارنجی و

قرعه کشی مسابقات فوتبال المپیک در قاره آسیا انجام شد

تیم ملی فوتبال در اولین مرحله مقدماتی برای راه‌یابی به مسابقات فوتبال المپیک با تیم ترکمنستان و امارات متحده عربی روبرو خواهد شد. در مقدماتی مسابقات در چهار مرحله برگزار خواهد شد. در مرحله اول از هر گروه یک تیم به مرحله دوم راه می‌یابد. در مرحله دوم هشت تیم برتر در دو گروه چهار تیمی در دیدارهای رفت و برگشت با یکدیگر به رقابت خواهند پرداخت و از گروه دو تیم به مرحله سوم راه می‌یابند. از مرحله سوم که با شرکت چهار تیم برگزار می‌شود، دو تیم به المپیک راه خواهند یافت و تیم سوم پس از رقابت مغلوبین مرحله سوم تعیین خواهد شد. گروه بندی مقدماتی فوتبال در

نتایج هفته هفدهم

مسابقات فوتبال باشگاه‌های ایران

در هفته هفدهم مسابقات فوتبال قهرمانی باشگاه‌های ایران هشت دیدار برگزار شد. در تهران استقلال موفق شد پیام گنج خراسان را با شکست دو بر یک مواجه سازد. در اهواز استقلال این شهر با دو گل زود هنگام بر تیم قهرمان استان قدس ساری غلبه کرد. ترک‌سازای تبریز با دو گل ناصرفراستی و کاظم نورمحمدی تیم دوم جدول، ملوان بندرانزلی، راشکست داد. پالایش نفت قائم شهر پس از پیروزی در اهواز انتظار دیدار برابر سایپا تهران در بازی دیگر موفق شد سیاهان اصفهان را با تک گل محمد پور شکست دهد. در



در غیاب پرستو کریمی تمام امیدهای تیم بانوان ایران به شیرین نوبی است. نوبی یکی از بهترین شطرنج‌بازان حال ایران است

بر اساس تصمیم آخرین اجلاس اوپک

سقف تولید نفت اوپک در سال ۹۵ ثابت می ماند

مهمترین مسئله اجلاس اوپک انتخاب دبیر کل بود

کاندیدای جمهوری اسلامی برای چهارمین بار از احراز سمت دبیر کلی اوپک محروم ماند

بر اساس تصمیم آخرین اجلاس وزرای نفت سازمان کشورهای تولید کننده نفت (اوپک)، سقف تولید نفت این سازمان در سطح کنونی یعنی ۲۴/۵۲۰ میلیون بشکه در روز باقی می ماند. این اجلاس هم چنین موفق شد دبیر کل اوپک را برای سه سال آینده انتخاب نماید. در نشست اخیر وزرای نفت اوپک که از روز دوشنبه ۳۰ آبان (۲۱ نوامبر) بمدت ۳ روز در جزیره پالی اندونزی برگزار گردید، برخلاف اجلاسهای پیشین، داغ ترین و اصلی ترین مسئله نه سقف تولید اوپک، که موضوع انتخاب دبیر کل اوپک بود. نسبت پیشین اوپک نتوانست این مسئله را حل و فصل نماید، در نتیجه سالم البدری

رئیس لیبیایی اوپک، بطور موقت سمت دبیر کلی اوپک را نیز به عهده گرفت. رقابت برای دبیر کلی اوپک میان سه نامزد جریان داشت: «ریلوانو لقمان» وزیر نفت سابق نیجریه، «الیو پوپا» وزیر نفت سابق ونزوئلا و حاضر سفیر جمهوری اسلامی در ژاپن است و قبلا مدتی نیز معاون وزارت نفت بود. در حالیکه دو نامزد نیجریه ای و ونزوئلایی موقعیت مناسبی داشتند و مورد حمایت بودند، کاظم پوراردیبیلی کاندیدای جمهوری اسلامی فاقد چنین موقعیتی بود. جمهوری اسلامی انتخاب کاظم پوراردیبیلی به سمت دبیر کلی اوپک را حق خود می دانست، اما در آخرین ساعات

جمهوری اسلامی در استفاده از حق خود برای برخورداری از مقام دبیر کلی اوپک ناگام می ماند. و این یکی ازدهها پیامد موقعت شدت تخریب شده و منزوی حکومت جمهوری اسلامی در جامعه بین المللی است. پس از پایان اجلاس اوپک، سوپر تودبیر کل سابق اوپک به خبرنگاران گفت: «چنانچه حسین کاظم پوراردیبیلی به عنوان دبیر کل اوپک انتخاب می شد، بازار نفت به گونه ای دیگر عکس العمل نشان می داد. چشم و چراغ جمهوری اسلامی روشن! سوپر تودبیر کل سابق جمهوری اسلامی برای دبیر کلی اوپک به خاطر میانجیگری سوهارتو رئیس جمهور اندونزی بود. وی گفت: سوهارتو در آخرین لحظات باهاش می رفتنجاننی در این خصوص مذاکره کرد و از وی خواست کاندیداتوری ایران را پس بگیرد. بازار نفت واکنش چندانی محسوس به تصمیمات اجلاس اخیر اوپک نشان نداد. اما اعضای اوپک با خوش بینی در انتظار افزایش بهای نفت در ماههای آینده هستند.

آقای وزیر نفت جمهوری اسلامی پس از بازگشت از اندونزی به خبرنگاران گفت: «مطابق پیش بینی ها اقتصاد جهانی در سال ۹۵ دارای حداقل ۳ درصد رشد خواهد بود. تولید نفت کشورهای غیر عضو اوپک نیز افزایش زیادی نخواهد داشت. لذا در اجلاس اخیر اوپک پیش بینی شد که تقاضا برای نفت اوپک حدود ۸۰۰ هزار بشکه در روز افزایش یابد. به این ترتیب تقاضا برای نفت اوپک در سال ۹۵ معادل ۲۵/۴ میلیون بشکه در روز خواهد

رسید. اما، بختک عراق بالای سربان خوش بینی هاست. امیدواری ها برای افزایش تقاضای نفت و لذا افزایش بهای آن به شرطی است که تحریم خرید نفت از عراق همچنان پابرجا بماند. ولی اگر این تحریم لغو گردد، عراق با سرازیر کردن بیش از ۲ میلیون بشکه نفت به بازار جهانی، هر نوع امکان افزایش بهای نفت به خاطر افزایش تقاضا را خنثی خواهد کرد.

سهیمه اعضای اوپک بر اساس سقف تولید ۲۴/۵۲ میلیون بشکه در روز:

الجزایر	۷۵۰ هزار بشکه
اندونزی	۱ میلیون و ۳۲۰ هزار بشکه
ایران	۳ میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه
امارات عربی متحده	۲ میلیون و ۱۶۱ هزار بشکه
کویت	۲ میلیون بشکه
گابن	۲۸۷ هزار بشکه
عربستان	۸ میلیون بشکه
عراق	۴۰۰ هزار بشکه
قطر	۳۷۸ هزار بشکه
لیبی	۱ میلیون و ۳۹۰ هزار بشکه
نیجریه	۳۷۸ هزار بشکه
ونزوئلا	۲ میلیون و ۲۵۹ هزار بشکه

بسیاری از تحلیل گران بین المللی تخلفات ایران به عنوان دومین تولید کننده اوپک را از عوامل اصلی تضعیف اوپک طی سالهای اخیر میدانند. البته طی چند ماهه اخیر ایران از فهرست متخلفین خارج شده، ولی از دید ناظران بین المللی و کلیه نشریات تخصصی این امر معلول عدم توانایی تولید بیشتر شناخته شده و عموما معتقدند سهمیه ۳/۶ میلیون بشکه در روز ایران بالاترین متوسط تولیدی است که می تواند برای یک الی دو سال آینده داشته باشد و از آن پس با سیر شدیدی روبه کاهش خواهد گذارد.

نویسنده نامه در باره روابط جمهوری اسلامی با سازمان اوپک می نویسد:

اوپک از طریق سه نماینده رسمی با کشورهای عضو مرتبط است که عبارتند از: وزیر، نماینده هیات عامل و نماینده ملی. بیشتر جلسات جدی و سخت اوپک که با شرکت وزرا صورت می پذیرد، در پشت درهای بسته انجام می شود. معمولاً وزرای نفت در کشورهای مختلف به علت ماهیت صنعت نفت در ابعاد مختلف آن که نیازمند زبان خارجی و بویژه زبان انگلیسی است، به این زبان تسلط نسبی دارند، در حالی که وزیر نفت ایران زبان انگلیسی را در سطح ابتدایی می داند. با این حال طبق اخبار مستند ایشان در جلسات بسته بطور انفرادی و بدون هیچگونه مترجم یا مشاوره که زبان خارجی بداند شرکت می کند و وارد بحث های حساس اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فنی می شود تا از مواضع جمهوری اسلامی دفاع کند و مواضع سایرین را تبدیل نموده یا مردود سازد...

نماینده هیات عامل جمهوری اسلامی نیز شرح ویژه خود را دارد. معمولاً این نماینده در کشورهای عضو معاون وزیر نفت کشورهاست و علاوه بر آنکه در کشور مربوط ارتباط کاری نزدیکی بین آنها وجود دارد، در جلسات وزرای اوپک نیز همواره حضور دارند و مشاوران و نمایندگان وزیر در امر اداری سازمانی و ارتباطی بین اوپک و کشورهای مربوط می باشند. طی پنجاه سال اخیر برای ملت ما انبوهی از بیم و امید، سیاست و اقتصاد، دانش و تکنولوژی و بسیاری مسائل دیگر را به همراه داشته است. علیرغم ادعاهای گوناگونی که مبنی بر راهیابی اقتصاد و صنعت کشور از درآمدهای نفتی صورت گرفته و می گیرد، بر اهل فن پوشیده نیست که حیات اقتصادی کشور ما کماکان و حتی در مواردی بیش از پیش به دلارهای نفتی وابسته است. همچنین تردیدی نیست که بخش عظیمی از صادرات غیر نفتی کشور که هنوز هم ارزش مجموعه آن به زحمت به ۲۵٪ صادرات نفتی می رسد، وابسته به درآمدهای حاصل از نفت می باشد که صرف واردات مواد اولیه مورد نیاز می شود.

نامه سرگشاده یک کارشناس ایرانی صنعت نفت

وضع صنعت نفت و اداره آن در جمهوری اسلامی

سطح تولید ایران در یک الی دو سال آینده با سیر شدیدی روبه کاهش خواهد گذشت ایران یکی از متخلف ترین کشورهای اوپک شناخته شده است

به حق مدافع حقوق تولید کنندگان نفت و طرفدار حقیقت های بالا تر برای نفت تولیدی اوپک شناخته شد. از چند سال پیش تحت تاثیر سیاست های داخل کشور مبنی بر تولید هر چه بیشتر برای کسب درآمد افزون تر، ایران شروع به تغییر سیاست خود نمود و در مقابل سیاست قیمت بیشتر، حمایت از خط مشی تولید بیشتر را پذیرفت. این تغییر از سال ۱۳۶۵ صورت پذیرفت و متعاقب اتخاذ این سیاست توسط اوپک و پذیرش آن توسط ایران به تبعیت از عربستان و سایر امیر نشین های خلیج فارس، بهای نفت در بازارهای جهان به شدت سقوط کرد.

از این تاریخ به بعد هر چند ایران تلاش نمود آب رفته را به جوی بازگرداند و لااقل در صحبت و موضع گیری سیاسی به سیاست قبلی خود مبنی بر خواستن قیمت بیشتر (در مقابل تولید بیشتر) بازگردد، ولی کمتر کسی در خارج از مرزهای این کشور این موضع گیری را جدی تلقی نمود. این امر عمدتاً ناشی از دو عامل بود:

۱- اول آنکه مسئولین ذربیط جمهوری اسلامی بویژه وزیر نفت همزمان با موضع گیری های خود در جهت محکوم کردن سایر اعضای اوپک و کشورهای دیگر برای کاهش قیمت نفت و درخواست قیمت های بالاتر، این موضع را اعلام داشتند که درصدد افزایش تولید نفت کشور می باشند. طبیعی است که دو عامل تولید بیشتر و قیمت بالاتر یا یکدیگر نمی توانند جمع شوند و از اینرو ایران بتدریج به صورت کشوری درآمد که در این مورد دچار تناقض گویی است و این امر بتدریج جهان خارج را نسبت به موضع گیری های جمهوری اسلامی بی تفاوت کرده است.

۲- عامل دیگری که موجبات تضعیف نقش ایران را در اوپک فراهم آورد این موضوع است که متأسفانه در عمل ایران (بویژه طی یکی دو سال اخیر) به عنوان یکی از متخلف ترین کشورهای اوپک شناخته شده است و

تخصصی بین المللی متفق القول هستند که ایران برای تولید از مناطق نفتی خود دچار مشکل می باشد و طی چند سال آینده نه تنها پتانسیل تولید افزایش نخواهد یافت، بلکه با روند شدیدی نسبت به گذشته روبه کاهش خواهد گذارد. این امر معلول آن است که طی سالهای اخیر نه تنها برنامه های ازیاد برداشت و تزریق گاز به مخازن و تعمیرات و نگهداری حوزه ها به نحو مطلوبی انجام نشده، بلکه تولید حد اکثری به قول معروف «تخته گاز» از معادن صادرات جبران ناپذیری را به میادین نفتی وارد آورده است. این امر سبب گردیده است علاوه بر آن که مقدار زیادی نفت مورد هرزروی قرار گرفته و قابل استحصال نباشد، در سال های آینده تولید نفت در سطح فعلی قابل تحقق نباشد.

در مورد گاز وضعیت پتروشیمی نویسنده نامه می نویسد: هم اکنون علیرغم ادعاهایی که صورت می گیرد، حداقل طی ۵ سال آینده هیچگونه گازی برای صادرات موجود نیست و حتی تا مین گاز در داخل کشور نیز با مشکل روبرو است. البته گاز در زیر زمین وجود دارد، لکن تا این گاز بخواهد به مرحله بهره برداری برسد و خطوط لوله مناسب برای انتقال آن تعبیه گردد و به مصرف داخلی و صادرات برسد نیازمند چندین میلیارد دلار روزیال سرمایه گذاری، مدیریت مناسب و زمان نسبتاً طولانی است که متأسفانه همسایه نمی باشند. در خصوص پتروشیمی نیز غالب پروژه های راه اندازی شده یا در حال راه اندازی صرفاً اقتصادی ندارند و صرفاً با سوسیدهای مختلف و تزریق دلار روزیال قابل توجه به آنها سرپا نگاه داشته شده اند و در اصل ضایعات و هزینه های قابل توجهی را متوجه بوده که کشور می سازند.

نویسنده نامه در باره نقش نفت در سیاست خارجی ایران می گوید: از بدو پیروزی انقلاب اسلامی، در صحنه بین المللی ایران هر از گاهی وزیر نفت دستور تشکیل شرکتی جدید را صادر می کند که نتیجه آن معمولاً جذب بیشتر نیروی انسانی غیر مجرب، هزینه های بالاتر و بوروکراسی پیچیده تر می باشد. که در نهایت هدف یا اهداف در نظر گرفته شده را نیز تا مین نمی کند. به همان سادگی که اثباتی منزل را از اتاق به اتاق دیگر جابجا می کنیم، در واحدهای ستادی و صنعتی تغییر و تحول ایجاد می شود، واحدهای کارشناسی صرفاً وظیفه اجرا را بر عهده دارند. حاصل این تغییرات در حال حاضر بدین صورت است که حدود ۱۰۰ معاون، مشاور، مدیر، رئیس و مسئولین و کارشناسان مختلف بطور رسمی و مستقیماً تحت نظارت سازمانی وزیر قرار دارند، ضمن آنکه حداقل برابر همین رقم به صورت غیر رسمی مورد ارزیابی، نظارت و غیره واقع می شوند. این مطلب در حالی است که صاحب نظران علم مدیریت حداکثر توانایی مدیران را برای نظارت کارآمد بر کار مسئولین رده های پایین تر متجاوز از ۱۰ نفر نمی دانند.

نویسنده مسائل صنعت نفت را از دودید داخلی و خارجی مورد بررسی قرار داده و می نویسد: نظام صنعت نفت ایران و تشکیلات اداری آن در بدو پیروزی انقلاب اسلامی به نحوی بود که بالنسبه از غالب سازمان ها و موسسات داخل کشور کارآمدتر می نمود. این امر به معنی تأیید کلیه مدیران و کارشناسان سابق که بخشی از آنها سنخیت و صلاحیت لازم را برای ادامه کار داشتند نیست، بلکه صرفاً بر حسب قالب های سازمانی و سیستم اداری، تشکیلات صنعت نفت به نحوی بود که در حداقل کاغذ بازی و زمان و با حداقل پرسنل کارها انجام می شد. در ساختمان مرکزی وزارت نفت از گذشته واحدهای ستادی برنامه ریزی، کنترل، بودجه، حسابداری و سایر واحدهایی که هر یک از جنبه های راهبری، هدایت و نظارت بر صنعت عظیم نفت را عهده دار بوده اند، مستقر می باشند. در حال حاضر این ساختمان اصلی که به عنوان «مرکزی قدیم» معروف است در واقع ساختمان مرکزی سایر ساختمان های وزارت نفت را تشکیل می دهد، چرا که در اطراف این ساختمان و به شعاع کمتر از دو کیلومتر، حدود ۲۰ ساختمان دیگر به تدریج طی سال های اخیر سر بر آورده اند تا سبیل نیروی انسانی جذب شده به ستاد وزارت نفت را در خود جای دهند.

جالب توجه است که در گذشته نام نفت و کارکنان شرکت نفت در اذهان قورا مهندسین و نیروهای فنی را تداعی می کرد و در حال حاضر در سایر کشورهای جهان نیز به همین صورت است. ولی اینک از انبوه کارکنانی که طی پنج الی ده سال اخیر به استخدام درآمد اند کمتر از ۲۰ درصد آنها را نیروهای فنی و مهندسین فارغ التحصیل از مراکز معتبر تشکیل می دهند. نتیجه چنین وضعیتی که چشم و گوش و زبان کارشناسی سازمان صنعت به منتهای ضعف خود رسیده، چنین است که

در ماههای اخیر چندین بار این خبر در رسانه های تخصصی نفتی جهان انتشار یافت که ایران در تولید نفت خود دچار مشکلات شده است. مسئولین وزارت نفت هیچگاه در برابر این خبرها از خود واکنش نشان ندادند. اخیراً نامه ای در روزنامه سلام (۲۱ آبان ۱۳۷۲- نوامبر) انتشار یافته که به گوشه هایی از وضع صنعت نفت و نابسامانی در نحوه اداره آن اشاره دارد و خواننده را به صحت خبرهای فوق متقاعد می سازد. این نامه را یک کارشناس نفت نوشته است، اما نام وی در سلام فاش نشده است. سلام در شماره ۶ آذر (۲۷ نوامبر) خود جوابیه کرده است. از جوابیه وزارت نفت چنین پیداست که نام این کارشناس برای آنها مکشوف است و به شیوه معمول در حکومت اسلامی نویسنده را متهم کرده اند بنا به انگیزه های شخصی و به خاطر آنکه وی (نویسنده نامه) برای احراز شغلی در دبیرخانه اوپک انتخاب نشده، از سر کینه تیزی و انتقام جویی به نوشتن چنین نامه ای مبادرت کرده است.

جوابیه وزارت نفت علاوه بر این حاوی یک مشت آمار و ارقام است که بکرات از زبان مسئولین حکومت اسلامی در دفاع از کارکرد رژیم شنیده شده است. منجمله بازسازی تاسیسات نفتی تخریب شده در جنگ و افزایش ظرفیت تولید نفت نسبت به سالهای زمان جنگ و... اما به بسیاری از مسائل مطروحه در نامه بویژه در باره نحوه اداره صنعت نفت پاسخ داده نمی شود.

در زیر بخش هایی از نامه این کارشناس را می خوانید: در ابتدا این نامه آمده است: صنعت نفت ایران یکی از قدیمی ترین صنایع کشور به حساب می آید که طی پنجاه سال اخیر برای ملت ما انبوهی از بیم و امید، سیاست و اقتصاد، دانش و تکنولوژی و بسیاری مسائل دیگر را به همراه داشته است. علیرغم ادعاهای گوناگونی که مبنی بر راهیابی اقتصاد و صنعت کشور از درآمدهای نفتی صورت گرفته و می گیرد، بر اهل فن پوشیده نیست که حیات اقتصادی کشور ما کماکان و حتی در مواردی بیش از پیش به دلارهای نفتی وابسته است. همچنین تردیدی نیست که بخش عظیمی از صادرات غیر نفتی کشور که هنوز هم ارزش مجموعه آن به زحمت به ۲۵٪ صادرات نفتی می رسد، وابسته به درآمدهای حاصل از نفت می باشد که صرف واردات مواد اولیه مورد نیاز می شود.

بیانیه نویسندگان و هنرمندان ایرانی مقیم خارج از کشور

دردفاع از اعتراض نویسندگان ایران

سیمین بهبهانی شاعره نامدار ایران شعر تازه ای سروده است که در آخرین شماره نشریه آدینه چاپ شده است. این شعر در ایران با استقبال وسیعی مواجه گردیده است.

آه! عشق ورزیدم

آه! عشق ورزیدم با چگونگی حیوانی
در چگونگی کابوسی با چگونگی هذیانی:

خواب بود و بیداری، اشتیاق و بیزاری
در جدال و آمیزش دستی و گریبانی
نفرت و محب بود و آنزجار ولذت بود
با غزال خوش نقشی مرده در بیابانی.

وای! حال قی دارم - تا چه شد که در مستی
آب گند نوشیدم در بولور فنجانی.
تاب شعله می شاید تا پلید پالاید
تن فکند نم باید در تنور سوزانی.

کاش ماری گشتم، پوستواری هشتم
می گریختم از خود با تن درخشانی.

آه، نه! که شمشیری زنگ خورده را مانم
با خلاف ممزوجی، از غلاف عریانی
منی گریزم اما تن پیش می دود با من
تن من است و من از تن خسته ای، گریزانی...

آه! عشق ورزیدم، سکه را دورودیدم:
روی، نقش جبریلی، پشت، شکل شیطانی.

سیمین بهبهانی

نویسندگان ایران در اعتراض به موانعی که جمهوری اسلامی در راه نشر آثارشان بوجود می آورد به مقاومت برخاسته اند. یکصدوسی و چهار شاعر، نویسنده، پژوهشگر و مترجم درون ایران در نامه سرگشاده ای که منتشر کرده اند، هدف خود را برداشتن موانع راه آزادی اندیشه و بیان و نشر و تشکیل یک اتحادیه صنفی-فرهنگی در ایران دانسته اند.

این یک واقعیت آشکار است که گردانندگان حکومت کنونی ایران برخلاف اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر میثاق های شناخته شده بین المللی، موانع و دشواریهای زیادی در راه نشر آزادانه آثار نویسندگان بوجود آورده اند.

اقدام جمعی نویسندگان ایران در مبارزه با سانسور و جرم تهدید و آزار، گامی در راه تحقق آزادی اندیشه، بیان و نشر و رشد ادب و هنر ایران و اعتلای فرهنگی ملتی است که قرن ها پرچمدار تمدن و هنر و ادب پیشرو بوده است.

خواست و تاکید نویسندگان درون کشور بر حفظ حرمت قلم و هنر، لغو سانسور، سلب صلاحیت از نهاد های مداخله گر در امور هنری و ادبی و شناخت حقوق آنها در ایجاد یک تشکل صنفی - فرهنگی، تأیید نویسندگان، شاعران، پژوهشگران و هنرمندان خارج از کشور - که نامشان در زیر آمده است - به همراه دارد.

ما از همه هم میهنانی که نسبت به فرهنگ و هنر ایران احساس تعهد میکنند و همچنین مجامع و سازمان ها و عناصر فرهنگی و هنری جهان می خواهیم به این اعتراض باری رسانند.

شیرزاد آقایی (نویسنده)، عسگر آهین (شاعر)، تورج اتابکی (پژوهشگر و استاد دانشگاه)، مینا اسدی (شاعر)، باور

استوار (شاعر)، صدرالدین الهی (روزنامه نگار)، علی امینی نجفی (نویسنده)، احمد ایرانی (پژوهشگر)، بهرخ بابائی (یازبگرتاثر)، سهراب بهداد (پژوهشگر و استاد دانشگاه)، ناصر پاکدامن (پژوهشگر و استاد دانشگاه)، فریدون تنکابنی (نویسنده)، حسین جعفری (نویسنده)، رضا چرندابی (نویسنده)، علی اصغر حاج سید جوادی (نویسنده و پژوهشگر)، بهروز حشمت (مجسمه ساز)، بهزاد حافظی (نویسنده)، منصور خاکسار (شاعر)، نسیم خاکسار (نویسنده)، مهدی خانباها تهرانی (نویسنده)، اسماعیل خوبی (شاعر)، مصطفی دانش (روزنامه نگار)، پرویز دستمالچی (نویسنده)، آرامش دوست دار (پژوهشگر و استاد دانشگاه)، خسرو امامی (نویسنده)، خلیل موحد دیلمقانی (نمایشنامه نویس و کارگردان تئاتر)، اکبر ذوالقرنین (شاعر)، منوچهر رادی (نویسنده)، حسن رجب زاده (روزنامه نگار)، ناصر رحمانی نژاد (یازبگرو کارگردان تئاتر)، حمید رضا رحیمی (شاعر)، بیژن رعنائی (پژوهشگر)، فضل الله روحانی (شاعر و پژوهشگر)، سعید رهنما (پژوهشگر و استاد دانشگاه)، علی رضازین (استاد دانشگاه و شاعر)، حسن زرهی (شاعر و روزنامه نگار)، حمید زنگنه (پژوهشگر و استاد دانشگاه)، مسعود ساعتچی (روزنامه نگار)، جلال سرفراز (شاعر)، فرامرز سلیمانی (شاعر و منتقد)، ناصر شاهین پر (نویسنده)، محمد علی شکیبایی (شاعر)، هرمز حکمت (نویسنده)، عباس صفاری (شاعر)، جواد طالعی (شاعر)، ناصر طهماسبی (نویسنده و پژوهشگر)، محمود عنایت (روزنامه نگار و پژوهشگر)، میرزا آقا عسگری - مانی (شاعر)، رضا

علامه زاده (نویسنده و فیلم ساز)، داود غلامحسینی (یازبگرتاثر)، فهیمه فرسای (نویسنده)، مهدی فلاحتی (شاعر)، محمد فلاح زاده (هنرمند)، محمدر فلکی (شاعر و منتقد)، پرویز قلیچ خانی (روزنامه نگار)، بیژن کارگر مقدم (نویسنده)، احمد کریمی حکاک (استاد دانشگاه و پژوهشگر)، علی کیافر (پژوهشگر و مترجم)، ایرج گرگین (پژوهشگر و مفسر رسانه های گروهی)، عاطفه گرگین (شاعر و روزنامه نگار)، امیر حسین گنج بخش (نویسنده)، محمود گوردزی (نویسنده)، بابک متینی (نویسنده)، فرهاد مجد آبادی (نویسنده و کارگردان تئاتر)، مرتضی محیط (پژوهشگر)، تقی مدرسی (نویسنده)، مهرنوش مزارعی (نویسنده)، هایده مغیثی (پژوهشگر)، طاهر ممتاز (نویسنده)، ناصر مؤذن (نویسنده و مترجم)، باقر مؤمنی (پژوهشگر)، مسعود منش (شاعر)، اسفندیار منفرد زاده (آهنگ ساز)، مرتضی میرآقایی (نویسنده و شاعر)، شکوه میرزادگی (نویسنده)، سعید میرهادی (شاعر)، علی کبر مهدی (استاد دانشگاه و پژوهشگر)، پوران مهدی زاده (نویسنده)، محمد علی مهمید (مترجم و نویسنده)، نادر نادری (شاعر و پژوهشگر)، فرهاد نعمانی (پژوهشگر و استاد دانشگاه)، مجید نفیسی (شاعر)، مسعود نقره کار (نویسنده و پژوهشگر)، اسماعیل نوری (شاعر و پژوهشگر)، برتونیوری (شاعر و منتقد)، کیومرث نویدی (شاعر)، اصغر واقدی (شاعر)، منصوره هاشمی (شاعر)، سعید یوسف (شاعر و منتقد)، منوچهر صالحی (نویسنده)، محمود راسخ افشار (محقق و نویسنده)، حمید شوکت (نویسنده)، مهری استعدادی شاد (نویسنده)، هایده ترابی (یازبگرتاثر).

پیرامون پس گرفتن برخی امضاءها از بیانیه "مانویسنده ایم" سوء استفاده

از یک حق طبیعی

تعدادی از نویسندگان که بر پای بیانیه مشهور "مانویسنده ایم" امضاء گذارده بودند، امضای خود را پس گرفته اند. برای این هیچ ایرادی نیست. هر انسانی انگونه که حق دارد به نظر یا خواسته ای پیوندد حق دارد انصراف خود را از آن نظر یا خواسته اعلام دارد. دلایلی که برای این گسست اعلام شده است در اینجا مورد بحث نیست. اما جمهوری اسلامی در ادامه کارزار تبلیغی و تهدیدی گسترده و خط و نشان کشیدن برای نویسندگان، از انصراف و جدایی عده معدودی از نویسندگان از بیانیه "مانویسنده ایم"، نیز وسیله تازه ای ساخته تا تا تیرات این بیانیه را خنثی سازد و تهدید و فشار برای انصراف بیشتر را افزایش دهد. روزنامه های رژیم با آب و تاب و دست و دل بازی به انعکاس نظریات این عده و مصاحبه با آنها در نطفی حرکت جمعی نویسندگان ایران پرداخته اند در حالیکه هیچ روزنامه دولتی متن بیانیه "مانویسنده ایم" را چاپ نکرده اند و یا هیچ یک از مدافعین این بیانیه به گفتگو نشسته اند. این یک سوء استفاده آشکار از حق طبیعی کسانی است که به هر دلیل نخواستند در جمع ۱۳۴ تن باقی بمانند.

این سوء استفاده زشت روی دیگر سیاستی است که با تهدیدهای پنهان و آشکار می کشد نویسندگان بیشتری را به اعلام انصراف وادارد و انصراف آنها را دلیلی بر محکومیت گروه عظیم نویسندگان که به بیانیه ۱۳۴ نویسنده وفادار مانده و دفاع آشکار و جمعی خود از خواست برقراری آزادی و تشکیل کانون نویسندگان را ادامه می دهند، تبدیل کند و بر کسی پوشیده نیست که این فشارها و تهدیدها یک عامل جدی برای برخی گسست ها از بیانیه بوده است. رژیم در تلاش خود برای ارباع نویسندگان و سوء استفاده از موضع و نظر کسانی که امضای خود را پس گرفته اند به نتیجه نخواهد رسید. این بیانیه جدا از کم یا زیاد شدن تعداد امضاء کنندگان آن به یک سند و اقدام ماندگار در مبارزه مردم ایران برای آزادی تبدیل شده است.

کتابشناسی انقلاب مشروطیت ایران

جنبه ها و جوانب گوناگون انقلاب مشروطیت در هشتاد سال گذشته از سوی بسیاری از پژوهشگران مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. علی پورصفر برای سهولت دسترسی به این بررسی ها و پژوهش ها یک کتاب راهنما تدوین کرده که در آن ۸۰۰۰ کتاب، رساله، مقاله و... در باب انقلاب مشروطیت با نام و نشانی معرفی شده اند. این راهنما که "کتابشناسی انقلاب مشروطیت ایران" نام دارد به زودی از سوی مرکز نشر دانشگاه (تهران) منتشر خواهد شد.

فرهنگستان زبان فرانسه و واژه های خارجی ماثبت کنندگان تحول زبانیم

درون: فرهنگستان فرانسه قصد حذف لغات خارجی را ندارد. هر واژه خارجی را ما مورد مطالعه قرار می دهیم و اگر رواج پیدا کرده باشد ما هم آن را به رسمیت می شناسیم. فرانکفورتر روند شاون: پس شما تابع روند ها و کاربردهای عمومی زبان هستید؟

درون: کار ما به پنه لوبن (همسر اودیسه قهرمان معروف منظومه هومر) شباهت دارد. ما بی وقفه فرشی را می یابیم و پس از پنجاه سال دوباره از اول آغاز می کنیم. دو سال پیش فرهنگستان نخستین جلد فرهنگ یازبیبی شده زبان فرانسه را منتشر کرد. تا دو سال دیگر جلد دوم منتشر خواهد شد و بعد از آن هم جلد سوم.

فرانکفورتر روند شاون: اما زبان نوشتار و گفتار با هم تا آن زمان کم یا بیش تغییر کرده است.

درون: برای تعیین جا افتادگی یک واژه جدید در زبان، اگر نه پنجاه سال، دستکم چند سالی باید سپری شود. برخی از واژه های جدید یک فصل هم دوام نمی آورند و به زودی فراموش می شوند.

فرانکفورتر روند شاون: با این توصیفی که شما از وظیفه فرهنگستان ارائه دادید به درک هیئت تحریریه فرهنگستان آلمان دودن "Duden" از وظیفه خود در قبال زبان آلمانی بسیار تودیک می شوید. به این ترتیب آیا تا آنجا پیش خواهید رفت که نظر زبانشناسی را تأیید کنید که گفت: "واژه شناسی، معادل یابی و دستور زبان را نمی توان تحت نظم و قاعده کامل در آورد و قسماً حتی چاره ای جز پذیرش اشتباهات زبانی که از رهگذر کاربرد عمومی به قاعده بدل شده اند، نیست؟"

درون: کار ما هم در واقع چیزی نیست جز کنترل، ارزش یابی، نفی و یا تأیید آنچه که در زبان عمومی روی می دهد. ما در اصل ثبت کننده تحولات زبانیم.

گردد. اگر یک شرکت آمریکایی، انگلیسی و یا غیره یک ماشین بی یک شرکت فرانسوی فروخت، باید نحوه استفاده و موارد ایمنی آن را به زبان فرانسوی همراه آن بفرستد. در غیر این صورت یک مصرف کننده فرانسوی که زبان انگلیسی نمی داند ممکن است در استفاده از ماشین اشتباه کند و جان خود و دیگران را به خطر بیناندازد.

فرانکفورتر روند شاون: اما شورای قانون اساسی در رسیدگی به شکایات شرکت ها، موسسات و افراد مختلف، این قانون را تعدیل کرد و بخش هایی از آن را با استناد به آزادی اندیشه و بیان مطروحه در بیانیه حقوق بشر سال ۱۷۸۹، حذف نمود. بر اساس رای این شورا اینک کسی مجبور نیست که از کاربرد واژه های خارجی بپرهیز کند و معادلهای فرانسوی آنها را به کار گیرد.

موریس درون: با واژه های معادل باید با احتیاط و تردید برخورد کرد. در فرانسه نهاد های مختلفی به زبان فرانسه می پردازند و بویژه در برابر واژه های خارجی برابر نهاد های فرانسوی پیدا می کنند. اما معادلهای پیشنهادی آنها اغلب نارسا است و همیشه هم با قواعد زبان فرانسه تطبیق نمی کند.

فرانکفورتر روند شاون: آیا معادل های یافته شده رسمی برای تأیید به فرهنگستان زبان فرانسه ارائه می شوند؟

درون: چرا، ولی به نظر موضوع ما کمتر توجه می شود و این در حالی است که این فرهنگستان از زمان

بعضی در یک زبان جا افتاده هم شده اند، تنها خاص ایران نیست. در فرانسه اخیراً قانونی به تصویب رسید که کاربرد واژه های خارجی در رسانه ها و نیز در زندگی رسمی، دیپلماتیک و تجاری را ممنوع می کند. این قانون که نقض آن تا ۴ هزار فرانک جریمه در پی خواهد داشت بحث و چالش های گسترده ای را در فرانسه برانگیخته است.

درباره این قانون، چگونگی برخورد با واژه های خارجی و نیز نقش فرهنگستان (آکادمی) فرانسه، روزنامه آلمانی فرانکفورتر روند شاون با موریس درون دبیر فرهنگستان زبان و وزیر سابق فرهنگ فرانسه مصاحبه ای انجام داده که از برخی جبهات خواندنی است.

فرانکفورتر روند شاون: چه نیازی سبب شد که قانون جلوگیری از ورود کلمات انگلیسی به زبان فرانسه تدوین و تصویب شود؟

موریس درون: من ابایی از تأثیر قانون یاد شده ندارم، ولی این قانون بد معرفی و تعبیر شده است. در رسانه های گروهی و آنهم از سوی خبرنگاران که قانون را اصلاً نخوانده بودند، تصویری پاره، پاره و مضحک از آن ارائه شد. بر اساس این قانون در کلاس درس و در همه عرصه های زندگی عمومی، از روابط دیپلماتیک تا مبادلات اقتصادی اگر یکی از طرفین فرانسوی باشد، باید زبان فرانسوی مورد استفاده قرار

دراپران مسئله معادل سازی در برابر واژه های خارجی دستکم از آستانه انقلاب مشروطیت یعنی از زمانی شروع شد که رابطه ما با تمدن غرب رویه افزایش نهاد و پدیده های فرهنگی و علمی این تمدن آهسته آهسته به زندگی ما راه پیدا کرد و بعداً هجومی سیل آسا گرفت. در ظرف صد سال اخیر پیوسته این بحث که در برابر مفاهیم و لغات خارجی چه باید کرد مسئله عمده و مطرح روز بوده است. عده ای هر گونه نو آوری در واژه سازی را ضربه به میراث فرهنگ زبان فارسی تلقی کرده اند و کوشیده اند که معادلهای لازم برای مفاهیم و واژه های جدید را از زبان عربی وام بگیرند، برخی به افراط دیگری گرویده اند و خواسته اند که برای هر واژه خارجی معادلی فارسی بسازند و گروهی هم راه میانه را گرفته اند، یعنی تا جایی که در پایه و امکان زبان فارسی بوده است برای واژه های خارجی برابر نهاد ساخته اند و آن واژه هایی هم که معادلی برای آنها نیافتاده اند به گونه ای در دستگاه صرف و نحو فارسی ادغامشان کرده اند که دستکم از ورود ترکیبات مختلف آنها جلوگیری شود.

با این همه هنوز هم در ایران روش و بینش یکسانی بر چگونگی برخورد با واژه های خارجی حاکم نیست و آن مقدار از نظارت و ابداعات هم که در سالهای پیش از انقلاب از رهگذر وجود گسسته فرهنگستان زبان صورت می گرفت هم اینک به حداقل رسیده و فرهنگستان جدید زبان نیز که پنج سالی از حیات آن می گذرد نه برجسته ترین سرمدان ادبیات و زبانشناسی را در بر می گیرد و نه فعالیت و عملکرد چندانی دارد.

اما مسئله چگونگی برخورد با واژه ها و اصطلاحات خارجی که

وظایف و ساختار کلی

پس از انقلاب سال ۱۹۷۹ در ایران، دستگاه‌های اطلاعاتی و ارگانهای مراقبتی متعددی تشکیل شدند.

سه سازمان اطلاعاتی رسمی زیر مهم‌ترین آنها هستند:
- وزارت اطلاعات و امنیت (واواک MOIS)

- دستگاه اطلاعاتی سپاه پاسداران، بنام "واحد قدس"
- سازمان اطلاعاتی ارتش "آرژ" بنا بر داده‌های سازمان‌های اطلاعاتی دوست، وظایف این سازمان‌ها به قرار زیر تقسیم شده‌اند:

واواک

امنیت داخلی (بیش از همه مبارزه با چریک‌ها و تشکیلات اپوزیسیون)، ضد جاسوسی، کنترل مسافرت‌ها، مراقبت خارجی‌ها (بخصوص کشورهای همجوار و غیر همجوار)، اجرای تصمیم‌های خاص (سوقصدها).

واحد قدس

مسئول امنیت داخلی بخش‌های نظامی و غیر نظامی، حفاظت از اشخاص، مبارزه با شورش‌ها (کردها، ناآرامی‌های داخلی)، در خارج از کشور مسئول حمایت از جنبش‌های اسلامی، اجرای عملیات تروریستی، کسب آگاهی‌های فنی و یا به‌ای تکنولوژی جدید اسلحه‌های ABC (اتمی، بیولوژیکی، شیمیایی) و تکنولوژی موشکی، خرید و تامین ملزومات برای آنها، تهیه نمونه‌های اسلحه و غیره...

سازمان اطلاعاتی نظامی "آرژ"

مسئول تهیه اطلاعات درباره کشورهای دشمن و رقیب ایران، تحقیق، امنیت داخلی نیروهای مسلح و خرید اسلحه و وسایل یدکی.
توضیح: درباره بنای تشکیلاتی واواک و واحد قدس، به نمودار سازمانی ضمیمه مراجعه شود.

عملکرد و مأموریت سیاسی

وظایف و حوزه‌های اصلی کار سازمانهای اطلاعاتی ایران را شورای امنیت ملی تعیین می‌کند که مسئول تعیین مأموریت داخلی و خارجی این سازمانهای اطلاعاتی بنا بر وظایف از پیش تعیین شده‌شان دستور دارند. سلطه آخوند ها را از طریق سرکوب هر نوع فعالیت جریانها و تشکیلات اپوزیسیون تامین کنند. از این نظر تعقیب ایرانیان مقیم خارج از کشور به علت رابطه با سیاست داخلی بعنوان مسأله داخلی تلقی می‌گردد. ناآرامی‌های مردم باید توسط این نیروها و به طریق نظامی مقابله و سرکوب شود.

سازمان‌های اطلاعاتی به عنوان سیستم‌های اخطار دهنده اولیه موظف‌اند که تمامیت ارضی را تضمین کنند و از تلاش ایران برای تبدیل شدن به یک قدرت سیاسی- نظامی در حوزه خلیج حمایت نمایند. رهبری مذهبی ایران را در کشورهای اسلامی به کرسی نشانده، در عین حال میبایستی برنامه‌های تسلیحاتی با تمی کشورها و به وسیله فعالیت‌ها و عملیات تدارکاتی متناسب تقویت و فعالیت‌های بنیادگرایان را در کشورهای اسلامی به شدت حمایت کنند.

علاوه بر آن، این سازمانها ابزاری هستند در رودررویی با

گزارش گروه کارایران سازمان اطلاعات داخلی آلمان

در مورد

فعالیت‌های سازمان‌های اطلاعاتی ایران

گروه کارایران در سازمان امنیت داخلی آلمان، سال گذشته گزارشی را به مقامات امنیتی دولت آلمان ارائه داد که به بررسی فعالیت‌های جاسوسی و تروریستی جمهوری اسلامی در آلمان اختصاص دارد. فتوکپی این گزارش در مهرماه (اکتبر) امسال به دادگاه می‌کونوس در برلین، که به پرونده ترورد کتر شرفکندی و یارانش رسیدگی می‌کند، ارائه شد. علیرغم درخواست دادگاه، وزیر کشور آلمان از دادن اجازه شهادت درباره آن خودداری کرده است. این گزارش در مطبوعات معتبر آلمان انعکاس شایسته‌ای یافت و از جمله هفته نامه اسپیکل بر اساس آن گزارشی از فعالیت‌های تروریستی جمهوری اسلامی تحت نام "خانه امن جاسوسان" منتشر کرد، که خلاصه آن در "کار تیز درج شد".

ترجمه فارسی این گزارش توسط "کانون پناهندگان سیاسی ایرانی- برلین" برای مارج شده است. این گزارش در دو شماره "کار به چاپ خواهد رسید".

شیطان کوچک* (اسرائیل) و شیطان بزرگ* (آمریکا)

سازمانهای اطلاعاتی ایران در آلمان فدرال

یافته‌های سازمان اطلاعات داخلی آلمان فدرال BfV تا کنون ثابت می‌کند که هر سه سازمان اطلاعاتی دارای مقرهای قانونی و غیر قانونی در جمهوری آلمان فدرال بوده و منطبق با وظایفشان عمل می‌کنند. توضیح: در موارد متعدد دسته بندی مقرها و همچنین اعضای آن به یکی از سه سازمان اطلاعاتی غیر ممکن است. مقرر واواک: در سفارتخانه ایران در برلین، به علت اهمیت آن در مرکز توضیح زیر قرار دارد.

مقر واواک در برلین تاسیس و پرسنل

از اواخر ۱۹۸۶ و اوایل ۱۹۸۷ سازمان اطلاعاتی ایران دارای مقری در سفارت ایران در برلین می‌باشد. این سازمان توسط عضو شناخته شده سازمان اطلاعاتی، سید علی کریم سبحانی، که از پاسداران بوده، بوجود آمده و اداره می‌شد. از ماه می ۱۹۸۸ این مقر توسط علیرضا حقیقیان، که زمان خدمت وی در تابستان ۱۹۹۳ احتمالاً به پایان می‌رسد، اداره می‌شود. حقیقیان مقری شامل حدود ۲۰ عضو، متشکل از افراد مشکوک به عضویت در سازمان اطلاعاتی، را اداره می‌کند. از حدود ۷۰ عضو دیگر سفارت، بعضی بنا بر موقیعت، و برخی بطور منظم با این مقر همکاری دارند.

توضیح: سفارتخانه ایران در برلین، با ۶۰ کارمند، یکی از بزرگترین نمایندگی‌های ایران می‌باشد.

هسته مرکزی این مقر که از نظر مکانی در طبقه سوم سفارت قرار داشته و بطور خاص حفاظت می‌شود، شامل ۶ دفتر و اتاق مخابرات است. اعضای دیگر این مقر با توجه به وظایف اطلاعاتی‌شان و بخاطر مخفی داشتن فعالیتهایشان، در بخش کنسولگری، بخش فرهنگی، بخش اقتصادی، بخش سیاسی و بخش تلکس و کد گذاری (طبقه پنجم) مستقر شده‌اند.

محل‌های قانونی یا مخفی اپوزیسیون (بخصوص درباره شماره تلفن‌هایی که از طریق کنترل آنها، طرف‌های تماس در ایران شناسائی شوند).

نقطه اتکا مهم برای جذب مأمورین و خیرچین‌ها، تمديد و صدور پاسپورت جدید می‌باشد که بنا بر مقررات ایران هر سه یا شش سال ضروری است. در مورد اشخاصی که به محل خاصی دسترسی دارند (مثلاً به اپوزیسیون یا به تکنیک خاص)، علی‌القاعده وقتیکه شخص مربوطه آمادگی خود را برای کار با سفارت طی یک مدت معین اعلام دارد، کار جذب

وظایف و حوزه‌های اصلی کار

بنابر اطلاعات موجود که داده‌های به دست آمده از سازمان‌های اطلاعاتی دوست هم آنها را تأیید می‌کند، مغرب‌بن به

صورت می‌گیرد، در مواردی اگر امکان داشته باشد با اعمال فشار بر افراد خانواده‌وی که در ایران زندگی می‌کنند.

جزاین مقر می‌تواند بر اشخاصی که خیرچین‌ها و مأموران به آنها اشاره کرده‌اند، آنها را که خودشان اعلام آمادگی می‌کنند و ایرانیانی که به دلخواه می‌خواهند به ایران بازگردند، دست ۰۰۰ محافل اپوزیسیون کرده‌اند، سود می‌جوید. علاوه بر این منابع، مقرر از وسایلی مثل مراقبت ویدئویی و تجمعات اپوزیسیون استفاده می‌کند.

جاسوسی از عادات شخصی هدف (مثلاً در مورد افراد رهبری) در مواردی که برای تدارک سوء قصد لازم است، در آخرین مرحله از طرف یک واحد عملیاتی که به سفر می‌آیند صورت می‌گیرد، پیش از آنکه به اصطلاح تیم ضربت Hill-Team وارد عمل شود.

یک کار اصلی دیگر مقرر تهیه آگاهی‌های فنی از تکنولوژی‌های نظامی (انتقال غیر قانونی تکنولوژی می‌باشد که متمرکز بر تکنولوژی اسلحه‌های ABC (اتمی/ بیولوژیکی/ شیمیایی) و محصولات لازم برای آنها می‌باشد.

بنابر گزارش‌های سازمان‌های اطلاعاتی دوست، خرید نسبتاً بی درد سر اسلحه و وسایل یدکی برای ارتش و واحدهای سپاه پاسداران بنا بر قرار دولت بطور مرکزی توسط وزارت دفاع و اداره مربوطه (مثلاً دفتر DIO در دوسلدورف) سازماندهی می‌شود.

مخصوصاً اعضای سازمان‌های اطلاعاتی که در بخش اقتصادی خود را مخفی کرده‌اند، برای اجرای مأموریت‌های حساس با آن تجار و شرکت‌هایی تماس تجاری برقرار می‌کنند که محصولات لازم برای سیستم‌های اسلحه‌های ABC را می‌فروشند و یا واسطه فروش آن هستند.

برای پنهان کردن دلایل ورود گم کردن خروج این صادرات حساس (چه از نظر ملی، و چه از لحاظ بین‌المللی) از طریق شرکت‌های ایرانی (مخفی) (مانند: VENA، رشد ITS همه در دوسلدورف) در آلمان یا خارج از آن انجام می‌گیرد. مقرر سازمان اطلاعاتی برای تهیه تکنولوژی نظامی و اسلحه‌های AB، متمرکز بر ارزیابی تعداد زیادی نوشته‌های تخصصی به زبان‌های آلمانی، انگلیسی و روسی است. علاوه بر آن، مقرر سعی می‌کند با ایرانیانی تماس بگیرد که بتوانند دانشجوی، دانشمند یا کارمند شرکت، دارای دانش تخصصی لازم هستند و یا به آنها دسترسی دارند.

علاوه بر این‌ها، مقرر علاقمند به بازگشت افرادی متخصصین به ایران می‌باشد. اطلاعات موجود نشان می‌دهد که این بخش وظایف را هم واواک و هم سازمان اطلاعاتی پاسداران (که با بنیاد جانبازان و مستضعفان یک کنسرسيوم، با شاخه‌های متعدد برای صدور فرآورده‌های حساس، رادار اختیار دارد) به عهده گرفته‌اند. احتمالاً این دو سازمان اطلاعاتی در این مورد با هم کار میکنند.

سومین کار اصلی مقرر، تبلیغ بنیادگرایی اسلامی (صدور انقلاب) می‌باشد

مقرر، در زیر پوشش بخش فرهنگی در تلاش است تا با مسلمانان غیر ایرانی در آلمان فدرال و در کشورهای همجوار در ارتباط قرار گیرد، با این هدف که بر روی آنان به نفع ایران تأثیر بگذارد و در عین حال این ارتباطات در خدمت کسب اطلاعات از اوضاع کشور متبوع و جنبش مذهبی آنان می‌باشد.

مقرر، در زیر پوشش بخش فرهنگی در تلاش است تا با مسلمانان غیر ایرانی در آلمان فدرال و در کشورهای همجوار در ارتباط قرار گیرد، با این هدف که بر روی آنان به نفع ایران تأثیر بگذارد و در عین حال این ارتباطات در خدمت کسب اطلاعات از اوضاع کشور متبوع و جنبش مذهبی آنان می‌باشد.

مقرر، در زیر پوشش بخش فرهنگی در تلاش است تا با مسلمانان غیر ایرانی در آلمان فدرال و در کشورهای همجوار در ارتباط قرار گیرد، با این هدف که بر روی آنان به نفع ایران تأثیر بگذارد و در عین حال این ارتباطات در خدمت کسب اطلاعات از اوضاع کشور متبوع و جنبش مذهبی آنان می‌باشد.

اخبار علمی

روز جهانی ایدز بیماری رنج آور قرن بیستم

اول دسامبر بعنوان روز جهانی ایدز شناخته شده است. به این مناسبت هفتمین نشست بین‌المللی علیه بیماری ایدز با حضور نمایندگان بیش از ۴۲ کشور جهان در تاریخ ۱۱ دسامبر ۱۹۹۴ در پاریس برگزار شد. این نشست که به دعوت دولت فرانسه انجام شد و محتوای سیاسی داشت چندان مورد استقبال جدی کشورهای دیگر قرار نگرفت، چرا که فرانسه متهم است که تنها موضع سیاسی می‌گیرد و کمک‌های مادی آن به سازمان بهداشت جهانی برای مبارزه با بیماری، قابل توجه نیست.

ایدز بیماری رنج آور قرن ماست که عواقب روحی، اجتماعی و اقتصادی فراوانی به دنبال دارد. تلاش و تحرک کشورهای اروپایی و آمریکایی در چند سال اخیر برای پیشگیری این بیماری به طرز محسوسی افزایش یافته است. اما مرکز عمده‌ی بیماری یعنی آفریقا با ۷ میلیون انسان حامل ویروس ایدز (HIV) هم چنان به واسطه‌ی فقر و کم توجهی دچار کمبود برنامه‌ریزی صحیح چه از جنبه‌ی پیشگیری و چه از نقطه نظر درمانی است (فقط ۶ درصد از بودجه‌ی اختصاص یافته به ایدز به آفریقا می‌رسد).

در سال ۱۹۸۱ که اولین مورد بیماری ایدز (بدون شناخت از عامل و چگونگی آن) در مرکز کنترل و پیشگیری بیماری‌ها در آمریکا تشخیص داده شد تا کنون مطابق آمارهای منتشر شده سازمان بهداشت جهانی در ژوئن ۱۹۹۳، ۷۱۸۸۹ مورد بیمار مبتلا به ایدز گزارش شده. قابل ذکر است که حمل ویروس HIV، ویروس عامل بیماری، با ابتلا به این بیماری متفاوت است و الزاماً کسی که حامل ویروس است علامت بیماری را ظاهر نمی‌سازد و به عنوان بیمار بالقوه شناخته می‌شود.

طبق گزارش همین سازمان تعداد حاملان ویروس از ابتدای شروع اپیدمی تا کنون بیش از ۱۴ میلیون نفر از جمله ۱ میلیون کودک می‌باشد که از میان آنها ۱ میلیون در نیمه‌ی اول سال ۱۹۹۲ مبتلا شده‌اند و نزدیک به نیمی از این تعداد زنان بوده‌اند.

تعداد مبتلایان ایدز در جهان، از بدو شناخت بیماری تا کنون ۱/۷ میلیون مورد تخمین زده می‌شود که از این تعداد ۹۰ درصد اخیراً فوت کرده‌اند.

بعضی از کشورهای آفریقای و آمریکای جنوبی بیشتر از کشورهای دیگر جهان مورد تهدید بیماری هستند. بعلاوه سرشماری‌های اخیر در آسیای جنوب شرقی نیز به خصوص هند ابراز نگرانی هستند.

انتشار سریع بیماری و رشد تأسف بار اپیدمی به وسیله‌ی فقر تشدید می‌شود زیرا این مسئله امکان دسترسی به وسایل پیشگیری و درمان را کمتر می‌سازد. به علاوه مقاومت‌های فرهنگی و مذهبی نیز در موارد مشخص به صورت بازدارنده عمل می‌کنند. خودداری از استفاده از وسایل جلوگیری حتی بوسیله‌ی پاپ نیز تشویق می‌شود.

خطر دیگر بیماری ایدز که به آن کمتر اشاره می‌شود انتشار اپیدمی‌های دیگری است که قبلاً در جهان مهار شده بودند. به طور مثال در کشورهای آفریقای که در بعضی از شهرهای آن بیش از سه چهارم تخت‌های بیمارستان را بیماران مبتلا به ایدز اشغال کرده‌اند و ابتلا به سل در بیماران ایدز (بواسطه‌ی کم شدن مقاومت بدن) دیده شده است که می‌تواند به شیوع مجدد اپیدمی سل در میان مردم بیانجامد.

سازمان بهداشت جهانی بر اساس دانسته‌های خود تخمین می‌زند که تا سال دوازدهم بیش از ۴۰ میلیون نفر به ویروس ایدز (HIV) آلوده خواهند شد و از این تعداد ۱۲ تا ۱۸ میلیون مبتلا به بیماری ایدز می‌شوند. ۹۰ درصد موارد بیماری در کشورهای در حال توسعه خواهد بود که نزدیک به ۱۰ میلیون کودک کمتر از ده سال از خانواده‌های مبتلا به ایدز فوت خواهند نمود باقی می‌ماند.

در آفریقا تا پیش از بیماری ایدز شانس زنده ماندن نوزادان می‌توانست تا ۲۰ درصد ارتقاء یابد اما متأسفانه با شیوع بیماری این آمار به ۱۰ درصد تنزل یافته است.

در آسیا با ۵۰ درصد جمعیت جهان احتمال رشد بسیار سریع بیماری می‌رود و ممکن است تا سال دوازدهم آنچه که در جنوب صحراهای آفریقا پیش آمد، در آسیا هم بوقوع پیوندد و رقم مبتلایان از آفریقا هم پیشی بگیرد.

در جستجوی ابرهورمون

پژوهشگران آمریکایی بر روی یک "ابرهورمون" خونی بنام (SCF) تحقیق می‌کنند که هدایت کننده‌ی ساخت تمام رده‌های سلول‌های خونی می‌باشد. در کنار ایتروپوئین‌ها که ساخت گلبول‌های قرمز را تحریک می‌کند، عامل‌های رشد سلول‌ی به نام G-CSF و GM-CSF هدایت تولید گلبول‌های سفید را به عهده دارند و ترومبوپوئین از دیاد پلاکت‌ها را موجب می‌شود.

با تهیه‌ی این ابرهورمون و به کمک مهندسی ژنتیک می‌توان کسانی را که مبتلا به بیماری انمی آپلاستیک هستند و همچنین افرادی را که به علت ابتلا به سرطان تحت شیمی‌درمانی قرار دارند و بر اثر آن قادر به تولید سلول‌های خونی به میزان کافی نیستند، درمان نمود.

باید در جوانی به فکر مبارزه با پوکی استخوان بود

به گزارش خبرگزاری یونایتد پرس بر اساس تحقیقاتی که دکتر ولیمیر ماتکوویچ رئیس آزمایشگاه متابولیسم مواد معدنی و استخوانی دانشگاه ایالتی اوهاو انجام داده است، پس از توقف رشد استخوانی در زنان طی اواخر دوره‌ی نوجوانی، امکان تقویت و استحکام استخوان‌ها از بین می‌رود. در حالیکه تحقیقات قبلی بیان گر آن بود که زنان در سنین بیست و سی سالگی عمر خود هنوز هم می‌توانند استخوان‌های محکم‌تری بسازند. بر اساس این تحقیق استخوان‌بندی زنان پیش از سن ۲۰ سالگی به حداکثر تراکم خود می‌رسد و این موضوع اهمیت تغذیه و ورزش را برای دختران نوجوان مورد تأکید قرار می‌دهد.

ادامه دارد

ایالات متحده

انقلاب ایران و رویارویی دواندیشه

جین کرک پاتریک - استاد علوم سیاسی دانشگاه جرج تاون

درست پانزده سال پیش، در نوامبر سال ۷۹، در روزهایی که مصادف بود با اشغال سفارت آمریکا، مقاله‌ای به قلم خانم پرفسور "جین کرک پاتریک" استاد علوم سیاسی دانشگاه جرج تاون و چندین دانشگاه معتبر دیگر تحت عنوان: "دیکتاتوری‌ها و معیارهای دوگانه" انتشار یافت. در این مقاله به خوبی دیده می‌شود که ریگان‌نیم و محافظه‌کاران جدید که در عمل به مدت ۱۲ سال بر قدرت حاکم در آمریکا و حتی بر چهره متحده آن‌ها سایه افکند، بود در عرصه بین‌المللی چگونه خود را توجیه می‌کنند و از کدام زاویه لیبرالیسم دولت کارتر و نظریات برژینسکی، مغز متفکر آن دولت را، مورد انتقاد قرار می‌دهد. سیاست کارتر در قبال انقلاب ایران و در نیکاراگوئه، در مرکز توجه نویسنده قرار دارد. جوهر مسأله دفاعیه غربی است در برتری‌های رژیم‌های دست راستی مبتنی بر دیکتاتوری فردی. کرک پاتریک که خود قبلاً دموکرات بود، در این سال‌ها بعد از شکست ویتنام و اقتصاد و اترگیت در پایان دهه‌ای که شاهد اوج قدرت اتحاد شوروی در تمام دوران حیاتش و نیز شعله کشیدن دست کم ۱۲ انقلاب ضد آمریکایی در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بود حیات حاکمه آمریکا را به ناتوانی و تزلزل متهم می‌کند و این فکر را که گویا این انقلابات "حکم تاریخ" است، به یاد انتقاد می‌گیرد. وقتی ریگان به حکومت رسید، کرک پاتریک را به ریاست کار با این هیئت نمایندگی آمریکا در سازمان ملل برگزید. حدت مواضع افراطی او در شورای امنیت و سازمان ملل گاه مایه حیرت همگان بود.

اکنون ۱۵ سال پس از آن روزها، گرچه سیمای جهان از بنیان دگرگون شده است، اما این دو طرز فکر در ایالات متحده آمریکا هم چنان دور قیب عمده‌اند. این دو طرز فکر خورد که گاه چون بحران درهائیتی به شکل حادای پرومی‌کنند هم اکنون نیز در حیات سیاسی آمریکا، خصمیت‌نما هستند.

انتخابات کنگره و سنای آمریکا که اخیراً برگزار شد، عرصه وسیع رویارویی این دو طرز فکر در جامعه آمریکا بود و پیروزی محافظه‌کاران در کنگره و سنای اهمیت آشنایی با مواضع آنان را افزایش داده است. مواضعی که روشن‌ترین تصویر آن در سیمای سرهنگ الیور نورث، قهرمان شکست خورده محافظه‌کاران در انتخابات سنا به چشم می‌خورد.

آن چه که کرک پاتریک در این مقاله می‌گوید، ترجمه تئوریک و بیان آکادمیک همان اعمالی است که آن روزها ریگان و الیور نورث در قبال ایران و نیکاراگوئه در پیش گرفتند و امروز نیز همفکران آنان در سنا و کنگره آمریکا، پیاده کردن آن در جهان پس از جنگ سرد را در سر دارند.

کرک پاتریک رویارویی قاطع با دشمنان در جهان سوم و بخصوص در ایران و نیکاراگوئه را توصیه می‌کند. اما وقتی محافظه‌کاران روی کار آمدند، این اندرز فقط در مورد نیکاراگوئه به کار گرفته شد بی آنکه به نتیجه پیش‌بینی شده منجر شود. به پاداش خدمت عظیم خمینی به ریگان در غلبه بر کارتر در پایان دهه گروگان‌گیری، و به علت نقش فوق‌العاده دلپذیر جمهوری اسلامی در جنگ افغانستان و به علت سیاست تند ضد کمونیستی آن و به ویژه به علت حمایت بی‌شائبه خمینی از ادامه جنگ ایران و عراق، سیاست "رویارویی قاطع" در برابر جمهوری اسلامی، جای خود را به "همکاری پنهان" داد.

"دیکتاتوری‌ها و معیارهای دوگانه" مقاله بلندی است که در دل سیه علت محدودیت جاسفقت خلاصه‌ای از ترجمه آن که بیشتر با مسائلی خواننده ایرانی سازگار است، درج می‌شود.

عملاً و با دست خود متحده و دوست حساب پس داده‌ی خود را از میان برمی‌دارد تا دولتی متخاصم با امانت‌آفرینان آمریکا جایگزین آن گردد. در بهترین حالت دسترسی ما به قلمرویی دوستانه از میان می‌رود و در بدترین حالت شوروی پایگاه تازه‌ای به دست می‌آورد. به این ترتیب همه جا دوستان ما به ما خواهند گشت که دیگر نمی‌توانند در روزهای دشواری که کمک آمریکا مطمئن باشند. دشمنان نیز به ما خواهند گفت حاکم آمریکا هرگز قادر نیست مانع از گردش چرخ تاریخ گردد.

دولت آمریکا و نیز شخص کارتر تا دسامبر ۱۹۷۸ از رژیم شاه حمایت کردند. در آن زمان کارتر به این موضوع که شاه دوام نخواهد آورد اعتراف کرد. جرج بال، فرستاده ویژه کارتر، پس از بازدید از ایران گزارش کرد که شاه دیگر نمی‌تواند امیدوار باشد که تمام قدرت را در دست خود نگاه دارد. او باید به شدت‌های معتدل مخالفتان خود را نیز در قدرت سهیم کند. جرج بال آلت‌ناتیوهای متعدد را بر بررسی کرده بود که هر کدام راهی را برای کنار رفتن شاه از قدرت نامه توصیه می‌کرد.

در این که خود آمریکا برنامه خروج شاه را ریخته و بختیار را برای جان‌نثینی او در نظر گرفته بود، جای هیچ شکی وجود ندارد. کارتر نشان داد که تعهدش به عدم مداخله برایش بسیار مهم تر از ملا حظات استراتژیک و ضرورت حفظ غرور ملی آمریکا بوده است. کارتر شخصاً گفته است: هر چند خواهان آن است که برای شاه در حکومت نقش مهمی در نظر گرفته شود، ولی در هر حال تصمیم با خود مردم است.

رویدادها در نیکاراگوئه با آن چه در ایران رخ داد متفاوت است. در نیکاراگوئه هم دست کوبا و هم دست شوروی آشکارا ترویج و هم آمریکا علنی تر علیه سوموزا عمل می‌کرد. هنوز سوموزا رهبر کشور بود که سفیر آمریکا حتی از تسلیم اعتبارنامه اش به او خودداری کرد. وزارت خارجه آمریکا می‌دانست که رهبران ساندنیست با کاسترو روابط بسیار نزدیکی دارند. با این حال با زهم گفته می‌شد: "فصل نذراند نیکاراگوئه را به کوبای دوم تبدیل کنند." در حالی که به نظر می‌رسد دولت کارتر مشتاق است با هر کسی، در هر جایی و بر سر هر موضعی مذاکره کند، اما در مورد سوموزا هر نوع مصالحه جویی با وی منتفی اعلام شد. "وایرن وکی" دستیار وزیر خارجه می‌گوید: "بدون سرنگونی سوموزا هیچ پایانی بر بحران متصور نیست، هر راه حلی باید با ترک قاطع گذشته همراه باشد."

مانه تنها ارسال هر نوع تسلیحات را به نیکاراگوئه متوقف کردیم، بلکه اسرائیل و گواتمالا و دیگران را نیز به رعایت او واداشتیم. رئیس جمهور علناً به دنیا اطمینان داد که ایالات متحده از رودار مردم نیکاراگوئه خودشان حکومت خود را برگزینند.

سیاستی که کارتر در رابطه با ایران و نیکاراگوئه در پیش گرفت، مبتنی بر این فرضیات بوده است که اولاً رژیم‌های موجود دیگر نمی‌توانند روی پای خود بایستند و ثانیاً آلت‌ناتیوهای دموکراتیک برای آن‌ها شکل گرفته

شکست سیاست خارجی دولت کارتر انگار برای همه واضح است جز یاتیان این سیاست. از زمان ریاست جمهوری کارتر، شوروی ساختار تسلیحاتی خود را افزایش داده و نفوذش را در شاخ آفریقا، افغانستان، جنوب آفریقا و دریای کارائیب گسترش داده است. افزایش نفوذ شوروی با کاهش نفوذ آمریکا در جهان همراه بوده است. ایالات متحده به وضوح از یافتن و حفظ کشورهای دوست در جهان سوم درمانده و کوشش جدی نیز در این عرصه به عمل نمی‌آورد.

انگار که این همه بلا یا کافی نبوده است. در سال جاری ایالات متحده دو شکست بزرگ دیگر در ایران و نیکاراگوئه متحمل شده است. در هر دو کشور دولت کارتر موفق نشد نه تنها از پیامدهای نامطلوب و سقوط آن دولت‌ها جلوگیری کند، بلکه فعلاً نه همدستی کرد تا رژیم‌های خود کامگان معتدل که بر خوردی دوستانه با آمریکا داشتند، جای خود را به خود کامگانی بدهند که کمتر دوست آمریکا بوده و بیشتر افراطی به حساب می‌آیند. هر چند آینده این دو کشور هنوز مشخص نیست ولی شواهد به بدتر شدن اوضاع در هر دو کشور گواهی می‌دهد. رهبران هر دو انقلاب از خود عدم تحمل نشان می‌دهند و به روشنی با شریک کردن مسالمت آمیز دیگران در قدرت و در نهاد‌های حکومتی مقابله می‌کنند.

عاجل‌ترین مسأله در سیاست خارجی آمریکا تدوین یک خط مشی معین در قبال دولت‌های غیر دموکراتیک است که وجودشان از طرف شوروی به خطر افتاده است. این خط مشی باید به لحاظ اخلاقی قابل دفاع، به لحاظ استراتژیک قابل قبول و به لحاظ سیاسی واقع بینانه باشد.

نفت، وسعت خاک و نزدیکی به شوروی باعث شده که اهمیت اقتصادی، استراتژیکی ایران بیشتر از جمهوری‌های آمریکای لاتین باشد. روابط ما با شاه به دلیل برنامه اش در مورد مدرنیته کردن ایران و حمایت از این برنامه چهره بهتری به خود گرفته بود. هر چند که ما نسبت به تأثیرات این مدرنیته کردن در رسوم و فرهنگ مردم ایران بی تفاوت بودیم.

هر دو کشور ایران و نیکاراگوئه توسط کسانی رهبری می‌شدند که در انتخابات آزاد به وسیله مردم انتخاب نشده و به هیچ روی جواب‌گویی مردم خود نبودند. هر دو رهبر به هیچ عنوان تحمل نینخواه و مخالف را نداشتند و از نیروهای انتظامی برای سرکوب هر گونه ندایی استفاده می‌کردند. ارتش‌های این دو کشور وفاداری خود را نه به قانون اساسی و به ملت، که به رهبرانشان اعلام می‌کردند.

شاه و سوموزا رهبران سنتی جوامعی نیمه سنتی بودند. گرچه هر یک از آن‌ها می‌خواستند به نحوی کشور خود را مدرنیته کنند، اما هر دو نسبت به اصلاحات در زمینه عدالت اجتماعی و تأمین سلامت سیاسی بی تفاوت بودند.

شاه و سوموزا سال‌های طولانی حکومت کردند، صاحب ثروتی عظیم بودند و هر دو روابط خوبی با آمریکا داشتند. آنان نه تنها ضد کمونیست بودند، بلکه فرزندان خود را برای تحصیل به دانشگاه‌های مای فرستادند و در سازمان ملل به ما رای می‌دادند. از منافع و مقام آمریکا دفاع می‌کردند، هر چند که این دفاع شاید به بهای سیاسی گزافی برایشان تمام می‌شد.

این فرمانروایان، هرازگاهی از طرف مقامات آمریکا بی‌به علت عدم رعایت حقوق بشر مورد انتقاد قرار می‌گرفتند، ولی با این وجود هر دو دولت دریافت کننده کمک‌های مالی مختلفی بودند. این کمک‌ها تا زمان انقلاب در هر دو کشور ادامه پیدا کرد. تحولات در این دو کشور بسیار شبیه به هم و یاد آور فتاری است که مادر چین در زمان چیان چای چک، در کوبا قبل از کاسترو، در ویتنام در مرحله حادی از جنگ آن کشور و اخیراً در انگولا داشته‌ایم. در تمامی این موارد کوشش‌های آمریکا برای

تحصیل سیاست لیبرالیته کردن و دموکراتیزه کردن دولت‌ها با مقابله نیروهای مخالف و خشونت گرامواجه شده و نه تنها به موفقیت نیانجامیده، بلکه به روی کار آمدن همین نیروها کمک کرده است. این تغییرات باعث نشد که مردم حق و حقوق بیشتری به دست بیاورند، بلکه میدان آزادی و امنیت فردی را نیز نسبت به دیکتاتوری‌های قبلی تنگ تر کرد. این دولت‌ها به نحو شدیدتری با منافع آمریکا مخالف هستند.

مقامات آمریکایی آشکارا در باره دوام پذیری رژیم‌های فاقد پایگاه مردمی به تردید افتاده‌اند. آن‌ها از وجود احزاب مخالف و از تعدی به حقوق مدنی‌ایراز تاسف می‌کنند. روزنامه نگاران لیبرال اخلاقی بودن کمک به "دیکتاتوری‌های دست راستی" را زیر علامت سوال می‌برند و در عوض اطمینان می‌دهند که با غیاب به اعتدال خواهند گراید. تقاضای کمک دیکتاتورها به گوشه رانده می‌شود و هر روز بیشتر این زمره شنیده می‌شود که قبل از این که خیلی دیر شود باید با شورشیان رابطه گرفت.

با و خیم شدن اوضاع رئیس جمهور (کارتر) به دنیا اطمینان می‌دهد که آمریکا فقط از رودار که در آن کشورها مردم خودشان حکومت را انتخاب کنند. او تحویل اسلحه به آن دولت‌ها را متوقف کرده و در تلاش است مذاکرات برای تاسیس دولتی ائتلافی با "پایگاه وسیع اجتماعی" به سرکردگی "میانه‌روها" آغاز شود و هر چه زودتر راه توافق سیاسی جستجو گردد. به هر حال آمریکا قربانی سوء تفاهم خود می‌شود.

نظم زندگی اجتماعی فرو می‌ریزد. رابطه ارتش ایران با شاه و گارد ملی نیکاراگوئه با سوموزا، نمونه تیپیک رابطه شخصی، موروثی و غیر قابل انتقالی است که ضامن ادامه حیات آن رژیم خود کامه است.

تلاش‌های شتاب زده برای تحمیل اقدامات و سیاستی نا آشنا و غریبه برای جوامع سنتی فاقد زمینه‌های فرهنگ سیاسی، سنت‌ها و ساختارهای اجتماعی ضروری، نه تنها به نتایج پیش‌بینی شده منجر نشد، بلکه راه را برای یاغیان باز کرد.

فرض بر این است که ویتنام به آمریکا آموخت که نمی‌تواند ژاندارم بین‌المللی باشد. اگر چنین است، خطرات ناشی از تلاش برای دایه دموکراسی در جهان شدن، در شرایطی که فرزند می‌باید در محیط جنگ چریکی زاده شود نیز باید به آمریکا آموخته شود.

وقتی کار ترویجی کار می‌آید، مرتب اعلام می‌شد که رئیس جمهور تیمی درست کرده است که گرایش تازه‌ای را در سیاست خارجی با برداشت تازه‌ای از منافع ملی عرضه می‌کند. گفته می‌شد که ارکان این سیاست تازه دو تاست: اعتقاد به این که جنگ سرد پایان یافته است و عقدا به این که ایالات متحده باید مسائل شمال جنوب را در اولویت قرار دهد و کمک کند که ملل کمتر توسعه یافته سر نوشت خود را به دست بگیرند.

به سان اکثر فلسفه‌های تاریخ که از قرن ۱۸ تا امروز در غرب پدید آمده‌اند، دکترین دولت کارتر نیز پیشرفتی عاقبت به خیر را در قالب مدرنیزاسیون و از آن نوعی که در غرب شکل گرفته است. برای جوامع بشری پیش‌بینی می‌کند.

این گرایش بیش از همه و به وضوح در کتاب "زیبگنیو برژینسکی" به نام "میان دو عصر" انعکاس یافته است. در این کتاب برژینسکی نشان می‌دهد که از فراسوی جنگ سرد به جهانی نوین و هم پیوند با سیاست عموم بشری می‌نگرد. اومی‌گوید چنین جهان نوینی به گرایش نوین، مبتنی بر "انسان گرایی خردمندانه" نیازمند است. گرایش نوینی که در آن الهیت مسایل عموم بشری بر "تعالی گرایی ملی" پذیرفته می‌شود و مشکلات بین‌المللی قبل از آن که هم چون مقابله جویی‌های سیاسی تلقی شوند، به مثابه "مسائل انسان" در نظر گرفته می‌شوند. اومی‌گوید قالب‌های سنتی در سیاست خارجی باید در هم شکسته شوند.

برژینسکی "صیوری بسیار" در برخورد با روندهای انقلابی جهان و "حساسیت کمتر" در قبال شوروی را توصیه می‌کند. اومی‌گوید "ما باید برای پیشگیری از گرایش روند‌های گلوبال به سوی هرج و مرج، کوشش بیشتری به عمل آوریم" و کمک کنیم که جهان به سوی "جامعه کشورهای پیشرفته" سمت گیرد.

مسأله عمده در کتاب برژینسکی و نیز سیاست خارجی دولت کارتر، مدرنیزاسیون جهان سوم است. اما وی بجای این که به امر توسعه بین‌المللی از زاویه منافع ملی آمریکا بنگرد، تعبیر معاصر از مفهوم پیشرفت، یعنی همان تحولات غربی به جامانده از عصر روشنگری را الگو قرار می‌دهد. در این گونه نگرش به تاریخ، "کندرسه"، "کومته"، "هگل"، "مارکس" و "وبر" همه خدمت گزاران ایده‌مدرنیت شناخته می‌شوند.

گرچه گاهی اوقات در اندیشه مدرنیزاسیون چیزهای مفید و مؤثر برای علوم اجتماعی یافت می‌شود، اما با توجه به کاستی‌های آن به مثابه وسیله تحلیل رویدادها، این اندیشه چارچوب مناسبی برای تدوین سیاست خارجی نیست. اثر اصلی کاربست این ایده در سیاست تقویت این فکر است که گویا رویدادها تبارز عمل‌کرد نیروهای ژرف و غیر قابل کنترل تاریخ‌اند و هر دولت تنها می‌تواند به مثابه مامای تاریخ، به حرکت رویدادها در راستای همان سمتی که دارند، کمک کند.

این چشم‌انداز از سیر رویدادها، معاصر خوش بینانه است زیرا که برای بشریت پیشرفتی پیوسته را پیش بینی می‌کند. این چشم‌انداز قدرگرایانه است چرا که رویدادها را حاصل روند‌هایی می‌بیند که مشخص و سبب است‌ها تأثیرنا چیزی بر آن‌ها دارند، معنویت گراست چون فکری‌کند تاریخ و سیاست آمریکا را فرجامی معنوی (اخلاقی) در پیش است، جهان وطنی است چرا که به جهان‌نه‌از زاویه منافع آمریکا که از زاویه مدرنیته کردن ملت‌ها و از زاویه "فرجام" تاریخ نگاه می‌کند. این طرز فکر مفهوم مدرنیزاسیون، مفهوم انقلاب و معنای سیاست آمریکا، هر سه را در هم آمیخته و آن‌ها را یک چیز معرفی می‌کند.

این ایده که "نیروها" و نه مردمان رویدادها را شکل می‌دهند، هر بار که سخنگوی دولت در توضیح مبنای سیاست دولت لب به سخن می‌گشاید تکرار می‌شود. رئیس جمهور به ما اطمینان می‌دهد: انقلاب ایران حاصل عمل‌کرد عوامل اقتصادی، مذهبی، سیاسی و اجتماعی عمیقی است که در طی تاریخ خود ایران نمود یافته‌اند.

یا "آنتونی لیک" رئیس بخش سیاست گذاری وزارت خارجه می‌گوید: زمان تغییر در آفریقای جنوبی هم فرا خواهد رسید. رفاه مردم آن دیار و منافع آمریکا با چگونگی راهی که این تغییر طی می‌کند عمیقاً گره خورده است. مسأله اصلی این است که این تغییر صلح آمیز است یا نه؟ برژینسکی مسأله را با زهم روشن تر طرح می‌کند. او می‌گوید: "... تمام کشورهای در حال توسعه از شمال شرق آسیا گرفته تا جنوب آفریقا همه در جستجوی اشکال قابل اتکای حکومتی هستند که قادر به هدایت روند

وجدان عمیقاً جریحه دار شده انسانی

روزده دسامبر (۱۹ آذر) روز جهانی حقوق بشر شناخته شده است. در ده دسامبر ۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، منشور جهانی حقوق بشر را به تصویب رساند. در این منشور آزادی‌های بنیادین حقوق ذاتی و خدشه‌ناپذیر هر انسان به رسمیت شناخته شده و حکومت‌ها به رعایت آن ملزم شناخته شده‌اند. برخی از این حقوق عبارتند از:

آزادی عقیده و بیان، آزادی مذهب و وجدان، برابری در برابر قانون، آزادی اجتماعات و انجمن‌ها و حق مشارکت یا عدم مشارکت هر فرد در آنها، حق انتخاب محل سکونت، حق کار و حق انتخاب آزادانه شغل، حق برخورداری از امنیت، حق پناهندگی بخاطر تحت پیگرد بودن و ...

اکنون ۴۶ سال از تصویب منشور حقوق بشر می‌گذرد. طی این مدت درنگ‌های عمومی و کلی، جهان گام‌های جدی و بلند در رعایت حقوق بشر به پیش برداشته است. سیر فزاینده افزایش اعتبار انانگرای و رعایت حقوق بشر به درجات گوناگون در مناطق مختلف قابل تشخیص است.

اما با تأسف باید گفت در بسیاری از نقاط جهان از جمله کشور ما وضعیت حقوق بشر مصداق بارز جمله‌ای است که در سرلوحه منشور قید شده است: "بی احترامی به حقوق بشر و خدشه دار کردن آن به وحشی‌گری‌هایی منجر

شده که وجدان انسانی را عمیقاً جریحه دار ساخته است. با وجود سیر روبه‌تعالی رعایت حقوق بشر در مقیاسی تاریخی و در سطح جهان پایمال کردن حقوق بشر تا حد بروز دامن‌شانه‌ترین اشکال وحشی‌گری آنچنان گسترده است و حقوق بشر در مناطقی از جهان آنچنان خشن پایمال می‌شود که خواست ضرورت دخالت جامعه بین‌المللی و اعمال فشار بر رژیم‌های مستبد به خواست عموم مردم این کشورها تبدیل شده است. این خواست بر حق برای واقعیت تا کید دارد که مردم، در تملک حکومت‌های خود کامه کشور خود نیستند و مجامع و سازمان‌های بین‌المللی در مقابل وضعیت حقوق بشر در کشورها دارای مسئولیت هستند. این خواست تنها به دلیل بیم سوءاستفاده قدرت‌های بزرگ، ظنین و وسیع نیافته است زیرا این هراس وجود دارد که رعایت حقوق بشر دستاویز جهان شمال در تحمیل اراده خود به کشورهای جنوب قرار گیرد. امری که نمونه‌های فراوانی از آن دیده شده است.

در آ که ایران مانیز از جمله مناطق و از اعداد بدترین کشورهایی است که پایمال کردن حقوق بشر، وجدان انسانی را عمیقاً جریحه دار ساخته است. باردیگر عرصه‌های آزادی‌های مصرحه در منشور حقوق بشر را مرور کنید، در هیچ مورد نیست که حقوق انسانی مردم

ما با گستاخی و وحشی‌گری بی‌حد پایمال نشده باشد: آزادی عقیده و بیان، آزادی مذهب و وجدان، برابری در برابر قانون و حق ...

بزحمت کشوری در جهان را می‌توان یافت که مقابله با شئون و حقوق انسانی تا حد ایدئولوژی حکومتی ارتقا یافته باشد. در ایران ما، جمهوری اسلامی تحت عنوان خداگرایی، حقوق اسلامی و حقوق بشر از دیدگاه اسلام، ستایش انسان و حرمت و شأن خدشه‌ناپذیر انسانی را اینچنین مورد حمله قرار می‌دهد و محکوم می‌کند و زشت‌ترین حملات را در حق آزادخواهان و مدافعین حقوق بشر روا می‌دارد.

۱۳۴ تن از اهل قلم ایران، آزادی بیان و اندیشه و تشکل صنفی خود را خواستار می‌شوند، اما در مقابل این خواست ابتدایی و حق بدیهی، نویسندگان با اعمال انواع فشارهای ماموران پنهان و آشکار رژیم مواجه می‌شوند و تمام نشریات و تریبون‌های تبلیغی دولتی ایران صحنه بی‌شرمانه‌ترین و شدیدترین اتهامات و تبلیغات علیه نویسندگان می‌گردد.

سعیدی سیرجانی نویسنده نامدار کشور بخاطر بگردش در آوردن قلم علیه استبداد مذهبی به زندان افکنده می‌شود، زیر شکنجه‌های روحی و جسمی قرار داده می‌شود و سرانجام بکام مرگ فرستاده می‌شود.

رویدادهای روزهای گذشته در ایران آینه تمام‌نمای وضعیت حقوق بشر در کشور ما است.

نامه دیگری از عباس امیرانتظام

من یک قربانی این دستگاه قضایی مخوفم

شوند. با این حال، آقای گالیندوبل موفق شد در زندان جدید به ملاقات من بیاید و من او را هم در جریان وضعیت خود و هم در جریان شرایط عمومی اسارت سایر زندانیان سیاسی گذاشتم. مرا به علت گفتن این حقایق به گالیندوبل، به شدت مجازات کردند. در آن زمان من از پارگی پرده گوش و عفونت گوش رنج می‌بردم اما مقامات زندان اجازه استفاده از خدمات پزشکی را به من ندادند.

در طول سه سال و نیم پس از بازداشت، به من حتی یک ملاقات هم ندادند. سپس مقررات ملاقات کمی سست تر شد اما هیچگاه طوری نشده است که بتوان روی آن حساب کرد. در حال حاضر، من اجازه دارم هر دو هفته یکبار در حضور یک نماینده دادستان ملاقات داشته باشم، اما نگهبانان زندان، اغلب این دیدارهای محدود و کنترل شده را برای مجازات یا ضربه زدن با من قطع می‌کنند. شرایط حبس من هر روز غیرقابل تحمل‌تر می‌شود. من از سوء تغذیه رنج می‌برم اما به من اجازه دریافت غذا از بیرون را نمی‌دهند. همچنین به بیماری‌های مختلفی مبتلا هستم اما اجازه ندارم به خرج خودم دارو بگیرم یا مورد مداوا قرار بگیرم.

ما یلم تکرار کنیم که ما جرایم من تنها نمونه‌ای از رفتاری است که در این کشوری قانون با کسانی دارند که دست به مخالفت مسالمت‌آمیز زده‌اند. از این رو لازم است که جامعه بین‌المللی، توجه خود را محدود به موارد خاص نکند. وضعیت آزاردهنده حقوق بشر در ایران باید در کلیت آن افشا شود.

من، یک قربانی این دستگاه قضایی مخوف و نمونه‌ای از اینکه در جمهوری اسلامی با مخالفت مسالمت‌آمیز چگونه برخورد می‌کنند.

اساس اتهامات رژیم به مخالفان سیاسی راسفسته، گوشه و کنایه، استدلال‌های سطحی، گفته‌های بیمارگونه، دروغ و تئوری‌های توطئه تشکیل می‌دهد. مرا متهم کردند که در دیدارهای رسمی که به عنوان معاون نخست‌وزیر ایران با دیپلمات‌های آمریکایی داشتم، به کشور خود خیانت کرده‌ام.

رژیم اسلامی هیچ الزامی به رعایت قوانین خود نمی‌بیند. اعمال شکنجه، نمونه فاحشی از این خوار شمردن قانون است.

من شخصاً در طول اسارت خود مورد انواع شکنجه قرار گرفته‌ام. بازجویان، بارها مرا مورد ضرب و شتم قرار دادند. من و گروهی دیگر از زندانیان، به مدت دو سال و نیم در یک سلول بی‌بهره یک مترو نیم در دو مترو نیم نگهداری می‌شدیم. به ما در روز فقط سه بار اجازه استفاده از توالت را می‌دادند. هر کدام از ما برای استحمام هفتگی تنها دو دقیقه وقت داشتیم. به من چند بار گفتند که به زودی اعدام می‌شوم و باید وصیت‌نامه بنویسم. در اوت ۱۹۹۲ به من ماده‌ای تزریق کردند که بر اثر آن تا هفته‌ها احساس ضعف و تهوع داشتم. هنگامی که در سال ۱۹۹۲، رینالدو گالیندوبل نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل برای بازرسی از وضعیت حقوق بشر در کشور به ایران آمد، همه زندانیان سیاسی بند ما به جای دیگری منتقل

ادامه از صفحه ۱

سرنوشت شخص من، نمونه‌ای است از آنچه تعداد بی‌شمار دیگری از کسانی که به طور مسالمت‌آمیز دست به مخالفت زده‌اند، در طول ۱۵ سال اخیر در ایران تجربه کرده‌اند. به من اتهامات ناروا زدند و سپس در دادگاهی محکوم شدم که هیچ علاقه‌ای به حقانیت و قانونیت از خود نشان نداد.

از هنگام برقراری استبداد مذهبی در ایران، هزاران نفر از شهروندان بیگناه دستگیر و به اعدام یا زندان طویل‌مدت محکوم شده‌اند. یک زندانی به طور متوسط باید ماه‌ها یا سال‌ها منتظر رسیدگی به پرونده خود بماند. متهمان، حق استفاده از وکیل یا محاکمه شدن در حضور هیأت منصفه را ندارند. من در تمام طول اسارت خود، هرگز یک زندانی عقیدتی را ندیده‌ام که مدت زیادی قبل از حضور در دادگاه را در زندان نگذرانده باشد. و این مدت انتظار، به عنوان بخشی از مدت محکومیت احتمالی به حساب نمی‌آید. تا هنگامی که به من گفتند چرا با ما داشتیم کرده‌اند، من ۱۵ ماه را در زندان گذراندم.

هنرمندان، نویسندگان و شخصیت‌های سیاسی مخالف، به ویژه آنهایی که پیرو عقاید غیرمذهبی‌اند، اغلب به عنوان ماموران اجنبی محکوم می‌شوند یا مورد حمله قرار می‌گیرند. چنین اتهاماتی صرفاً بدین خاطر که از سوی مقامات رسمی و رسانه‌های گروهی متعلق به دولت پراکنده می‌شوند، نیازی به اثبات ندارند.

ایالات متحده، انقلاب ایران و رویارویی دو اندیشه

مدرنیزا میون باشد.

در این طرز فکر روند مدرنیته کردن به انگیزه‌ها و مقاصد مشخص واقعی کمتر مربوط است. در این دیدگاه، این "نیروها" و نه مردمان هستند که باید به حساب آیند. دید غیرسیاسی و جبرگرای دولت کارتر پیرامون رویدادهای معاصر، جرات برخورد فعال را از آمریکا بازمی‌ستاند و به انفعال آن دامن می‌زند. ناتوانی آمریکا در تأثیرگذاری بر رویدادهای ایران ترجیح بند تمام نغمه‌های رئیس‌جمهور شده است:

... همه کسانی که می‌گویند آمریکا می‌توانست و یا می‌بایست مستقیماً در انقلاب ایران مداخله می‌کرد، در ارزیابی از واقعیت‌های ایران دچار اشتباهند. ... ما تا حد معینی گوشتیدیم برای دولت بختیار حمایت مردمی جلب کنیم. ... این که شاه جقدر در خارج خواهد ماند به تصمیم ما ربطی ندارد. رویدادهای آتی و تصمیم خود او تعیین کننده است. ... هیچ کس نمی‌تواند همه رویدادهای آتی را پیش‌بینی کند. حتی اگر ما همه چیز را هم در ایران و دیگر جاها پیش‌بینی کنیم، توانایی ما برای تعیین رویدادهای بسیار محدود است. ...

سایروس ونس وزیر خارجه می‌گوید: مطمئناً هیچ گونه تمایل و امکانی برای قشون کشی به ایران و یا هر کشور دیگری برای تأثیرگذاری بر حاصل رویدادهای آن در سر نداریم. ما این کار را یک بار در ویتنام آزموده‌ایم.

تعهد آمریکا به "تغییر" مجرد، به همراهی با موکلین شوروی و با افراطیون غیرمسئولی چون آیت‌الله خمینی و یا در نهایت با یا سرعفات منجر می‌شود.

اصولی چون احترام به حق تعیین سرنوشت و عدم مداخله در سیاست دولت فعلی حالتی گزینشی یافته است. به نظر می‌رسد ما وضعیت موجود کشورهای کمونیستی را تحت عنوان "قبول تنوع و حق حاکمیت ملی پذیرفته‌ایم، اما در کشورهایی که دیکتاتوری دست‌راستی بر آن‌ها حاکم است "تغییر" را توصیه می‌کنیم. مثلاً برزیل در مورد چین می‌گوید: "ما می‌پذیریم که ما و چین دو سیستم ایدئولوژیک، اقتصادی و سیاسی متفاوت داریم. ... ما نه می‌خواهیم و نه امیدواریم که از طریق بسط تماس‌ها بتوانیم چین را با الگوی آمریکایی تطبیق دهیم."

اما وقتی نوبت مثلاً به آفریقای جنوبی می‌رسد، گفته می‌شود:

... ما این حقیقت را به آفریقای جنوبی گوشزد کرده‌ایم که اگر این کشور گام‌های مهمی در جهت برابری نژادی برندارد، روابط آن کشور با جامعه بین‌المللی، به شمول آمریکا، روبرو خواهد شد. ...

چیز غریبی است، چگونه دولتی که مدعی است آرزو دارد مردم خودشان سرنوشت خود را تعیین کنند، برای اصلاحات در آفریقای جنوبی، زئیر، نیکاراگوئه، السالوادور و غیره با فشار می‌کند، اما در کامپوچیا و ویتنام سیاست خود را عدم مداخله اعلام می‌کند؟

دکترین کارتر در مورد منافع ملی و مدرنیته‌اسیون مشوق حمایت از هر نوع "تغییر" است که تحت عنوان "مردم" و قطع نظر از سیمای مارکسیستی و ضد آمریکایی آن رخ دهد. هر گونه شک و تردید درباره این که آیا آمریکا باید از دوستان امتحان پس داده "خود، مثل شاه یا رودزویا زیمبابوه، به هنگام درگیری آنان با مخالفانی که ما را تحقیر می‌کنند، حمایت کند نظریه عرصه وسیع مناسبات ما بیپوده است.

علیرغم این دولت کارتر از یک سودر فکر "عادی سازی" مناسبات با ویتنام، کوبا و چین است و از طرف دیگر در جهت سردتر کردن مناسبات با کره جنوبی، آفریقای جنوبی، نیکاراگوئه، فیلیپین و دیگر جاها گام برداشته است.

مطمئناً نه رئیس‌جمهور، نه سایروس ونس و نه برزیل‌سکی هیچ کدام طالب بسط سریع رژیم‌های مورد حمایت شوروی نیستند. اما هر سه آن‌ها مشتاقانه کار بی ثبات کردن رژیم‌های استبدادی دوست و یا بی‌طرف نسبت به منافع آمریکا را دنبال می‌کنند، بی آن که توجه داشته باشند این کار ممکن است به استقرار رژیم‌های توتالیتر ارتجاعی تئوکراتیک و یا استبدادهای طرفدار شوروی منجر گردد و یا از آن‌ها هم بدتر از همه آدم کش‌های فنانیک نوع "بول پوت" را روی کار آورد.

سیاست خارجی آمریکا از نشاندن حسن نیت رنجور نیست. این دولت از تشخیص تفاوت‌های ماهوی میان رژیم‌های استبدادی انقلابی با سنتی و روابط هر یک با منافع آمریکا در مانده است. هر قدر هشیار با حسن نیت با فاکت‌های بسیاری می‌تواند دریا بد که رژیم‌های خود کامه سنتی از رژیم‌های انقلابی هم کمتر سرکوب گردند و هم بیشتر تغییرپذیر و پویا و قابل لیبرالیزه کردن. آن دو تفاوت‌های سیستماتیک با هم دارند: سنتی‌ها نابرابری اجتماعی،

به پیش! فراتر از مک کارتی

شعار هوادارن سرهنگ الیور نورث در مینتینگ‌های مبارزات انتخاباتی سنای آمریکا که اخیراً بر گزار شد چنین بود: به پیش اولی! فراتر از مک کارتی. اما گرچه الیور نورث علیرغم خرج کردن ۱۸ میلیون دلار در برابر کاندیدای دموکرات شکست خورد و به سنای راه یافت، اما فکر ویلا تفرم او - به رای اقلیت آمریکا تیان در کنگره و سنا پیروز شد. اکثریت مردم اصلاً در انتخابات شرکت نکردند.

شکست نورث دو دلیل عمده داشت: اولاً اتحاد به‌های کارگری - که به علت دل‌سردی از کلیتون در جاهای دیگر برای حمایت از کاندیداهای دموکرات رغبتی نشان ندادند - پول زیادی برای رقیب دموکرات نورث خرج کردند. صراحت لجهج نورث دلیل دیگر شکست او بود. او هم پشتیبانان سرسخت و هم مخالفین سرسخت بسیار داشت. ما یک اسمیت یکی از حامیان سرسخت نورث می‌گوید: "بدر من فکر می‌کرد هیچگاه نباید لیبرال باشد. سناتور مک کارتی را بدنام کردند. اما به نظر من او به حد کافی جلوتر رفت. او خیلی‌ها را کمونیست نمی‌دانست. سوسیالیست‌ها را هم باید زیر پرچم شیطان حساب کرد. کنگره پر از خائنینی است که به "چپ" چشمک می‌زنند. "چپ‌ها" سبک توله‌های کلیتون‌ست. اما ما پاسداران خانواده‌ایم."

نورث ده سال پیش، نه پول داشت و نه شهرت. اما در ۸۷ وقتی دادگاه او را طی عروزمحا که به دلیل نقش در افتضاح ایران - کنترا به عماره حبس محکوم کرد و این جریان از تلویزیون‌های آمریکا پخش شد او به یک قهرمان راست افراطی تبدیل شد و میلیون‌ها دلار مک بسویان سرازیر گردید. او اکنون سرپرست یک کارخانه سازنده جلیقه ضد گلوله است اما درآمد اصلی او از آنجا نیست. "ائتلاف مسیحی" که سفید پوستان متعصب و بنیادگرای شرق آمریکا را گرد هم آورده پشتیبان اصلی نورث و امثال اوست.

پلاتفرم نورث پلاتفرم همه محافظه کاران آمریکاست. "پلاتفرمی است که آنها آن را برای انتخابات ۱۹۹۶ ریاست جمهوری تدارک دیده‌اند. ترجیح بند این پلاتفرم که تحت عنوان "خانواده خوشبخت" تبلیغ می‌شود دفاع از خانواده و ارزش‌های آن است. تبلیغ نماز و رفتن به کلیسا در صدر وظایف قرار داده شده. برنامه آنها برنامه ایست ضد تأمین اجتماعی، ضد هر نوع "رفاه همگانی"، ضد مادران ازدواج نکرده، ضد سقط جنین، ضد آموزش جنسی، ضد همجنس‌بازی و با لاخره ضد رسانه‌های همگانی بخصوص مطبوعات لیبرال. شعار اصلی آنها اینست: دین از سیاست جدا نیست.

دسته از رهبران انقلابی که ایالات متحده را شلاق قرن بیستم، دشمن خلق‌های آزادی خواه، مروج امپریالیسم نژادپرست، استعمارگر، مردم کش و جنگ طلب معرفی می‌کنند نمی‌توانند دموکرات‌هایی تمام عیار و یا دوستانی ملایم شناخته شوند. آنان که خود را دشمن ما معرفی می‌کنند، باید دشمن شناخته شوند.

به این دلایل حالت خود کوبی و معذرت خواهانه ما در برابر جهان سوم به لحاظ اخلاقی غیر ضروری به لحاظ سیاسی غیر قابل قبول است. ادامه حمایت از دشمنان ایالات متحده نه لازم است و نه مفید. علاوه بر این نه ضروری و نه مفید است که رهبران ما کاربرد نیروی نظامی در برابر نیروی نظامی را بی‌قید و شرط کنار بگذارند، ایده آل لیبرالی‌نیازی ندارد با ما زوخم هم‌بند و با دفاع از آزادی و منافع ملی ما هم‌بند تلقی شود.

بیرحمی و فخر تحمل می‌کنند. اما انقلابی‌ها خود آن‌ها را به وجود می‌آورند. خود کامگان معمولی به ثروت، به قدرت و موقعتیت اشخاص کاری ندارند، آن‌ها خداشناس هستند و حرمت تابوهای سنتی را حفظ می‌کنند. آنها ریتیم عادی کار و استراحت مردم را مختل نمی‌کنند، آن‌ها در تعیین محل سکونت مردم مداخله نمی‌کنند و به الگوری خانواده و روابط شخصی کاری ندارند. آن‌ها آواره تولید نمی‌کنند.

منشی ایالات متحده می‌تواند پروسه لیبرالیزه شدن و مدرنیته شدن در این جوامع را تدریجاً تقویت کند. مشروط به این که این کار با تهاجم نیروهای رادیکال برای براندازی هم زمان نشود و نخواهد یک شبه دموکراسی کامل را در آنجا مستقر کند.

تشخیص نیروهای دموکرات از دیکتاتور، گرچه همیشه خیلی ساده نیست، اما خیلی هم دشوار نیست. آن

بخش "جهان" و "دیدگاه‌ها" را تقویت کنید!

دوستان گرامی نشریه "کار" مدتی است نشریه "کار" را مطالعه کرده و با مطالب و مقالات متعدد آن آشنا شده‌ام. مقالات و گزارش‌ها در صفحات نشریه عبارتند از: اخبار و گزارش‌ها، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگ و هنر، دیدگاه‌ها، جهان. تقریباً در تمامی شماره‌های نشریه مطالبی در این رابطه درج شده‌اند. صرف نظر از تنوع مطالب، انعکاس رویدادها و گزارش‌ها می‌تواند مفید واقع شود، به شرطی که تحلیل همه جانبه‌ای از این رویدادها در رابطه با ایران و جهان به همراه بیاید.

به دید من بخش دیدگاه‌ها و جهان با اهمیت تر از دیگر بخش‌ها هستند. در صفحه دیدگاه‌ها نظرات گوناگون مورد ارزیابی قرار می‌گیرند و مهمترین مسأله جنبش آزادی‌های مختلف تجزیه و تحلیل می‌گردد.

هم چنین در صفحه جهان رویدادها و حوادث جهانی انعکاس می‌یابند. از آنجا که هر روز در گوشه‌ای از جهان رویدادهای تازه‌ای شکل می‌گیرند، تجزیه و تحلیل و بررسی آن‌ها اهمیت زیادی دارد. به نظر من این دو بخش را باید بیشتر تقویت نمود. صفحات دیدگاه‌ها را باید به نظرات مختلف اختصاص داد. در مطالب این صفحه باید از مجموعه نشریات اپوزیسیون بهره برداری نمود. انتقاد به مواضع سازمان‌ها و احزاب لازم است، اما باید شیوه انتقاد کردن را همواره مد نظر قرار داد، به ویژه در شرایط حساس کنونی. به نظر من بخش جهان تنها به رویدادهایی اختصاص می‌یابد که جنبه خبری دارند و نه تحلیلی. به طور مثال در آخرین شماره "کار" در رابطه با اوضاع عراق مطالبی که در صفحه آخر نشریه آمده صرفاً جنبه خبری دارد. تنها در آخر مطلب به طور مختصر از خیرها نتیجه گیری شده است. یا اعزام نیروهای آمریکایی به هائیتی که در شماره قبل آمده بود، در آنجا هم صرفاً انعکاس خبری بود. خوب است که رویدادها را به شکل تفسیری درج نمود. تقریباً اکثر خواننده‌های "کار" روزانه در جریان رویدادها قرار می‌گیرند. زیرا گستردگی رسانه‌های گروهی مانند تلویزیون برادبو، نقش مهمی در این رابطه دارند و خیلی زود تر از نشریات رویدادها را انعکاس می‌دهند. بنابراین این برای خوانندگان نشریات جالب است بدانند علت بروز رویدادها و حوادث کدامند و تحلیل سازمان‌ها از آن‌ها چیست؟

علی ۲۸ مهر ماه ۱۳۷۳

توزیع نشریه را سرو سامان دهید!

در کنار این باید دقت بیشتری در کار توزیع و پخش نشریه کرد که خود امر مهمی در تبلیغات می‌باشد. سری به مرکز پخش نشریات در مغازه‌های ایرانی و... بزنید. نشریه فقط به صورت پستی برای آن‌ها ارسال می‌شود و هیچ گونه کنترلی از لحاظ چگونگی توزیع آن وجود ندارد، منظور من نه کنترل فروشنده، بلکه پخش کننده اصلی می‌باشد. نشریه‌های قدیمی که حتی تاریخ دو سال پیش را دارند بویه علت تاخیر نور خورشید تغییر رنگ داده‌اند، جمع آوری نمی‌شود و کنترلی جهت جمع کردن آن‌ها و تسویه حساب مالی، که خود کمی به سازمان می‌باشد، نمی‌گردد و شاید هم این شماره‌های نشریه در آرتیو خود نشریه و یا سازمان مورد نیاز باشند. در کنار این جنبه‌های منفی باید این موضوع مهم را در نظر گرفت که این منظره هیچ تأثیر خوبی بر مراجع کنندگان به این مکان‌ها نمی‌گذارد. خواهشمندم این موضوع را به عنوان یک تذکره دلسوزانه مورد نظر داشته باشید و بی‌گیری نمایید.

نکته دیگر این که مراکز فروش را در شهرهای مختلف فعال تر کنید. چرا "کار" باید فقط در یک کتاب فروشی ایرانی فروخته شود؟ نشریه را در فروشگاه‌های مختلف و در مراکز

در مدتی که نشریه "کار" را در شهرهای مختلف از جمله در دو سال اخیر در شهر آخن تهیه می‌کنم، نارسانایی‌ها بی‌را مشاهده کرده‌ام، که باعث نوشتن این نامه شد. چاپ یک نشریه با مشکلات بسیاری همراه است، آن هم بولتن یک سازمان، بدون آگهی و داشتن پشتوانه مالی قوی در خارج از کشور. و همگان از این موضوع آگاهند. ولی

بعد از مدتی وقفه در مطالعه نسبتاً منظم نشریه کار، شماره ۹۱ بدستم رسید. تغییر فضایی در نشریه دیدم که مناسب دانستم این چند کلمه را برایتان بنویسم؛ حرکتی از سطح به عمق در نشریه کار. منظور من حضور

موازد زیر در نشریه است: به موازات چاپ مقاله تحقیقی "بحران جمعیت در ایران" که امروزه یکی از معضلات اساسی جوانان پیرامونی است و رشد و توسعه این جوامع - اگر قرار است انجام بگیرد - رابطه مستقیم با این معضل دارد، ما شاهد گزارش گونه‌ای هستیم بنام "بنیاد گریبان مذهبی علیه کنترل جمعیت" حتی نیاز به نگرش عمیقی نیست تا بتوان متوجه شد که چگونه پاپ و شیخ، عقب ماندگی فرهنگی و مناسبات اجتماعی روستایی - عشیره‌ای بر مبنای اقتصاد مصرفی و مقلدانه تولیدی چه بلائی را برای سران این گونه جوامع می‌آورند. و ترجمه مصاحبه‌ای با خانم سعادت‌آوی تحت عنوان "ما در یک زورق نشسته‌ایم" خود بیشتر موید این مطلب است و همچنین ترفندهای جوامع غربی برای سوء استفاده از بنیادگرایی مذهبی. مقاله نسبتاً تحقیقی تحت عنوان "چرخش در ذهنیت و توقعات هنری جامعه" که از رونق چشمگیر رمانها و ملودرامهای بی‌مایه عشقی و پلیسی می‌گوید - نمی‌دانم چرا نام

حرکتی از سطح به عمق

نویسنده معلوم نیست؟ - که باز موضوع بر می‌گردد به شناخت اجتماع و مناسبات فرهنگی حاکم بر آن. حضور این‌ها در نشریه کار می‌تواند موید آن باشد که گردانندگان نشریه قصد دارند خوانندگان خود را متوجه مسائل اصلی و بنیانی جامعه کنند و به زبانی دیگر خواننده نشریه کار که می‌بایست عمدتاً از اعضا یا هواداران سابق و کنونی سازمان اکثریت باشند می‌بایست که بعنوان یک "فدائی" حال و هوا سابق نگرش خود را از مسائل خبری و هیجانی و سطحی به مسائل اصلی جامعه سوق دهد.

اگر تاکید کنیم که رشد جمعیت، تولیدی نبودن جوامع پیرامونی، کمبود آب، عدم حضور

فعال صنعت در جامعه و مهاجرت هر روزه از روستا به شهر و حتی روستایی شدن شهرها و دیگر معضلات بطنی جامعه با شناخت هر چه بیشتر است که قادر به تحلیل رفتن و از بین رفتن است و مقولات دموکراسی و عدالت و غیره هم با شناخت واقعی و عمیق اجتماعی است که مفهوم می‌یابد. می‌بایست که این روند را در نشریه کار به فال نیک گرفت. امیدوارم که این شماره ۹۱ یک حادثه نبوده باشد و روندی باشد برای هر چه جامع تر شدن نشریه. جا دارد که از چاپ "بررسی فلسفه سیاسی شریعتی" از آقای امیر برادری احساس خوشحالی خود را عنوان کنم. بررسی چنین مقوله‌هایی نیاز مبرم شناخت جامعه ایران است.

رفت و آمد ایرانیان عرضه کنید. به عنوان نمونه در بخش روزنامه کتابخانه‌های شهر، غذاخوری‌ها و سایر مراکز دانشگاهی و دانشجویی، مرکز تجمع ایرانی‌ها در خانه‌های فرهنگی خارجیان... م. بهرنگ

"کار": آن چه این خواننده دلسوز نوشته است احتیاج به توضیح بیشتری ندارد. این دوست گرامی از ما خواسته بود که نامه او را چاپ نکنیم، اما علیرغم این درخواست، این قسمت نامه را که به مسأله بسیار مهمی اشاره کرده است به دست چاپ سپردیم و امیدواریم که فعالین و دوستداران سازمان به توصیه‌های این دوست عزیز توجه کنند و موضوع توزیع نشریه "کار" پیدا کردن مراکز فروش تازه، و آرایه مناسب نشریه را در این مراکز به عنوان یک کار جدی بی‌گیری کنند.

تسهیل امر تهیه نشریه، مراکز فروش در شهرها و کشورهای مختلف را در هر شماره خود به چاپ برساند و در همین فرصت از همه مسئولین و علاقمندان می‌خواهیم که آدرس مراکز فروش "کار" را برای ما ارسال کنند.

تسهیل امر تهیه نشریه، مراکز فروش در شهرها و کشورهای مختلف را در هر شماره خود به چاپ برساند و در همین فرصت از همه مسئولین و علاقمندان می‌خواهیم که آدرس مراکز فروش "کار" را برای ما ارسال کنند.

فعال صنعت در جامعه و مهاجرت هر روزه از روستا به شهر و حتی روستایی شدن شهرها و دیگر معضلات بطنی جامعه با شناخت هر چه بیشتر است که قادر به تحلیل رفتن و از بین رفتن است و مقولات دموکراسی و عدالت و غیره هم با شناخت واقعی و عمیق اجتماعی است که مفهوم می‌یابد. می‌بایست که این روند را در نشریه کار به فال نیک گرفت. امیدوارم که این شماره ۹۱ یک حادثه نبوده باشد و روندی باشد برای هر چه جامع تر شدن نشریه. جا دارد که از چاپ "بررسی فلسفه سیاسی شریعتی" از آقای امیر برادری احساس خوشحالی خود را عنوان کنم. بررسی چنین مقوله‌هایی نیاز مبرم شناخت جامعه ایران است.

فعال صنعت در جامعه و مهاجرت هر روزه از روستا به شهر و حتی روستایی شدن شهرها و دیگر معضلات بطنی جامعه با شناخت هر چه بیشتر است که قادر به تحلیل رفتن و از بین رفتن است و مقولات دموکراسی و عدالت و غیره هم با شناخت واقعی و عمیق اجتماعی است که مفهوم می‌یابد. می‌بایست که این روند را در نشریه کار به فال نیک گرفت. امیدوارم که این شماره ۹۱ یک حادثه نبوده باشد و روندی باشد برای هر چه جامع تر شدن نشریه. جا دارد که از چاپ "بررسی فلسفه سیاسی شریعتی" از آقای امیر برادری احساس خوشحالی خود را عنوان کنم. بررسی چنین مقوله‌هایی نیاز مبرم شناخت جامعه ایران است.

فعال صنعت در جامعه و مهاجرت هر روزه از روستا به شهر و حتی روستایی شدن شهرها و دیگر معضلات بطنی جامعه با شناخت هر چه بیشتر است که قادر به تحلیل رفتن و از بین رفتن است و مقولات دموکراسی و عدالت و غیره هم با شناخت واقعی و عمیق اجتماعی است که مفهوم می‌یابد. می‌بایست که این روند را در نشریه کار به فال نیک گرفت. امیدوارم که این شماره ۹۱ یک حادثه نبوده باشد و روندی باشد برای هر چه جامع تر شدن نشریه. جا دارد که از چاپ "بررسی فلسفه سیاسی شریعتی" از آقای امیر برادری احساس خوشحالی خود را عنوان کنم. بررسی چنین مقوله‌هایی نیاز مبرم شناخت جامعه ایران است.

فعال صنعت در جامعه و مهاجرت هر روزه از روستا به شهر و حتی روستایی شدن شهرها و دیگر معضلات بطنی جامعه با شناخت هر چه بیشتر است که قادر به تحلیل رفتن و از بین رفتن است و مقولات دموکراسی و عدالت و غیره هم با شناخت واقعی و عمیق اجتماعی است که مفهوم می‌یابد. می‌بایست که این روند را در نشریه کار به فال نیک گرفت. امیدوارم که این شماره ۹۱ یک حادثه نبوده باشد و روندی باشد برای هر چه جامع تر شدن نشریه. جا دارد که از چاپ "بررسی فلسفه سیاسی شریعتی" از آقای امیر برادری احساس خوشحالی خود را عنوان کنم. بررسی چنین مقوله‌هایی نیاز مبرم شناخت جامعه ایران است.

گفتگو

نادر: اگر این طور است، پس باید فاتحه مطبوعات آزاد را خواند.

ناهدید: خیال بافی و مدینه فاضله را باید کنار گذاشت و واقعیات را دید!

نادر: بنا بر این چه محرکی باقی می‌ماند تا باعث بهبود کیفیت نشریه شود؟ منظور این که وقتی نشریه‌ای به کمک داوطلبین عادت کرد، کوشش نمی‌کند در عرصه رقابت، با ارائه کیفیتی مناسب تر موفقیتی به دست آورد.

ناهدید: برای ما درگیر بودن با این تضاد راحت تر است از حرف شنوی از کمپانی‌های رنگارنگ. این هم موضوع ما! روشن شد؟

(۲)

نادر: شنیده‌ای که جلسه سخنرانی با قومونی در بروکسل به آشوب کشیده شد.

ناهدید: این هم جواب خودت که معتقدی ایرانی‌های مقیم خارج آدم‌های بی‌پوشخصیتی هستند.

نادر: بی‌پوشخصیت بودن یک روی سکه است و روی دیگر آن آنتی شدن ناگهانی است.

ناهدید: اما من طرف مثبت قضا یا راه می‌بینم. یعنی مردم ما هنوز برای اعتقاد سیاسی خود آن قدر ارزش قائل هستند که در جهت تبلیغ آن پیه کنک خوردن را به خود بمالند.

نادر: سالی که نکوست از بهارش پیداست.

رضا هانوفر (آلمان)

(۱)

ناهدید: کمک مالی به "کار" یک وظیفه انقلابی است!

نادر: یعنی چه؟ یعنی این که "کار" به جای بالا بردن کیفیت نشریه و راضی کردن خوانندگان و استادان روی پای خودش، بایستی حتماً دست‌گذاشتن به سوی این و آن دراز کند؟

ناهدید: کمک از داوطلبین که گدایی نیست!

نادر: اما باید یک نشریه خوب، آن قدر کیفیت داشته باشد که مردم آن را بخرند. با همین پول باید نشریه بچرخد. فقط در چنین صورتی است که نشریه خود را موظف و ناچار می‌بیند که جواب مردم را بدهد. یعنی چه؟ یعنی این که بهترین کیفیت را عرضه کند!

ناهدید: این می‌شود کاپیتالیزم در عرصه مطبوعات!

نادر: من از این "ایسم" ها بلد نیستم، من حرف حساب می‌زنم.

ناهدید: من هم با حرف حساب یک سوال می‌پوسم: کدام نشریه از راه تک فروشی صرف، آموزش می‌چرخد؟ حداقل این که درصد مهمی از درآمد نشریات از راه تبلیغات است. یکی برای بزن تبلیغ می‌کند، دیگری برای صرافتی نادری، و یکی هم برای چرخ خیاطی سینگر و پودر تاید و یخچال ارج و هزار هزار دیگر با بگذریم از هزار و یک نوع کمک که از کارت‌ها و دولت‌ها به سمت مطبوعات سر به راه سرازیر می‌شود.

کمک مالی

۵۰ مارک
۶۰ مارک

اخگر
گودرز

مشترکین گرامی

هنگام ارسال وجه برای تمدید اشتراک و در نکاتیات خود با "امور مشترکین" حتماً به شماره اشتراک خود اشاره فرمائید. این شماره در برگه مخصوص ارسال نشریه جلوی REF. No چاپ می‌شود. لطفاً دقت کنید که از شماره ۹۶ شماره‌های اشتراک تغییر یافته‌اند و شماره‌های جدید باید مورد استفاده قرار گیرند. هرگونه اصلاح لازم در آدرس خود را به ما اطلاع دهید.

باتشکر. امور مشترکین

مشترکین گرامی، دوستان خواننده!

روزنامه کار درآمدی جزو وجه حاصل از اشتراک و کمک‌های مالی ندارد. تاخیر در پرداخت وجه اشتراک، روزنامه را با دشواری مواجه می‌سازد. خواهشمندیم با ارسال به موقع وجه اشتراک به انتشار منظم و به موقع "کار" یاری رسانید.

علی-هامبورگ

فرم درخواست اشتراک "کار"

اشتراک جدید تمدید اشتراک

مدت اشتراک: شش ماه یکسال

نام: تاریخ:

Name: آدرس:

Address:

فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمبر) به آدرس "کار" پست نمائید.

بهای اشتراک "کار"

اروپا: ششماه ۴۵ مارک

یکسال ۹۰ مارک

سایر کشورها: ششماه ۵۲ مارک

یکسال ۱۰۴ آمارک

GER 3 DM

"کار" ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هر دو هفته یکبار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود.

دارنده حساب: I.G. e.v.

شماره حساب: I.G. e.v. آدرس: 22442032

کد پانک: Postfach 260268 37050198

50515 Köln Stadtparkasse Köln

GERMANY Germany

شماره فکس: Fax: 0049 221 3318290

آمریکای لاتین: شکاف در دو جبهه بزرگ

دو سال پس از پایان جنگ داخلی در السالوادور جبهه فارابوندومارتی دچار انشعاب شواز آن دو جریان پدید آمد که یکی گرایشات سوسیال دمکراتیک دارد و دیگری مواضعی چپ تر از سوسیال دمکراتها را نمایندگی میکند. جبهه ساندینست ها نیز در حال حاضر با اختلافات درونی خود دست و پنجه نرم میکند.

جبهه فارابوندومارتی از همان ابتدا، با گرایشها و مواضع متفاوتی در درون صفوف خود مواجه بوده است، لیکن تا انتخابات آزاد مارس امسال که جبهه نیز در آن شرکت جست و به دومین نیروی سیاسی کشور فراروتید، این گرایشها بروز بیرونی نمی یافتند. اینک اما ویلا لوبولس رهبر یکی از سازمانهای عمده در درون جبهه (ارتش خلق انقلابی - ERP) پایان موجودیت جبهه فارابوندومارتی را رسماً اعلام کرده و با انشعاب از آن در صدد تشکیل یک نیروی سوسیال دمکرات برآمده است. این اقدام به عقیده برخی از ناظران نشانه آن است که احاد نیروهای مختلف در یک جبهه با خط مشی مسلحانه نمی تواند در شکل یک حزب سیاسی هم تداوم یابد.

هنگامی که روز ۱۱ اکتبر ۱۹۸۰ جبهه فارابوندومارتی پدید آمد، صفوف آن از نیروهای تشکیل شده بود که دیدگاههای سیاسی و ایدئولوژیک متفاوتی داشتند. یکی از این نیروها یعنی ERP از جوانان دمکرات مسیحی و جنبش های مستقل دانشجویی بوجود آمده بود و نیروی عمده دیگری یعنی نیروهای آزاد پیش خلق (FPL) انشعابی بود از حزب کمونیست سنتی السالوادور. علاوه بر این دو نیروی اصلی، سه

حزب کوچک دیگر نیز در درون جبهه فعالیت داشتند. در جریان جنگ مسلحانه، ERP حرکت مسلحانه را زمینه سازی قیام مسلحانه عمومی و ضربتی تلقی میکرد در حالی که FPL از آن یک استراتژی دراز مدت و یک جنگ طولانی خلقی را مد نظر داشت. با پایان گرفتن جنگ داخلی ERP دوباره بازگشت به مواضع میانه روانه سوسیال دمکراسی را هدف خود قرارداد، اما FPL تبدیل جبهه به یک حزب چپ دمکراتیک را دنبال می کرد.

این اختلاف در درون جبهه دو سال تداوم یافت، لیکن به بروز انشعاب منجر نشد. اما در آغاز ماه گذشته گسست در صفوف جبهه بالاخره علنی و قطعی گشت.

گروهی از شبه نظامیان وابسته به ارتش السالوادور از اینکه در دوران جنگ بعنوان جاسوس و دست پنهانی ارتش به کار گرفته شده اند و ابائی فاقد هر گونه حقوقی هستند دست به اعتراض زدند و پارلمان را به اشغال خود در آوردند. ویلا لوبولس از ERP نیروهای آزاد پیش خلق را منتهم نمود که همراه با مخالفان دست راستی طرح این اقدام بوده است. به ادعای او افراطیون چپ و راست با دست زدن به چنین اقداماتی قصد ایجاد بی ثباتی در کشور را دارند.

گرسون مارتینز از FPL و رهبر فراکسیون پارلمانی جبهه فارابوندومارتی که خود در زمره گروهانهای نیروهای مهاجم به پارلمان بوده است ویلا لوبولس را به خاطر طرح این اتهامات مغرض و دون پایه نامید. حزب کمونیست السالوادور، نیروی کوچکی در جبهه که بیشتر به FPL گرایش دارد، از

ویلا لوبولس و سازمانش خواست که جبهه را ترک کنند. دیگر نیروهای جبهه یعنی، حزب کمونیست و حزب کارگران انقلابی آمریکای لاتین کماکان راه تبدیل این جبهه به حزب چپ دمکراتیک را ادامه خواهند داد در حالیکه ERP و متحدش در جبهه یعنی جنبش مقاومت ملی به دنبال جایگاه تازه ای در صحنه سیاسی السالوادور و با عبارتی دیگر بر کردن خلا سوسیال دمکراسی در این کشور هستند. اینک بحث و جدل بر سر اینکه کدام نیرو مستحق نامیدن خود به اسم جبهه فارابوندومارتی است جریان دارد.

جبهه ساندینست های نیکاراگوئه نیز وضعیت مشابهی را از سر می گذرانند. این جبهه که از فوریه ۱۹۹۰ در اپوزیسیون قرارداد در عمل با سازمان کوچکی به نام "گروه مرکز" در قبال دولت محافظه کار خانم چارو وریسیاست حمایتگرانه ای را دنبال می کند. این سیاست از ابتدا مورد مخالفت نیروهای چپ جبهه بوده است. برکناری سرخویرا امیرز معاون پیشین دانیل اورتگا از رهبری فراکسیون ساندینست ها در پارلمان کنونی و از رهبری جبهه را می توان جلوه ای از بروز این مخالفت ها به شمار آورد.

"شکاف در صف ساندینستها"

پس از استعفای وزیر فرهنگ اسبق و کنار گذاشتن سرد پیروزنامه ساندینستها شکاف در صف ساندینستها افزایش یافت. به نظر می رسد که با این اقدام کنترل دانیل اورتگا بر جبهه افزایش

نخست وزیر جدید نیپال یک سیاستمدار مارکسیست است



کوچک تر چپ که در پارلمان حضور دارند، تشکیل دهد. نیروی مهم دیگری که در انتخابات اخیر به

حداقل ۱۸ عضو دیگر مجلس را به دست آورد. آینده دولت جدید نیپال، تا حدی بستگی به این دارد که هند، همسایه بزرگ این کشور، و نیز آن دسته از کشورهای غربی که تا کنون به نیپال کمک مالی کرده اند، چه واکنشی در قبال تشکیل دولت جدید خواهند داشت.

دولت جدید نیپال، نخستین دولتی نیست که با شرکت مارکسیست ها تشکیل می شود. UML پس از لغو سلطنت استبدادی در نیپال به همراه حزب کنگره نخستین دولت برآمده از انتخابات دمکراتیک را تشکیل داد. اکنون این امکان بعید است که مارکسیست ها مجدداً با حزب کنگره که در پارلمان جدید، ۸۳ نماینده دارد، ائتلاف کنند. این امر منتفی نیست که آدیکاری، ائتلاف جدیدی با گروه های

مانموهان آدیکاری رهبر اتحادیه مارکسیست - لنینیست نیپال (UML) پس از انتخابات پارلمانی اخیر این کشور به نخست وزیری نیپال برگزیده شد. آدیکاری ۷۳ ساله، ۴۰ سال از عمر خود را در اختفا و ۱۵ سال دیگر را به دستور پادشاه فعلی نیپال که اکنون برای نخستین بار یک سیاستمدار مارکسیست را مأمور تشکیل دولت کرده، در زندان گذرانده است. آدیکاری که تقریباً در سراسر زندگی سیاسی خود بارزیم سلطنتی در نیپال میازره کرده است، اینک اعتقاد دارد زمانی که هیچ حزب سیاسی نیپال در پارلمان این کشور اکثریت ندارد، وجود بیبرندرا پادشاه نیپال برای وساطت بین احزاب لازم است. حزب آدیکاری در انتخابات ماه گذشته نیپال ۸۵ کرسی از ۲۰۵ کرسی مجلس نمایندگان را به دست آورد و به بزرگترین حزب کشور تبدیل شد. این حزب برای تشکیل دولت باید علاوه بر نمایندگان خود، حمایت

یافته و نفوذ معاون او سرخویرا امیرز کاهش پیدا کرده است. پدر روحانی کاردنال کشیش و شاعری که از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۰ وزیر فرهنگ بود در مصاحبه ای گفت: "یک گروه کوچک به رهبری اورتگا رهبری جبهه را از آن خود کرده اند. این جبهه ساندینستها بی نیست که من در آغاز به آن پیوستم، بدین دلیل نیز از آن استعفا می دهم." اورتگا نیز در پاسخ گفت: "داخل و یا خارج شدن از جبهه ساندینستها مطابق خواسته افراد است، نه بر حسب زور."

پس از این مصاحبه بود که کارلوس فرناندو چامورو سردبیر روزنامه باریکاداز از کاربرد کنار شد و به جایش - رهبر چریکهای سابق - لومبر تو کمپل انتصاب شد. سردبیر جدید هوادار دانیل اورتگا است.

توماس پوروخه گفت: بین سردبیر و صاحب روزنامه یعنی جبهه ساندینستها اختلاف بود. بنابراین سردبیر به نفع روزنامه تغییر پیدا کرد.

رامیرز در کنگره ماه مه از رهبری کنار گذارده شد و ماه قبل نیز کرسی خود را در مجلس به اورتگا باخت. اما گروه پارلمانی ساندینست ها نه ارتگا بلکه خانم دونامار تلس را به رهبری خود انتخاب کردند.

اما بنظر می رسد با وجود مشاجرات زیاد، اختلاف کلی در سیاست دو جناح وجود ندارد. رفرمیستها از شکل رهبری اورتگا انتقاد کرده و او را مقصر شکست در انتخابات می دانند. جناح اورتگا مدعی است که نمایندگی مردم فقیر نیکاراگوئه را به عهده دارد، اما هیچکدام از دو جناح سیاست مشخصی را در قبال برنامه اقتصادی لیبرالی دولت کنونی ارایه ندادند.

موفقیت دست یافت، حزب راستی را با راجاتراتا ست که سلطنت طلبان سابق را در صفوف خود متحد کرده است. این حزب، شمار نمایندگان خود را از چهار به ۲۰ رساند.

برنامه آدیکاری به عنوان نخست وزیر جدید نیپال شامل انجام نوع معتدلانه ای از اصلاحات ارضی، کند کردن روند خصوصی کردن اقتصاد نیپال و تجدید نظر در مناسبات بسیار نزدیکی است که نیپال از ۳۰ سال پیش بدین سو با هند دارد.

نخست وزیر جدید نیپال به سرمایه گذاران خارجی اطمینان داده است که دولت وی، از تکرار "خطاهای اتحاد شوروی" و برقراری نابخشدونی سرکوب سیاسی اجتناب خواهد کرد و مناسبات خارجی نیپال را تحت الشعاع ملاحظاتی ایدئولوژیک قرار نخواهد داد. مطبوعات غربی، این جمله را از آدیکاری نقل کرده اند: "ما می دانیم که بدون نظم و تکنولوژی غرب، بدون رقابت و اقتصاد بازار، قادر به ادامه حیات نیستیم."

خبرهای کوتاه از سراسر جهان

کنگره آمریکا معاهده گات را تصویب کرد

دو مجلس نمایندگان و سنای آمریکا در آستانه پایان صد و سومین دوره قانونگذاری، با تصویب معاهده عمومی تجارت و گمرک (گات) کمک بزرگی به کلینتون رئیس جمهور این کشور کردند. بسیاری از جمهوریخواهان نیز که در کنگره آینده آمریکا اکثریت خواهند داشت، در یکی از آخرین رأی گیری های صد و سومین کنگره، به قرارداد گات و تشکیل سازمان تجارت جهانی (WTO) رأی مثبت دادند. در آمریکا طیف وسیعی از نیروها، از سندیکاها و گروه های طرفدار محیط زیست گرفته تا راست های افراطی، با قرارداد گات مخالفتند. در مقابل، دولت آمریکا می گوید این کشور برای رونق اقتصاد خود، به تجارت آزاد جهانی که با قرارداد گات راه آن گشوده می شود، نیاز دارد. کلینتون در قبال موافقت جمهوریخواهان با قرارداد گات، اعلام کرد که بودجه نظامی آمریکا ظرف ۶ سال آینده به مقدار ۲۵ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت.

روسیه سند "مشارکت برای صلح" را امضا نکرد

بر خلاف برنامه پیش بینی شده، آندره کوزیرف وزیر خارجه روسیه در جریان سفر اخیر خود به بروکسل مقر اصلی ناتو، اسناد مربوط به همکاری امنیتی با پیمان آتلانتیک شمالی تحت عنوان "مشارکت برای صلح" را امضا نکرد. روسیه می گوید اکنون ناتو در پی گسترش مرزهای شرقی خود و پذیرش عضویت کامل کشورهای اروپای شرقی است و در این شرایط، همکاری با روسیه بی مورد خواهد بود. پس از اظهارات کوزیرف در بروکسل، کلاس دبیر کل جدید ناتو گفت این پیمان قصد تجدید نظر در چارچوبی که برای همکاری به روسیه پیشنهاد کرده است ندارد.

نخست وزیر لبنان استعفا کرد

حریری نخست وزیر لبنان هفته گذشته در پی بروز اختلافات بین او و نیه بری رئیس پارلمان این کشور و نیز برخی از اعضای کابینه خود، از مقام خود استعفا کرد. با این که این استعفا مورد قبول الیاس هراوی رئیس جمهور لبنان قرار نگرفت، حریری اعلام کرد کناره گیری اش از ریاست دولت، تصمیمی برگشت ناپذیر است.

اجلاس بین الملل سوسیالیست در بوداپست

هفته گذشته بین الملل سوسیالیست اجلاس دروزده ای تحت عنوان "تعمیق دمکراسی، رشد اقتصادی مؤثر، کمک به عدالت اجتماعی در بوداپست مرکز مجارستان برگزار کرد. این نشست با سخنان هورن رهبر حزب سوسیالیست و نخست وزیر مجارستان گشایش یافت. هورن گفت تنها احزاب چپ سوسیال دمکرات قادرند روند بی سابقه تحولات اقتصادی و سیاسی در اروپای مرکزی و شرقی را رهبری کنند. وی در این رابطه به پیروزی حزب سوسیالیست مجارستان در انتخابات اخیر این کشور اشاره کرد و از احزاب سوسیال دمکرات و سوسیالیست کشورهای عضو اتحادیه اروپا خواست از تلاش کشورهای اروپای شرقی و میانه برای عضویت در این اتحادیه حمایت کنند. بی پی موروا رئیس بین الملل سوسیالیست در بوداپست گفت سرمایه داری دیگر قادر به کنترل آینده خود نیست و جنبش سوسیال دمکراسی باید "آلترناتیوهای واقعی و جدی" ارائه کند. در حال حاضر، ۱۱۱ حزب در بین الملل سوسیالیست عضویت دارند.

قانون جدید پناهندگی در هلند

هلند نیز به پیروی از آلمان، مقررات پناهندگی خود را سخت تر می کند. در مجلس دوم پارلمان هلند، همه فراکسیون ها به جز فراکسیون "سبز-چپ" به تغییر قانون پناهندگی این کشور رأی دادند. به موجب قانون جدید، از پذیرش تقاضای پناهندگیانی که قبل از ورود به هلند در یک کشور "امن" بوده اند، خودداری خواهد شد و این پناهندگیان، به کشور "امن" ی که از آنجا وارد هلند شده اند، برگردانده می شوند. توجیهی که دولت هلند برای تغییر قانون عنوان می کند، افزایش شمار متقاضیان پناهندگی از ۳۵ هزار نفر در سال گذشته مسیحی به ۵۰ هزار نفر در سال جاری است.

تشدید بحران در "جمهوری چین"

ادامه از صفحه ۱۲
البته چین ها همانقدر که در سرکشی علیه مسکوبا هم اشتراک دارند، در رقابت های داخلی قومی نیز سرسخت اند. دودایف در چین به هیچ وجه رهبر بلا منازع نیست. به عنوان نمونه، روسلان خاسبولوف رئیس سابق پارلمان روسیه که او نیز از اهالی چین است، با دودایف در مقابل مخالفت، در مقابل مخالفت دودایف پرچم اسلام را برداشته است و اشاره او به شباهت ادعایی چین با افغانستان نیز در این چارچوب قابل بررسی است.

حافظ اسد: حفظ وضع موجود را بر امتیاز دادن به اسرائیل ترجیح می دهیم

جریان حوادث مشابه واقعه هفته گذشته آفولا کشته شده اند. برخی گزارش ها حاکی است حمله اخیر، واکنشی در مقابل دستگیری تعدادی از فعالان حماس توسط نیروهای امنیتی اسرائیل است. اسرائیل در طول هفته های اخیر، بیش از ۴۰ نفر از اعضای شاخه نظامی حماس را بازداشت کرده است. اکثر این افراد از اهالی کرانه غربی رود اردن اند. اسرائیل در مجموع در ماه های اخیر بیش از ۴۰۰ نفر را به اتهام عضویت یا هواداری از حماس دستگیر کرده است.

است. ملاقات اسد و مبارک چند روز قبل از سفر این هفته وارن کریستوفر وزیر خارجه آمریکا به منطقه صورت گرفت که برای ششمین بار برای حل مسائل روند صلح، به خاور میانه رفته است. پس از درگیری اخیر پلیس حکومت خود مختار فلسطین در غزه با طرفداران جنبش بنیاد گرای حماس که به کشته شدن ۱۲ نفر انجامید، حماس بزرگترین گروه همایی خود از هنگام استقرار حکومت خود مختار در غزه برگزار

حافظ اسد رئیس جمهور سوریه در گفتگویی که در دمشق با حسنی مبارک همتای مصری خود داشت، باردیگر مسئولیت توقف روند صلح خاور میانه را متوجه اسرائیل دانست و افزود: "سوریه، حفظ وضع موجود را به پذیرفتن خواست های غیر قابل قبول اسرائیل ترجیح می دهد." اسد گفت هدف اسرائیل از مذاکره، این است که امتیازات بیشتری به دست آورد. رئیس جمهور سوریه، تلاش های دولت آمریکا برای صلح را جدی دانست و اظهار داشت مانع اصلی پیشرفت صلح، اسرائیل

در تلاشی دیگر برای شکستن بن بست بحران افغانستان

گروههای درگیر افغانی در تهران گردهم آمدند



کشتار، ویرانی و آوارگی تهدید ستاورد حضور دوساله مجاهدان در کابل است

گروههای درگیر در بحران دو ساله افغانستان برای شکستن بن بست موجود در جنگ داخلی این کشور به تلاش تازه‌ای دست زده‌اند. اغلب این گروهها با شرکت در نشستی در تهران موافقت کردند. پیشنهاد چنین نشستی در اجلاس وزرای خارجه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در اسلام آباد پاکستان توسط ولایتی وزیر خارجه جمهوری اسلامی طرح شد. سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی در این باره گفت: در شرایطی که همه راههای گفتگوی مستقیم به بن بست رسیده بود و تلاشهای نمایندگان سازمان ملل و سازمان کنفرانس اسلامی بی نتیجه مانده بود، پیشنهاد گفتگوی غیر مستقیم به وسیله جبهه‌های اسلامی در کمیته ویژه افغانستان طی اجلاس اخیر وزیران خارجه در اسلام آباد مطرح شد.

بنا به گزارش رسانه‌های جمهوری اسلامی پیش از آن تا میانه تام الاختیار گروههای افغانی از جمله نمایندگان برهان الدین ربانی رئیس جمهور افغانستان، گلبدین حکمتیار و سایر گروههای درگیر با بی طرفی مذاکرات تهران شرکت می‌کنند. علاوه بر این نمایندگان از جانب سازمان ملل متحد، سازمان کنفرانس اسلامی و پاکستان در این

مذاکرات حضور می‌یابند. قرار است در این مذاکرات که بطور غیر مستقیم انجام می‌گیرد، طرفین به چارچوب مشخصی برای تفاهم کلی میان گروههای درگیر که ظاهراً اساس مذاکرات بعدی خواهد بود دست یابند. مذاکرات نمایندگان گروههای درگیر افغانی از روز سه شنبه ۱۸ آذر (۲۹ نوامبر) در تهران آغاز شده است. بنا

به آخرین گزارشها مذاکرات در روزهای گذشته حول پیشنهاد آتش بس سه ماهه، تشکیل دولت موقت شش ماهه تا یکساله و پس از آن انتخابات آزاد پارلمانی دور می‌زند اما هنوز نشانه‌هایی که حاکی از توافق میان گروههای افغانی باشد گزارش نشده است.

پیشنهاد مذاکرات غیر مستقیم

تشدید بحران در "جمهوری چین"

مقاومت است، موضع خود را تغییر داد و تهدید به برقراری حکومت نظامی در چین در صورت عدم اجرای التیماتوم یلتسین را پس گرفت. دفتر مطبوعاتی یلتسین اعلام کرد وی هیچگاه چین را تهدید به برقراری حکومت نظامی نکرده است. همزمان با این موضع جدید، یلتسین فرمانی را امضا کرد که به موجب آن، آن گروه از جنگجویان چین که تا ۲۴ آذرماه سلاح‌های خود را زمین بگذارند، از تعقیب مصون خواهند بود.

سخنگوی یلتسین هفته گذشته اعلام کرد برای برقراری قانون در چین مجموعه‌ای از تدابیر اتخاذ شده است. خبرگزاری نیمه رسمی "اینتار-تاس" اعلام کرد وزارت دفاع روسیه اعزام واحدهای کوچک به مرزهای چین را آغاز کرده است تا به محض اعلام وضعیت فوق العاده در چین از سوی مسکو، به نیروهای ویژه وزارت کشور یاری رسانند. به نظر می‌رسد مسکو تصمیم گرفته است به جای وارد آوردن ضربه بزرگ نظامی، فشار سیاسی و نظامی به دودایف را به تدریج افزایش دهد.

در مقابل، طرفداران دودایف در گروسی مرکز چین دست به تدارکاتی برای رویارویی با حمله احتمالی روسیه زده‌اند. در سراسر شهر و به ویژه در مقابل مقر دودایف مردان مسلح مستقر شده، سنگرهای ایجاب گردیده و ادامه در صفحه ۱۱

جمهوری چین که یکی از مناطق خودمختار روسیه در قفقاز است و حدود سه سال پیش در جنبشی به رهبری ژنرال دودایف از افسران سابق ارتش شوروی از روسیه اعلام استقلال کرد، بار دیگر در مرکز توجه رسانه‌های گروسی قرار گرفته است. مخالفان دودایف که مسکو آشکارو پنهان به آنها کمک می‌کند، هفته گذشته گروسی مرکز چین را مورد حمله هوایی قرار دادند. دولت روسیه رسماً می‌گوید که مهم‌ترین موضوعی که در ارتباط با چین بدان توجه دارد، برقراری "نظم و آرامش" و نیز آزادی گروسی از نظامیان روس است که به اسارت نیروهای دودایف درآمده‌اند. اخیراً پاول گراچف وزیر دفاع روسیه گفت "هر اقدام لازم برای آزادی این سربازان روس به عمل خواهد آمد. یلتسین رئیس جمهور روسیه در التیماتومی به طرفین جنگ در چین، تا پنجشنبه ۱۰ آذر به آنها مهلت داد بین خود آتش بس برقرار کنند. در حالی که نیروهای مخالف دودایف، التیماتوم یلتسین را پذیرفتند، دودایف اعلام کرد که حاضر به گفتگو با پوزیسین است اما در مقابل هرگونه مداخله نظامی روسیه، مردم چین را علیه نیروی مداخله گریه مبارزه مسلحانه فرا خواهد خواند.

مهلتی که در التیماتوم یلتسین تعیین شده بود، پنجشنبه گذشته بدون اینکه دودایف آن را اجرا کند منقضی شد. دولت روسیه پس از اینکه آشکار شد دودایف مصمم به

عدم توافق

جامعه بین‌المللی و تشدید جنگ در بالکان

بود، سرباز زد. آندره کوزیرف وزیر خارجه روسیه هفته گذشته در پاریس گفت بحران بوسنی تنها از طریق سیاسی

متجاوز دارند. وارن کریستوفر روز هشتم آذرماه پیشنهاد تشکیل یک کنفرانس جدید در مورد بوسنی و سابق را مطرح کرده بود. پیش از آن، وزیر دفاع آمریکا در اظهارات جنجال برانگیزی احتمال دادن به امتیازاتی به صرب‌های بوسنی از سوی جامعه بین‌المللی را منتفی ندانسته بود. اینگونه اظهارات، چرخشی تازه در مواضع آمریکا محسوب می‌شود. در حالی که درست تا چند روز قبل از اتخاذ این مواضع، اختلاف نظر آمریکا با سایر اعضای شورای امنیت اینگونه است، در مورد بوسنی دولت آمریکا نمی‌تواند یا نمی‌خواهد از نفوذ خود برای واداشتن سایر اعضای شورای امنیت به پیروی از مواضعی که واشنگتن اتخاذ می‌کند، وادارد.

حداقل دولت بوسنی معتقد است که در این مورد باید به جای "توانستن" از "خواستن" واشنگتن سخن گفت. مقامات دولت بوسنی اخیراً با پیشنهاد آمریکا برای برگزاری کنفرانس بین‌المللی مجددی در مورد بوسنی مخالفت کردند و تأکید ورزیدند این صرب‌ها هستند که با آخرین طرحی که سازمان ملل برای پایان دادن به جنگ تهیه کرد، مخالفت و از این رو، حکم

گفت ایالات متحده حاضر به دادن هیچگونه امتیازی به صرب‌ها نیست و به تشکیل کنفدراسیون از سوی صرب‌های بوسنی و صربستان کمک نخواهد کرد.

زمزمه امکان تغییر طرح صلح گروه تماس بین‌المللی در مورد بوسنی، نگرانی دولت این کشور را برانگیخته است. به موجب طرح صلحی که مسلمانان و کروات‌های بوسنی پذیرفته‌اند اما مورد مخالفت صرب‌ها قرار دارد، بوسنی - هرزه گوین یک کشور واحد باقی می‌ماند اما کنترل ۴۹ درصد اراضی آن در دست صرب‌ها خواهد بود. اجرای این طرح برای صرب‌ها که هم‌اکنون حدود ۷۰ درصد خاک بوسنی - هرزه گوین را در کنترل خود دارند، بدین معنی خواهد بود که می‌بایستی از بخشی از تصرفات خود عقب‌نشینی کنند. از این رو صرب‌ها با این طرح مخالفت کردند. اکنون از این سخن می‌رود که گروه تماس بین‌المللی بدون افزایش سهم ۴۹ درصدی صرب‌ها از خاک بوسنی، به آنها امکان تشکیل کنفدراسیون با صربستان را بدهد. در صورت تحقق چنین طرحی، تجزیه بوسنی - هرزه گوین رسمیت خواهد یافت و این سؤال مطرح می‌گردد که اگر صرب‌های این کشور بتوانند با صربستان متحد شوند، کروات‌های بوسنی - هرزه گوین نیز خواستار آن نخواهند بود که با ترک کنفدراسیون خود با مسلمانان، به کرواسی بپیوندند و در این حالت، آینده تقسیم اراضی آن بین صربستان و کرواسی باقی می‌ماند، چه خواهد شد؟

نفع صلح است، واکنش مثبتی داشته باشد. وزیر خارجه روسیه خواهان لغو گام به گام تحریم‌ها علیه بلگراد شد و در مقابل، خاطر نشان کرد لغو تحریم تسلیحاتی بوسنی منجر به تشدید جنگ و به خطر انداختن جان مردم غیرنظامی و نیز مأموران سازمان‌های بین‌المللی مستقر در بوسنی خواهد شد. کوزیرف افزود روسیه نیز مانند بریتانیا و فرانسه در صورت لغو تحریم تسلیحاتی بوسنی، نیروهای پاسدار صلح خود را از بوسنی فرا خواهد خواند.

روز جمعه ۱۱ آذر، گروه تماس بین‌المللی بوسنی (متشکل از آمریکا، روسیه، بریتانیا، فرانسه و آلمان) در بروکسل مرکز بلژیک تشکیل جلسه داد تا در مورد تحولات اخیر بالکان گفتگو کنند. در حاشیه این جلسه، گفته شد که روسیه قصد دارد پیشنهاد کند جامعه بین‌المللی به جای ادامه فشاری بر حفظ یکپارچگی بوسنی، به صرب‌های این کشور اجازه دهد با صربستان یک کنفدراسیون تشکیل دهند. در مقابل، مشاور امنیتی کلیتون رئیس جمهور آمریکا علیرغم اظهارات اخیر مقامات این کشور مبنی بر امکان امتیاز دادن به صرب‌ها، در آستانه نشست بروکسل

قابل حل است. وی با اشاره به اعلام قطع کمک‌های صربستان به صرب‌های بوسنی گفت جامعه بین‌المللی باید در قبال هر آنچه که به

کمک‌های انسانی به بوسنی!

نوع است و آیا تهران بدون اینکه منتظر تحقق خواست بوسنی نیستی بر لغو تحریم تسلیحاتی سازمان ملل علیه همه طرف‌های جنگ در مورد بوسنی شود، به کشورهای یوگسلاوی سابق اسلحه می‌دهد یا نه.

نخست وزیر بوسنی در تهران نیز خواستار لغو تحریم تسلیحاتی سازمان ملل در مورد کشورش شد. کارشناسان نظامی غربی و برخی از افسران ارتش بوسنی گفته‌اند جمهوری اسلامی با نقض تحریم سازمان ملل بوسنی اسلحه داده است. جمهوری اسلامی ضمن تکذیب این خبر بارها از سازمان ملل خواهان لغو تحریم بوسنی شده است.

در جریان سفر اخیر نخست وزیران بوسنی و کرواسی به ایران، رشتنجان در دیدار با این دو اعلام کرد که جمهوری اسلامی به کمک‌های انسانی به بوسنی برای ایستادگی در برابر تجاوز صرب‌ها ادامه خواهد داد.

جمهوری اسلامی همچنین اعلام کرد که می‌خواهد برای بهبود روابط و همکاری بین بوسنی و کرواسی تلاش کند. از آنجا که کروات‌ها و مسلمانان بوسنی در هفته‌های اخیر در حملاتی هماهنگ علیه صرب‌ها به یک رشته موفقیت‌های نظامی دست یافته‌اند، این سؤال مطرح می‌شود که کمک‌های انسانی جمهوری اسلامی به طرف‌های جنگ بالکان از چه